ژوندون

شماره ـ ۵۱

پنجشنبه ۲۲ حوت ۱۳۵۳ ـ
۳۰صفر ۱۳۹۵   ۱۳ مارچ ۱۹۷۵

اختصاری از وقایع مهم هفته









پنجشنبه ۱۵حوت:

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ساعت ۷و۳۵ دقیقه شب با ښاغلی سرجان کاررئیس دولت وگورنر جنرال آستراليا درهوتل انتر کانتی ننتال ملاقات تعارفی به‌عمل آوردند.

*ښاغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم میر من نگوین تی بین وزیر خارجه حکومت موقتی انقلابی ویتنام جنوبی رابرای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

*اساسنامه تصدی ملی بس به منظور تسریع حمل ونقل وتامین رفاه مردم تصویب گردید.

شنبه ۱۷ حوت:

* ښاغلی محمدداؤد رئیس دولت وصدراعظم به هند، بنگله دیش وعراق مسافرت رسمی ودوستانه می نمایند.

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم دردعوتی اشتراك فرمودند که به افتخار شان از طرف سر جان کار رئیس دولت و گورنر جنرال آستراليا در هوتل کابل ترتیب شده بود.

*ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم بامهمان گرامی شان ښاغلی سرجان کاررئیس دولت و گورنر جنرال استراليا درمیدان هوایی کابل وداع نمودند.

*ښاغلی سر جان کار رئیس دولت و گورنر جنرال استراليا و ښاغلی محمد نعیم درهوتل انتر کانتیننتال ملاقات تعارفی به‌عمل آوردند.

*ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم به‌افتخار ښاغلی سر جان کار رئیس دولت وگورنر جنرال استراليا دعوتی شامی‌در سالون ضیافت های وزارت امور خارجه ترتیب داده بودند.

یکشنبه ۱۸ حوت:

مجلس عالی وزرا منع استخدام زنان‌رادر کارهای زیر زمینی معدن تصویب نمود.

*کوپراتیف مامورین معلمین و اجیران دولت منظورگردید.

*افغانستان حکومت موقتی انقلابی ویتنام جنوبی‌رابه رسمیت شناخت.

*بیش از ۱۲۳ پناهگزین دیگر بلوچ به‌اثرظلم وتعدی حکومت پاکستان بخاك افغانستان پناه آوردند.

دوشنبه ۱۹ حوت:

ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت‌وصدراعظم طی‌پیامی‌توجه سر منشی موسسه ملل‌متحد رابروضع رقت بار آوارگان وپناه گزینان بلوچ‌جلب نمودند.

*مقررات خریداری دوایی وتصدی‌های دولتی بداخل ۳ فصل و ٤٥ ماده تصویب گردید.

* ښاغلی محمدداؤد رئیس دولت‌وصدراعظم برای یك مسافرت رسمی ودوستانه وارد دهلی جدید گردیدند.

* موافقت نامهٔ قرضه سیزده ملیون دالر بانك جهانی‌برای انکشاف زراعتی درواشنگتن نشانی شده وبعد از طی مراتب آن‌به امضاء خواهد رسید.

چارشنبه ۲۱ حوت:

* ښاغلی محمدداؤد رئیس دولت‌وصدراعظم صبح دیروز درمحل یاد وبود گاندی فقید، جواهر لعل نهرو و لال بهادر شاستری اکلیل گل گذاشتند.

متعاقبا نهالی را درپارك راجگت بدست‌خود غرس نموده‌وآب دادند درکنار این‌نهال‌لوحه‌ای که‌درآن نام ښاغلی محمد داؤد درج است گذاشتند.

چارشنبه ۲۱ حوت:

* ښاغلی محمدداؤد رئیس دولت‌وصدراعظم صبح دیروز ښاغلی چاوان وزیر خارجه‌هندرا پذیرفته وبرای ٤٥ دقیقه باوی مذاکره‌کردند.

*۱۹ ملیارد و۱۷٦ ملیون و۳۷٦ هزار افغانی بودجه سال ٥٤ دولت جمهوری منظور شد.

باقرائت پیام ښاغلی محمد داؤد رئیس‌دولت وصدراعظم مجلس یاد وبود شاعرنامور کشور امیر خسرو بلخی مشهور به دهلوی ازطرف وزارت اطلاعات وکلتور در کابل بر گذار گردید.

*به مصرف اضافه ازسه صد وپنجاه‌وچار هزار افغانی ساختمان‌پل عزت خیل ولسوالی جبل السراج تکمیل گردیده و مورد استفاده قرار گرفت.

ازبالا بپایان : ازښاغلی رئیس دولت‌وصدراعظم درمیدان هوایی دهلی پذیرایی شایانی بعمل آمد.

ښاغلی رئیس دولت وصدر اعظم‌باښاغلی سرجان کار رئیس دولت وگورنر جنرال استراليا.

ښاغلی رئیس دولت وصدر اعظم‌میرمن نگوین تی بین وزیر خارجهٔ حکومت موقتی انقلابی ویتنام جنوبی‌را درقصرریاست جمهوری پذیرفتند.

پیک ژوندون

> افغانستان ازلحاظ اقتصادی کشوریست درحال رشد ورفع این عقب ماندگی مستلزم آنست که گامهای سریع ووسیعی درین زمینه برداشته شود وتحولات بنیادی درین مورد اجراگردد ویك اقتصادملی ،مستقل، مترقی هم آهنگ وبر اساس پلان وبرپایهای ساینس وتکنالوژی معاصر بایدایجاد شود.
> (ازبیانات رئیس دولت)

تشویق صنایع ملی

ازخبر هایی دلچسپ هفته گذشته یکیهم خبری بودراجع به تصویب مقررات خریداری دوایر وتصدی های دولتی که باساس این مقررات دوایر وتصدی ها در قسمت خریداری اموال واجناس مورد ضرورت خاص تسهیلا تیکه سرعت عمل فراهم و مشکلات اداری راکمتر میسازد برخور دار خواهند گردید .

بهلوی دیگر این مقررات تشویق وحمایه صنایع داخلی را منعکس میسازد باین معنی که در مقررات جدید تاکید شده که اگرقیمت تولیدات داخلی درحدود ۱۵ فیصد نسبت به اموال مشابه خارجی بیشتر باشددوایردولتی مکلف خواهند بود که ازتولیدات داخلی استفاده نمایند .

چنانچه ملتفت میشویم این اقدام دولت جمهوری ما حرکتی است که امکانات وشرایط بهتر راجهت توسعه صنایع ملی از طریق حمایت و تشویق از آن به نتیجه مطلوب مثبت مساعد ساخته وعوامل منفی ایراخنثی میسازد که درگذشته تحت تاثیر آن یکعده پروژه های صنعتی یا بطور سلیم موقع رشد ونمو نیافت واز آنها بهره برداری های که لازم بودممکن نگردید ویا اینکه با شکست وناکامی مقابل شد همچنین قسمتی ازصنایع ملی چه درسکتور دولتی و چه در دایره تشبثات انفرادی اگر توانستند هویت تولیدی خودرا ازدست ندهند وبه وقفه ورکود ظاهرا وعملا مواجه نگردند. مگر علما ومعنا به بطائت اقتصادی معروض واز لحاظ ماهیت انتفاعی بامقایسه به تمنیات ونتایجی که از تمویل چنین تشبثات توقع میرفت نتوانستند اهدافی رابر آورده سازند که ازلحاظ تقویت ورشد اقتصاد صنعتی ، جامعه مابه آن نیاز داشت.

اینك که دولت جمهوری مادر پرتوکفایت ودرایت وطنپرستانه متوجه التیام جراحات اقتصادی کشور است واین امر در پرتو مناشیر عالیه واهداف مردمی وبزرگ انقلاب ملی مابه پیش میرود متوجه میشویم که در ردیف ابزار سیاست حمایت از صنایع ملی ،جنبه تشویق از چنین صنایع فداکارانه دنبال میگردد واین امر موقع میدهد تاصنایع ملی در پرتو اقدامات حمایوی دولت سیر تدریجی ارتقایی خود رابتواند دنبال نماید واز ملاحظاتی بدور وتحت نظارت قرارگیرد که زمینه فساد اقتصادی رادر صنایع ملی بارمیاورد ونتیجه مستقیم آن به ضرر طبقه مستهلك وبه زیان عواید ملی وبه نفع عده محدودی تمام میشد.

اکنون که در کشور مادر کلیه امور رعایت وتامین منافع اکثریت مردم مطرح است جهت تضمین مبانی اقتصاد جامعه ، انکشاف ورشد سلیم تولیدات ملی از طریق صنایع مورد نیاز کشور، در خور توجه قرار گرفته و با مراجعه با بزار علمی ماهیت اقدامات وتشبثات اقتصادی، موافق باقتضای نیاز های اقتصادی جامعه ودخالت مستقیم منافع عامه مردم تغییر جهت میدهد تغییر جهت مثبت وبسوی ارتقا.

اقدام تشویق صنایع ملی که در چوکات مقررات جدید خریداری دوایر وتصدی های دولتی بهآن اشاره شده است وسایر تشبثات صنعتی و تولیدی دردیگر ساحات اقتصادی و ملی که در عرصه گوناگون بملاحظه میرسد یکبار دیگر بیانات رهبر انقلاب ملی ماراتداعی میکند که در خطاب تاریخی بمردم افغانستان ایراد ودر باره حمایت ازصنایع و سرمایه گذاری های ملی وخصوصی چنین ارشادنموده بودند.

(دولت جمهوری سرمایه گذاری های خصوصی و تشبثات خصوصی را دررشته ایجادصنایع کوچك و متوسط وصنایع دستی تشویق ،حمایه ،رهبری و کنترول خواهد کردو همکاری های لازم رابین سرمایه های دولتی وسرمایه های خصوصی بمنظور ترقی، هماهنگی ورشد متعادل اقتصاد ملی بصورت مختلف بوجود خواهد آورد .

دولت جمهوری حمایت ازصنایع ملی ، صنایع دستی وهنر های ملی راوظیفه جدی خود میشمارد وسیاست حمایوی راازصنایع وتجارت داخلی در برابر رقابت اموال وسرمایه های خارجی در پیش خواهد گرفت.)

وقتی بخواهیم این مفاهیم رابهتر درك کنیم لازم می افتد تاجربانات وریفورمهای اصلاحی واقتصادی را که بعد از استقرار نظام نوین در کشورقدم بقدم ومتکی بهعلم وشرایط و امکانات میسر طرح ودر ساحه تطبیق قرار گرفته ارزیابی نماییم آنوقت مشهود میگردد که کشور مادر آستانه راهیابی بسوی رفع هدفها وافق های روشن زیست دررفاه ودرطریق تکامل قرار گرفته ودیگر سمت حرکت معلوم وحدود مسئولیت ها و مکلفیت های ما در برابر وطن ومردم ماتعیین گردیده است .

حمایت ازصنایع ملی واتخاذ تدبیرتشویق آنکه روبه توسعه وتعمیم خواهد بود ازاین جمله مکلفیت ها ومسوولیت هاست که ازطرف دولت رهبری وآغاز گردیده ومردم باید باآن همدست وهمراه شوند تاصنایع ملیماباتحول وانکشاف درسایر جهات زندگی که ایده آل مقدس جامعه امروز ما رامیسازد نیز هماهنگ به پیش رود.



مودل سال ۱۹۷۵ آرایش موی

***

چاقی کاذب دشمن صحت است

***

تا بلوی متن از زنان صنعتگر صفحات شمال کشور

***

ترانه های کهساران در سرزمین راگها



شترکوهای تاوه ،آثار پر ارزش باستانی ما

***

آرزوی بر خورد منطقی استاد با شاگرد .



تساوی حقوق زن و مرد .

***

قصه نویسان معاصر

خواب پریشان

نوشتهٔ : ع ، ك رها

چندتن ازدهقانان ومزدبگیران دورش حلقه بسته بودند روشنی نشاط وشادمانی ایکه در باطنش می درخشیدازچهره‌اش خوانده میشد. تازه بحرف آمده واز تصمیم سال آینده واز کار هاییکه باید برای وی انجام داده شود حرف میزد ومی گفت :

امسال برف کافی آمده ومنبع آب برای کشتزار هاو بوستانها فراوان است، فلان پشته راکه سال پارنتوانستیم بشکنیم وخار زارمانده است امسال باید تاکستان بسازیم آن زمینی راکه در دامنه‌افتاده باید کچالوزرع کردودرخیابانهایش سپیدار غرس نمود، درین گوشه جواری وجوواَنطرفش باید گندم‌کشت شود وزمین های موازی بابستر رود خانه را به ترکاری وپالیز باید تخصیص داد وقتی حاصل این هاجمع شد (لاله جمشید) را که سه سال میشود ربح پول اصلی وربح مفاد رانرسانده‌است راضی میسازم تامبلغی بگیرد وزمین جوار باغ راکه چون نیشتر درچشمم می خلد قباله بدهد بهرحال اکنون که‌زمستان به آخررسیده ویکی دوهفته بعددر کوه وکمر علف تازه میروید وبرای مواشی علوفهٔرایگان میسر میگردد نباید گاوهای شیری و دوسه کب کاری بابه (نوروز) راازنظر دورداشت اوکه بهار گذشته عروس آورده و فرزندش راداماد ساخته است تاکمر زیربار قرض گور است حاضر میشود با نصف قیمت هرحیوانش راکه بخواهم بفروشد، نیم پول را از مدرك طلبی‌که ذمت مستاجر آسیاب است در آغاز وباقیمانده رادر ختم فصل وموقع درو میپردازم وقتی اینکار هابسر میرسد آنوقت دیگر در قریه‌وده حریفی نمی ماندکه همپایهٔ من باشد درآنصورت است که بابه کریم راارباب درجه یك میگویند وبااین قدوقامتی که دارم نکاح چارم از هر دری که بخوا ستگاری بروم رد نمیشود .

تااینجا گفته بودکه خنده امانش نداد وگفت خوا هم عجیب عالمی دارد آدمی مرغ بالدار میشود پرمی کشد ومژه بهم زدن هرجا دلش بخواهد میرود وبهرقالبی که درآید از عهده به اسانی بدر میشود ...

برای من که قصه اش جالب و شنیدنی افتاده بود پرسیدم خوب ارباب کریم نگفتی چگونه ازخواب پریدی وآخرش چطور این رشتهٔ خام ازکفت رهاشد وخیال پلو چربت بی روغن ونیم پخته ازدیگ برون آمد ...

گفت : همانطور بادهقانان سرگرم بودم و آهسته آهسته خود را در قیافهٔ یك داماد هفتاد ساله چابك وچالاك میيافتم که دیدم مارخطرناکی بپاهایم تاب میخورد، می پیچد و آهسته آهسته بطرف تنه ام ببالامی خزد ، باقی حکایت راخودت میدانی‌که برمن چه‌گذشته باشد فقط پیرزالی که در کنارم خوابیده بود وسومین عیالم است باچیغ من ازخواب پریده ودرحالت اغماء رفته بود... عرق سردی از سروصورتم جاری بود و چون برگ بید میلرزیدم ، کم پیرم وقتی سرحال آمد،گفت: برونذربده وشکر خداکن که چنین پیش آمدی دربیداری نصیبت نبود وگرنه چه خاکی بر سر میکردم ، از درد بیوه‌گی به که می‌نالیدم‌و بار فراقت را چطور تحمل می‌توانستم !

گفتم تعبیراین خواب چگونه باشد ؟

گفت : صبح بعداز ادای نماز به امام‌مسجد قصه کردم واوگفت: دعای سر فرزندانت راکن به داشته قناعت نماو ازحرص بگریزکه‌حرص مرض بی‌درمانست وعامل مالیخولیایی میشود تباهی آور. آن ماریکه درتو پیچیده بود شبح آزمندی هایی تواست که درخواب و بیداری نمی گذارد آرامشی نصیبت باشد.

گفتم : مطالب دیگری ازجانب من باین تعبیر اضافه کن، عمر و متاع دنیا هر دو را اعتبار ودوامی نیست که آدمی برآن فارغبال تکیه زندوفقط درگردابی خودرا سراسیمه‌سازد که اندیشهٔ جمع‌آوری مال‌ومنال برایش فراهم میکندو موقع نمیدهد بجوانبی ملتفت شود که وهله بوهله مدارج‌کمال رافراپیش آدمی‌حاضر میسازد واورا به اهداف اصلی زندگی روبرو میگرداند اکنون برای آنکه این واقعیت رابهتر دریابی نگاهی به گذشته هابیفگن ، روزها و سالهایی را که از اختیارت برون شده نقد و آنگاه حساب کن نقش قدمهای تودر زمینهٔ هفتاد سال عمر رفته درتاریکی معدوم شده ویادر روشنایی هابرجسته باقیمانده است . آنانیکه راه نیکان میگیرند وایام ولپال عمر را عبث نمی گذرانند،برای خود،برای تجلی‌اعمال انسانی وپرورش صفات شایسته در خود ، تلاش شان جز این نخواهد بود که بخودوبه دیگران مفید واقع شوند ازفکر ونظر شان از رأی وعمل شان وسرانجام از وجود شان به دیگران به کسانیکه بااویکجا در یك مدار ، چرخ زندگی راپیش میبرند خیر و صوابی برسد . مگر تو چنانکه باید، نزیسته ای !

اگر میخواستی راستی با به کریمی باشی که درروستا وبادیه حریفی همپای نداشته و در دلها محبوب‌باشد ، بجای‌آنکه حرص‌دنیا ترابجان ومال مردم متوجه میساخت ودر فکر تصاحب راحت و وسیلهٔ معیشت دیگران می انداخت ، چشم طمع راکورمیکردی و فتنهٔ بیداد نسبت بدیگران رابا خیر رسانی و معاونت ودستگیری از دیگران در ضمیر و احساست می خواباندی، آنوقت بودکه محترم میماندی واهل ده وقریه عزیزت میداشتند در هرامری بتو مراجعه میکردندوتوبزرگ میشدی وآنان ترارهنماوغمخواری میيافتندکه بی ریاو محض خیرخواهی و خدمت به مردم دوروپیش خود، بالاتر لذتی رانمی شناسد آنوقت میگفتند درکنار خود بابه کریمی داریم که درانسانیت ومدارا مثل وهمتاندارد وتوهم مباهات میکردی که‌کفهٔ دارایی هایت از نیکو کاری ها سنگین است، نیکو کاری هاییکه جفاست اگرانسان دراندیشهٔ ثروت و مکنت مادی آنرا فراموش کندو یکسره به‌هواخواهی اندوختن‌زروسیم باشد، آنهم ازپهلوی نیرنگ وتقلب درحق دیگران .

اگر میخواهی دیگر خواب پریشان نبینی و ازتمنیات مبهم واغواکننده در امان بمانی در فکر پریشانی دیگران مباش، واز (بابه‌کریم) بارخاطرها واسباب آزار وملال مردم درست مکن !

۷۷ پروژه برای انکشاف اقتصادی کشور زیر مطالعه است

رویه حکومت پاکستان در برابر مساله پشتونستان خلاف منطق است

ریاست دفتر جمهوری مصاحبه بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم راکه روز شنبه ۱۷ حوت باښاغلی کرنجیا مدیر جریده بلتیز هندوستان صورت گرفته است بتاریخ ۱۹حوت به نشر سپرد.

بسیار خوش شدم که بعد از چندی شمارا می بینم واز اینکه نسبت به افغانستان علاقه دارید ودرمقالات خویش راجع به افغانستان واقعیت هارا نشر نموده اید تشکر میکنم .

کرنجیا۔ از اینکه موقع می یابم خدمت شما برسم وبه من موقع ملاقات داده شده نهایت سپاس گذارم .

سوال :۔ ښاغلی رئیس دولت از ملاقات ما هنگامیکه شما از توقعات بزرگ انقلاب حرف زدید دوسال گذشته است آیا میتوانید حالا بما بگوئید که تاچه اندازه آن توقعات بر آورده شده ؟

جواب :۔ طوریکه قبلا گفته بودم آرزوهای انقلاب بزرگ است که برآوردن آنهمه آرزوها در این مدت کوتاه ناممکن است اما باید توضیح نمودکه دراین مدت یکسال و چند ماه توجه مابیشتر به چند نقطه متوجه بوده که آنها عبارت انداز استقرار نظام جمهوری و امنیت داخلی ، دوم سیاست خارجی افغانستان ومساله سوم موضوع اقتصادی وپلان های انکشافی میباشد وتاجائیکه دیده میشود به تناسب وقت دراین ساحات تاحدی موفقیت حاصل شده است .

مناسبات مابااکثر کشورهادوستانه وبیشتر ازپیش تقویه یافته است تنها یگانه کشوریکه متاسفانه نتوانسته ایم تااکنون روابط مادوستانه باشد پاکستان است آینده دیده شود که چطور خواهد شد .

در قسمت انکشاف اقتصادی مسرورم که قدم های مثبت برداشته شده است وتاحال هفتاد و هفت پروژه جدید تحت مطالعه قرار دارد که از جمله این پروژه ها نسبتاً بزرگ آن آبیاری از دریای آمودرشمال افغانستان وهمانطور در جنوب قسمت سفلی وادی هیرمند و هکذا بند وانهار درفراه رود وهری رود میباشند . از پروژه های کلان دیگر پروژه خط آهن ، پروژه استخراج و ذوب مس ، مطالعات دقیق برای استخراج معدن حاجی گک که یکی از ذخایر بزرگ آهن در این ناحیه میباشد روی دست است . در قسمت مواد نفت خو شبختانه در شمال افغانستان امید واری بیشتری بدست آمده ودر این زودی هابه ساختمان تصفیه خانه دران ناحیه اقدام میگرددو همانطور ساحه تفحصات برای نفت تا هرات توسعه می یابد .

درجنوب کشور ما امید واری زیادی برای پیدا شدن نفت موجود است و بعضی کمپنی ها برای تفحصات آن دلچسپی نشان داده اند اما با کمپنی توتل فرانسوی داخل مذاکره میباشیم توقع میرودکه بزودی به موافقه برسیم . این بود توضیح مختصر درباره پلان هائیکه روی دست است اگر فرصت داشته باشید و معلومات مفصل بخواهید خوش میشوم باوزیر پلان صحبت نمائید .

در قسمت مالی وضع ما نسبت به گذشته فرق کرده عواید دولت درسال های بین ۵۰ر۵۱ در حدود ۵۰ر۱۰فیصد درسال های ۵۱ و ۵۲ ۸ر۸ فیصدو دربین سالهای ۵۲ و ۵۳ در حدود ۱۲ فیصدیك تزئید رانشان میدهد، عواید سال ۱۳۵۳ نظربه سال ۵۰ یك تزئید در حدود بیست و شش فیصد رانشان میدهد ودر عواید داخلی در سال ۵٤ نسبت به ۵۳ تزئید تقریبا ۳۸ فیصد پیشبینی میشود رویهمرفته وضع مالی مابه تناسب سالهای قبل بهتر است بودجه دولت درسال ۱۳۵٤ به تناسب سال ۱۳۵۳- ۵٦فیصد تزئید گردیده است که از جمله ۵۱ فیصد آن بودجه عادی و ٤۹ فیصد آن بودجه انکشافی دولت را احتوا میکند .

در قسمت بودجه انکشافی درسال ۱۳۵٤ نسبت به سال ۱۳۵۳ یك افزایش تقریبا ۸۷ فیصد به نظر میرسد .

در این مدت قوانین و مقررات از قبیل قانون گمرکات ، قانون تصدیها قانون مالیه مواد استهلاکی ، قانون کوپراتیف ها وتاسیس کو پراتیف مامورین و سیستم تعرفه گمرکی و مقررات بودجه وقانون بانکها که عنقریب نافذ میشود برای تنظیم امور مالی و پولی کشور وضع شده است .

همچنین طرزالعمل ها واصلاحات اداری درامور مالی کشور بعمل آمده است.

برای استقرار قیم دولت در بودجه خود سبسدی راقایل گردیده وازاین جاست که قیمت هابصورت عموم به یك تناسب نسبی نگهداشته شده است .

درسال ۱۳۵٤ درحدود ۱۷ر۱۲ فیصد بود جه عادی به غرض سبسدی تفاوت قیمت مواد استهلاکی مدنظر گرفته شده است . یکی ازمسایل مهم دیگریکه دولت روی دست دارد اصلا حا ت ارضی می باشد که دراین قسمت مرحله به مرحله عملی خواهدشد. تامو قـع عملی آن فعلا زمین هاییکه به تصرف دولت است به مردم توزیع گردیده وهنوز هم دوام دارد.

قانون مالیه مترقی وقانون اصلاحات ارضی درهمین سال شکل نها یی بخود میگیرد البته تطبیق آن و قت بکاردارد وبه تدریج عملی خواهد شد.

سوال ۔ انقلاب درساحه ثبا ت سیاسی ودسپلین اقتصادی یقینا اجرآات چشمگیری رانشان مید هد من نمی توانم از ذکر این نکته خود داری کنم که افغانستان توانست صعود قیمت هارا درحدود ۷ فیصد نگهدارد. این امر دربین کشور های رو به انکشاف یك ریکارد محسوب میشود چنانچه قیمت های اجناس ضر و ری مانند نان حتی تنزیل یافت. اینکار چگونه عملی شد ؟

جواب۔ گمان کنم قبلا جواب سوال شما داده شده است طوریکه تو ضیح گردید برای استقرار قیمت دو لت سبسدی راقبول نموده ویکی از علل دیگر آن تقلیل درنشر پول است که به تناسب سال ۵۲ درسال ۱۳۵۳ در حدود ٤۰ فیصد کمتر نشر شده دو قسمت معاش کارگران ووقت کارشان تجدید نظر به عمل آمد.

برای تشویق دهقین قیمت پخته تعیین گردید درسال جاری دها قین ازمدرك قیمت پخته عواید نسبتا خوبی بدست آوردند بدین ترتیب تا اندازه توانستیم قیمت هارا استقرار دهیم درباره سبسدی دولت که تاچه وقت میتوانیم آنرا ادامه دهیم مربوط به وضع مالی ووضع قیمت هادر جهان است. زیرا متاسفانه باید اظهار نمود که دردنیای امروز سه دسته از کشور ها قرار دارنداول کشور های صناعتی که قیمت ها ی تولیدات شان رو به افزایش است دسته دوم کشور های دارای منابع نفت می باشند که آنها نیز قیمت نفت خود را بلند برده اند ودسته سوم کشور های روبه انکشاف مثل افغانستان می باشد که از هردو طرف تحت فشار اقتصادی قرار دارد وازطر فی قیمت موادیکه صادر میدارد ازقبیل پنبه، پشم ،میوه وغیره دربازار های بین المللی رو به تقلیل است . باوصف این ازکشور های مولد نفت باید تشکر نمود که در انکشاف اقتصادی افغانستان با ما کمك قابل ملاحظه نموده اند . مخصوصا ممالك دوست ما ایران، عربستان سعودی، عراق وکویت .

باتوضیح مختصریکه راجع به وضع مالی کشور داده شد اگر به تفصیل بیشتری علاقه داشته باشید میتوانید باوزیر مالیه ماتماس گیرید .

سوال ۔ درمصاحبه گذشته جلالتمآب شما اظهار امیدواری نمودند که اختلاف افغانستان باپاکستان در مو رد پښتو نستان ازراه مذاکرات مسالمت آمیز حل خواهد شد شما همچنین گفتید که حاضر ید دراین باره را جع به هرچیز ودر هر کجا با ر هبران پاکستان مذاکره کنید . امروز وضع چگونه است .

جواب ۔ ازآنچه گفته بودیم درموقف ما تغییری واردنشده است ا ما واقعاتیکه دراین اواخر پیش گردیده است قابل اندیشه می باشد . فعلا حرکتی که پاکستان در مقابل پشتون بلو چستان درپیش گرفته مایهٔ تاثر وتاسف است وهیچ فهمیده نمیتوانیم که دلیل آن چیست درحالیکه قبل ازاین واقعات حاضر اند رو ی ا ختلاف بین ما مذاکره نمایند اما واقعات و دسایس بشکلی ظهور کرد که فضا رانامساعد نمود.

طوریکه دیده میشود همه این دسایس برای این چیده شده بود که باید احزاب مخالف ازبین برود لیدران شان حبس گردد و ذهنیت هارانسبت به افغانستان مغشوش سازند.

اکنون درهر گوشه پاکستان که یك واقعه ویا نا آرامی رخ دهد افغانستان رادخیل میدانند . میخواهم به شما اطلاع دهم که دیشب بازهم بیشتر از یکصد نفر بلو چ بخاك افغانستان پناهنده شده اند واین دراثــر سیاست تشدد آمیز حکومت پاکستان علیه مــردم پشتون وبلوچ میباشد باو صف این همه دسایس بازهم بشما میگو یـم که درمو قف ماتغیر وارد نشده است اما وضع موجوده تااینکه اصلا ح نمیگردد امکان مذاکره ومفاهمه به نظر نمیرسد .

سوال۔ صدر اعظم بوتو کابل را متهم میسازد که با تربیه گریلا های پشتون ازما ورای سر حد واعــزام ایشان برای خرابکاری و سابو تا ژ درامور داخلی پاکستان مداخله مینماید. آیا ښاغلی رئیس دولت میخواهند باین اتهامات جواب بدهند.

جواب ۔ مامثل همیش اتها ما ت آقای بوتو راتردید میکنیم آ قای بو تو بااین اتهامات بی اساس میخواهد به روی حقیقت پرده اندازد وناآرامی هایی راکه درداخل پاکستان مو جود است بپوشاند . تشدد درمناطق پشتون و بلوچ بمنظور خفه نمودن نهضت ها ی آزادی خواهی پشتون و بلو چ طر ح گردیده است امااگر تصور زمامداران پاکستان این باشد که تحت فشار و استعمال قوه میتوانند نهضت ملــی پشتون وبلو چ را ازبین ببر ند خطای بزرگی است.

سوال ۔ بنظر میرسد که اشخاص مسئول درکابل فکر میکنند پاکستان درسه یا بیشتر از سه کــو دتای بی نتیجه برضد انقلاب وشخص شما دست دا شت آیاممکن است در این موضوع معلومات حاصل کنم .

بقیه درصفحه ٦۳



هشتم مارچ یاروز همبستگی بین المللی زنان

نوشته ر،ر

در تاریخ و جوامع بشری روز های معین شده که ازطرف همه باسرور تجلیل و استقـبال میگردد. هشتم مارچاز جمله یکی‌از همین‌روزها است

(٦٥) سال قبل دردومین کنفرانس زنـان ترقیخواد دراثرپیشنهاد (کلاراز تگـین) در کوپن هاگن هشتم مارچ بحیث روزبین المللی زنان برسمیت شناخته شدکه همه سالـه در سراسر جهان ازطرف ز نان تر قی پسنـد برگذار میگردد .

هشتم مارچ سال ۱۹۷۵ برای زنان سراسر جهان نسبت به‌سال های قبل‌کیفیتی‌فوق‌العادهٔ دیگری دارد مبنی براینکه همه ملل جهـا ن بنابر توصیه سازمان ملل متحد این سال را بنام زنان جهان تجلیل می نمایند .

درکشور ماهم بعدازسال های سال وبعد از گذشتو مرورزمانه های طولا نیست که‌زنان‌از گذشته بهتر می توانند بخاطر احیای حقـوق حقه‌ای خویش مبارزه‌نمایند، زیرانظام جمهوری کشور روزنه امیدی برای تامین حقوق زنـان کشوده که طالب محادلات وتلاش های جـدی و پیگیر از جانب زنان است .

همچنان ازهشتم مارچ امسال در حالی یاد آوری میشودکه سال بین المللی زنان درکشور ماهم تجلیل میگردد .

درسراسر جهان زنان کشور های مختلـف بعدازطی راه های طولانی وطی جدرومد ها ی چند توانستند درچهره اجتماعی جهان تاثیـر شگرفی از مبارزه طلبی وحق خواهی بنمایانند وپیروزی های راهم کمایی نموده اندکـه در تجلیل ودیددرست ازوضع کنونی باز هـم موقف زنان دراکناف گیتی متفاوت است .

مثلا، زنان دردوره های پیچ درپیچ تاریخ که راه ترقی و پیشرفت را ،خواهی نخوا هی می پیمایند نقش مهم وارزنده ای داشته و از مراحل مختلفه گذشته بعضی وقت یکجا وگاهی عقب ازکاروان تمدن بسوی تعالی و ترقـی روان بوده اند .

زنان دراولین دوره های زندگی احتماعـی یکجا بامردان درتشکیل جامعه اولیه‌کوشیده‌اند ودردوره های بعـدی چـون بـرده داری و ملوک‌الطوایفی و بورژوازی بابی عدالتی های روبرو گردیده اند مگر بازهم بحیث مادران جامعه، فرزندان فعال ،کار کن وافتخـارآوری تحویل جامعه بشری نموده اند که درسیربعدی ازادی زنان امروزه که هرممالك پیشرفتـه و مترقی به آن اعتراف وساحه عملی را پیـدا نموده سهم قابـل مـلاحظه داشته و دارند .

زنان که سالهای متمادی بحیـث کنـیز و مهماندار در چهار دیواری های منازل محصور بوده اند هرگز نقش ووظایفی راکه داشته اند فراموش نه نموده ودر اجرای آن ازهرگـونه خودگذری وفداکاری دریغ نه نموده اند .

زنان ضمن تربیه وپرورش کودکان در قدم اول‌بحیث‌مادران ودروظایف وکارهای اجتماعی نیزفعالانه شرکت داشته اند وضمن‌یك‌سلسله ایثارها فداکاری، خودگذر ی‌وشهامت‌در التیام گذا شتن به زخم‌های مجروحین دردوجنگ‌اول‌و دوم جهانی وجنگ های‌متعددی که‌از جانب‌جنگ افروزان درطول تاریخ در گرفته شایستگـی خویش رابه جهانیان به اثبات رسانیده اند .

درافغا نستان هم، زنان سهم بسزای‌دربخش های مختلفه حیات اجتماعی داشته ودارندکه اوراق زرین تاریخ زبان گویا ئیست‌برتایید این قول‌که‌دروجب‌وجب این سرزمین، دردشت هاودرکوهپایه های این خطه زر خیز زنـان نه تنهاعضو عاطل وبیکاره نبوده اند بلـکه بازوی توانای جامعه در همه امور زنـد گـی بوده‌ا ند .

ازجمله سهمگیری زنان مادر ساحه تولیدی هم ازتولیدات زراعتی و هم صنعتی تاآنجای‌که درافغانستان مهیااست قابل یادآوریست .

همچنان درتربیه اولادوطن ودر دفاع از مادر وطن ازاستقلا ل سیاسی وملی این سرزمین هرگز از مردای عقب نه مانده اند وصحنه‌های بیکارخونین استقلال خواهی وطنپرستان افغان شاهد ادعای مابوده ودر دهلیز های تاریخ ودر دره های‌حادثه دیده‌ها این‌سر زمین آوازه‌آزاده زنان افغان طنین غرور آمیز وافتخار بخش را برای وطن دارد .

ازین گذشته امروز بچشم باز می‌بینیم که زنان وطن درگوشه و اکناف دور و نزدیـك فعالانه درپرتونظام جمهوری برای عملی‌ساختن اهداف مترقی جمهوری آگاهانه می رزمند وبا تلاش های خستگی ناپذیردرراه استحکام هر چه بیشتر آن تلاش میورزند .

همینطور هم می بینیم‌که باچه دلگرمـی و احساسات وطن خواهانه و وطـن دوستی در تجلیل ازسال بین‌المللی‌زن وظایف بین‌المللی خویش راعملی می نمایند

امروز هم دیده میشودکه زنان بحیث معلم داکتر، نرس، قاضی، مـورخ ، نویسنده و روزنامه نگار، کارگر وکارمند در امور مختلفه ساختمان آینده پرسعادت کشور همراه مردان می‌کوشند وآروز دارند ساحه هرچه بیشتری برای فعالیت وکارهای ایشان فراهم شـود تا بتوانند هرچه بیشتر در نوسازی آینده جامعه نقش مهم داشته باشند .

دراخیر بمناسبت روز تاریخی هشتم مارچ وبخاطر بزرگداشت خاطره زنان مبارز جهـان وبخاطر تجلیل ازین روزوسال ۱۹۷۵ بنـا م سال بین المللی زنان از همه زنان کشـور خویش وتمنا دارم‌تاهمراه ویکجابا مردان‌درراه آبادی وترقی درهمه شئون حیات اجتما عـی بکوشند وبازهم یکجا باهم آینده رابا افتخار بسازند وپهلوی سایر ملل جهان بحیث ملت آزادی دوست وترقی پسند در تامین صلح ، آزادی و خوشبختی برای همه انسان هـای شرافتمنـد هـر چـه بیـشتر فـدا کـاری‌و گذشت نشان بدهند تاتاریخ آینده برای شان کف بزند .

خواسته اساسی زنان در هشتم مارچ۱۹۷۵ تامین هر چه بیشتر صلـح ودیتانت بـین ملت هاست .

دنبالهٔ این موضوع ازشمارهٔ گذشته

مسؤول خانواده کیست؟ مرد یازن؟

موضوع رابه صورت کلی ترتحلیل میکنیم. فرضا دوانسان باهم ملاقی شدند ویکدیگر خودرا دوست داشتند وتصمیم گرفتند که باهم ازدواج کنند .

قانون درمورد هردو یك قسم حکم می کند مثلادروقت بستن نکاح (موافقت جانبین شرط اساسی است) زن هاهم برای انتخاب همسر خودآزاداند همانطو ریکه این‌حق‌به‌مردها داده شده است . لطفا به کلمهٔ (موافقت) توجه بفرمائید . درست نیست که این‌کلمه در مورد خانوادهٔ کادونوف که شماخواهش کردید باآنها معرفی شوم صادق باشد .

آری ، خودقانون – درحقیقت حیات وسعادت است .

همینکه زنی شوهرمیکند نام فامیلی شوهر خودرا میگیرد امااین وقتی است که خودش آنرا بخواهد قانون حکم می‌کند برای (زن و شوهر) آنچه رامشترکا انتخاب کنند اسم فامیلی تعیین می نمایند من از تجارب خود حادثه ای رابعرض میرسانیم که شوهر اسم فامیلی زنش راقبول کرده است . واین هم ممکن است‌که‌اسم فامیلی قبلی خودراهیچکدام تغییر ندهند .

راجع به تساوی حیات زناشوهری یکی هم مادهٔ دیگری ازقانون است که حکم می کند : (هرکدام ازاعضای خانواده درانتخاب شغل وپیشه ومحل بودوباش آزاد وصاحب اختیار است) مثلا دختری که مسلکش جیولوژی‌است ازدواج کرد. ومانند سابق یك قسمت حیاتش برای کشفیات درنقاط دوردست کشور سپری میگردد چه باید کرد؟ هیچکسی مزاحم اوشده نمی تواند ... قانون برایش حق عام وتام‌داده است .

همینکه زن وشوهری به زندگی زناشوهری آغاز نمودند یکی ازآنها مبل وفرنیچر میخرد ، دیگری منظره هاوالماری کتاب ولباس، یکی قالین ودیگری رادیو و تلویزیون وموتر ... اینهاهمه مال کی باید باشد ؟ مال مشترك قانون حکم می‌کند : (زن وشوهر حق مالکیت استعمال واستفاده اموال‌خانواده هردومساویانه دارند) .

اگر درخانواده طفلی تولد میشود ومادر به پرستاری اودرخانه می نشیند؟ پول برای‌خرید اشیاء شوهر میدهد درینصورت چطور ؟ فرقی نمی کند مال خانه مشترك است . و این موضوع حکم قانون است . زن وشوهر در همچو موارد هم ازحقوق مساوی برخوردارند.

درین شمارهٔ حقوقی یکي از پرنسیپ های مهم خانوادگی توضیح شده که همه مادران و اطفال راعلاقمند میسازد .

درمواد قانون به صراحت حکم گردیده که: (مادربودن امتیاز همه جانبه واحترام کلی را حاوی است وازطرف دولت نگهداری ومعاونت میشود) این کلمات بسی مطالبی را احتوا می‌کند، چه زایشگاه های متعدد ومجهز، چه موسسات تربیهٔ اطفال ودرعین زمان ریزرف مقام وظیفوی مادر درامور رسمی تا اینکه رخصتی یکسالهٔ خانم حامله پس از زائیدن تکمیل شودهمه شامل تسهیلات حیات زنان وباالاخص مادران است .

قانون درمورد کار و فعالیت زنان فصل جداگانه‌ای دارد. طی موادآن تخفیف وامتیازات خاصی پیش بینی شده است مثلادرمادهٔ ۱۶۰ و۱۶۱ (کار های ثقیل وکارهایی که از طرف شب باید انجام‌کرده نباید به‌زنان داده شود.) تصریح گردیده است واین خودتوجهی است درموردصحت زنان وحیات نورمال خانواده ها.

وزنان حامله دار وزنانیکه طفل شیر خوار دارند ویاخود اطفال شان خوردتر از۸ ساله‌اند به‌کار های شبانه روز های رخصتی گماشته نمیشوند . وهمچنان همچوزنان رابه وظایف دیگری دورازشهر (طورخدمتی) ارسال نمیکنند مگر درصورت موافقت خود شان .

همینکه دوجوان صاحب فرزند شدند کلمهٔ خانواده باتمام معنی آن درمورد شان صادق میگردد .

درقانون نکاح وخانواده در فصل حقوق ومسئولیت های والدین وتربیهٔ اطفال، مطالب زیادی راجع به تساوی حقوق آنها سخن‌گفته شده است : والدین مجبورو مکلف اند که اطفال شانرا طوری تربیه کنندکه انسانهای خوب وشریف ، صادق ووطنپرست بار آیند. مکلفندتااولادشان سالم وتندرست باشند وعلم ودانش راکمایی نمایند. یکباردیگر متیقن می شویم‌که : (تمام مسایلی‌که به تربیهٔ اطفال تعلق می‌گیرد نظربه موافقه دوجانبه والدین حل وفصل میشود) .

تنها اختلاف نظردرین است که هنگام طلاق یك زن ویك شوهر طفلی که ازآنها باقیمانده به‌کدام یك ازوالدین تعلق‌گیرد. البته حادثه‌ای اتفاق افتیده بودکه من خودشاهد آنم . طفل چهار ساله ایکه بعدازطلاق به پدر تعلق‌گرفته

بقیه درصفحه ۹

مکاتبه اسکندر
ومادرش
ملکه اولپیاس

ملکه اولمپیاس خاك های نقاط مختلف حوزه هری‌رود رازیر فرشهای تالار دربار پهن کرد .

اسکندر در سال ۳۲۸ ق.م بعد از شکستن قوای هخا منشی‌های ایران وقتل داریوش سوم به حوزه هری رود نزدیك شدودر مسیر خویش بطرف شرق ،در مقابل اولین دژیا اولین حصار باستانی حوزه هری‌رود قرار گرفت این کهن دژ تاریخی که بنام (اوتاکانا) در ماخذ قدیم یونانی شهرت دارد قلعهٔ بود مستحکم که کانون مقاومت باشند گان حوزه هری‌رود بشمار میرفت قراریکه یونانیان نوشته اند بار اول اسکندروجنرالهای معیتی وی در پای حصار مذکور به مقاومت جدی مواجه گردیدند .

قصه های جنگ وفتح وشکست بین اهالی هری رود اسکندر ونظامیان اوموضوعی است علیحده و به شرحیکه در تواریخ ذکر است چون اسکندر به مقاومتهای شدید اهالی مواجه شدازبر خوا ستن مکرر دلاوران آن ولا اندیشناك شدو بفکر تاسیس شهر اسکندریه افتاد که بنام «اسکندریه هریوس» یا اسکندریه وادی هری‌رود شهرت پیدا کرد .

عجیب اینکه انعکاس مشکلات پیشروی اسکندر در درکوهپایه های افغا نستان از حوزه هری‌رودتا حوزه آمو دریا وسند ،چه شفاهی وچه تحریری از روز گاران باستان تاقرن‌های ۱۰و ۱۱ هجری (۱٦ و۱۷ مسیحی درمیان باشند گان این کشور متداول بودواز خلال آنها معلوم می شودکه اسکندر راجع به این مشکلات بامادرش ملکه اولمپیاس به یونان هم مکاتبه داشت .

ازخلال یکی ازین داستانها که بشکل تحریری ،ماخذی ذریعهٔ سیفی هروی منتشر شده است گفته شده که مکاتبه اسکندر بامادرش درباب تاسیس شهری بوده در حوزهٔ هری رود که اگر آنرا در قالب تعبیر های وا قعی وتاریخی بیندازیم باید گفته شودکه اسکندر قبل از بنای اسکندریه‌ای درحوزهٔ هری رودبامادرش مکاتبه ومشاوره کرده است .

طبق این داستان حینکه اسکندر به حوزه هرود رسید وخواست حصاری بناکند از مردم محل مشوره خواست وایشان به آبادی کهن دژ یااسکندریه نظریه ندادند ، اسکندر در تردد شدویکی دو سال بدین شکل گذشت، درین وقت مادرش جویای حال وی شدبلاخره اسکندر به ملکه اولمپیاس نوشت که مردم این دیار اطاعت نمیکنند وبه اعمار حصاریکه در نظر دارم موافقه نمی کنند ، مادر اسکندر از فرزندش اسکندر خواهش کرد تاازنقاط وگذرهای مختلف آن شهر قدری خاك برایش بفرستد تااز رایحه ولون وطعم آن تدبیری بگیرد ،اسکندر چنین کردویك مشت خاك درکیسه‌های مختلف انباشته وخدمت مادرش فرستاد .خاکها کیسه‌ها مختلف بود بعضی نرم، برخی درشت قسمتی سفید وبرخی سیاه .

ملکه اولمپیاس خاك های نقاط مختلف حوزهٔ هری رودرا زیر فرشهای تالار دربار پهن کردو بعد بزرگان واعیان یونان راخواست وطبق انتظاراسکندر مصلحت ایشانرا پیرامون بناهای شهری یاحصاری در حوزه هریرود خواستار شد بزرگان یونان بعداز تامل وتفکر رائی مخالف دادندوعرضداشتند که حوزه هری‌رود درآستانه هجوم بادیه نشینان واقع است وبنای دژدر آن حدود ازمصلحت بعید است.

چون اعیان رفتند خاکهای مذکورازنیر فرشها جمع گردید وروز دیگربازدر مجلس بزرگان یونان راباردادند وباز ملکه راجع به پرسش وانتظاراسکندر سوال خودراتکرار کرد،این دفعه خلاف روز گذشته همه حضاربه اتفاق وبیك صدا رایی موافق دادندوبنای دژ رادر حوزه هری رود موافق به مفاد ومصلحت خواندند .

ملکه اولمپیاس فوری فهمید که درخاك هری‌رود تاثیری هستوبه فرزندش اسکندر نوشت کهدر خاك آن دیار که هستی تاثیریست عجیب که باشندگان آنرا سلحشور وشکست نا پذیر می‌سازد. بقیه درصفحه ٥۳

ترتیب وتهیه از: ر، اشعه

بقیه صفحه ۷

بودومادرش درشهردورتری رفته بود وفقط ایام رخصتی پسرش رامیدید آهسته آهسته رنجور ولاغر شد وحتی بسیار صفات نیکی که‌داشت مبدل به صفات بدتری میشد چون مـادرش متوجه این وضع گردید به قضاء مراجعت کرد ومحکمه هم به مفاد اورای دادوپسررابه‌مادرش تسلیم کرد «البته تا رسیدن سن بلـوغ یعنی هزده سالگی پدر مجبور است احتیاجات مالی فرزندش راتامین کند . م)

ماسعی داریم تا زنان حـقوق خویش را بشناسند همینکه زن حامله شد نزد مشاور نسائی رفته ومشوره های لازم راگرفته نـزد حقوقدانی میرودوممکن‌است توضیحات بیشتری درمورد حقوق خود بحیث یك مادرازاو بشنود.

دوشیزه وشوهر آیندهٔ اوقبل ازینکه نکاح شان عقد شود مشوره های نیکی حتی ازطرف کسی که نکاح آنهارا بسته می‌کنداخذمینمایند. کلمات وعبارات (نکاحخانه) هنوز بیشتر ازهر وقتی احترام متقابلهٔ شانرا تقویت می نماید.

ازنگاه یك جامعه شنا سی:

نیکلای یورکیویچ . دکتورعلوم حقـوق و پروفیسور انستیتوت جامعه شناسی جمهوریت روسیه سفید :

(زن خوب چگونه زنی باید باشد وچه فکر میکنیدکه شوهر خوب کیست ؟) ما شخصیت های مختلفی رادرنظر گرفتیم وازجمله کارگران فابریکه نساجی رابحیث یك فامیل سعادتمند معرفی نمودیم .

درحدود پنجصد نفرازکارگران این فابریکه رادر نظر نگرفتیم. درلابلای خصوصیات فامیلی شان مقام اول راوفاداری وضمانت سازمـان دهی یك خانوادهٔ خوشبخت احراز می کنـد . ازینکه درین خانواده هم شوهر و هم زن وجه مشترکی داشتند عبارت ازعشق وعلاقه به کار بودکه مانمی توانیم ازآن چشـم بپوشیم . به عقیدهٔ من جالب ترین چیزی که در ایـن خانواده دیدم آن بودکه هردو پارتریـت را همگونه ویك شکل یافتم . علاوه ازوفا داری وعشق به وظیفه وکار، درهردوی شان حیـا ، صداقت ، حساسیت ودلسوزی وزحمتکشی به مشاهده میرسد .

وقتی درمورد خانواده ها درشهر منیسـك (مرکز روسیه سفید) تحقیقات جامعه شناسی راد رفتید ما این سوال را مطرح نکردیم که کدام یك ازخانواده هابهترین خانواده هاست. مایرسیدیم :

(مصارف به عهدهٔ کیست ؟) (درامور تربیه اطفال‌و خریدن سودا، وتصمیم کدامیك قاطع‌تر است خاصتا اگر درزمینه اختلاف نظری هـم درکار باشد ؟) (بصورت عموم‌کدام یك ازشما رامیتوان منتظم امور خانوادگی نام نهاد ؟)

چه شوهران وچه زنان کمتر در مورد نقش عمده پیشبرد امور خانوادگی لب به سخـن می گشایند . به زن این رول بیشتر متوجه میشود حتی شوهران نیز بعضی اوقات بـه



همین عقیده اند (خاصتا در مورد مصارف پولی خانواده). ولی (قدرت) بصورت عمومی دردست هردواست دراکثر خانواده هاداره به شکـل (دوسره) وجود دارد .

به عقیده من خانوادهٔ کادونوف که شرایـط خاص زندگی شان ازنظر خوانندگان گذشت یك خانواده بکلی تیپیك است . درین‌خانواده اوتوریته زن به اندازهٔ کافی بلند وعالی است. واز برکت همین اوتوریته اوست‌که سرنوشت یك خانواده به این شکل تضمین‌گردیده ویك کارگر معمولی توانسته امروز پست حساس وپرمسئولیتی راایفانماید. وخوداگیناسیتانونا هم ازشوهرش عقب نمانده ودوش بدوش او

پیشرفته است .

شما فکر نه کنید که این کار ساده ایست، حتی در شرایط موجوده ، درشرایطی که‌دولت بسی تسهیلات رابرای خانواده ها فراهم‌نموده بازهم مشکلاتی در کاراست . هرقدر که درین زمینه فعالیت بخرچ داده شود بازهم بجز نام (کمك) چیزدیگری نمیتوان به آن داد. درتربیهٔ اطفال فامیل هارابه هیچ وجهی نمیتوان عوض کردودر انکشاف کرکتر وشخصیت اطفـا ل ممکن نیست هیچ قوهٔ دیگری رابکار انداخت والبته حاضر هم نیستم این تجـربـه را راه بیندازیم .

ازین لحاظ است که ماهم طرفدار آنیم که بگوئیم مسئولیت هادر خانواده به دوش شوهر وزن مساویانه تقسیم میشود وبه این عقیده‌ایم که صرف باهمچو شرایطی ممکن است جریان حیات باسعادت خانوادگی راراه اندازیم .

درین جا راجع به تقسیم (قدرت)وحقوقی که‌به‌آن مربو ط میشود باید به طر فـدیگر پرابلم متو جه شویم زیرا تساوی حقوق‌به همان پیمانه ایکه روی کاغذ درج میشودباقی می‌ماند که واقعا مسو لیت ها هم در مقام مساوات قرار گیرند .

درینجا لزو می ندارد که مثلا این چنیـن نتیجه گیری شود اگر دیشب خانم حلـوا پخت امروز باید شو هر آستین بربزندو بولانی‌بپز د وروز دیگر بنابر نو بت خـود خمیر کند ونان پخته نماید. اینچنین‌قضاوت البته ابتدایی و معمو لی جلو ه میکند.آری، بعضی اوقات میشود که مامر دان به ایـن چنین ریسك دست میز نیم البته این کاررا شب هشتم مار چ‌که تجلیل روز بین المللی



زن‌است مجبورا میکنیم وبه اصطلاح بینـی سیاه می نماییم.

ولی بصور ت عمو می اگر این سخن‌را تصدیق کنیم که اجرای (کارهای ز نانـه) مردها راتو هین میکند درین امر من موافقت ندارم . سر فر ازی مر دان درآن نیست‌که بی‌کار وبی عار باشند بلکه در آن اسـت که مسؤلیت های یـك شوهر و یك پدر را عهده دارشود چرا اینطور است ؟

برای اینکه جوا ب مقنعی به این سوال داده شود لازم است در مورد مسوؤلیتها ی که‌در قسمت تر بیه‌اطفال‌به وا لدین رونما میشود یك بار دیگر نظر اندازی کردو - مکلفیت های آنها را درین قسمت یك‌به‌یك شمرد.

هر قدر ی که شرایط واو ضاع متفاوت‌در فامیلها رو نما گردد وبه هر اندازه ایکـه مناسبا ت زناشو هری را ازنظر بگذ رانیم چیز اساسی راچنین می یابیم : نظم‌وترتیب را بجز در احترام متقابله زن و شوهـر در هیچ‌چیز دیگر نمی توان سر اغ کرد آزادی نسبی و خود ارادیت اعضای خانواده مـی تواند خو شبختی بار آرد واگر اینها نباشد اصلا مساواتی و جودندارد .

از آستین قهرمان داستانها



فصل چهاردهم

اثر : م . ت آی بیك

ترجمه : ح، ش

علیشیر نوایی

خبر باز گشت علیشیر نوایی بهرات و انتصاب او به حیث مهر دار دولت ، چون حادثه مهمی امکاس میکند . اهالی خراسان این تقرر را بفال نیك میگیرند و چشم امید سوی او میدوزند .

چندی بعد میرزا یادگار یکی از شهزادگان تیموری علم بغاوت بلند میکند وبا وجود شکست فاحشی که از حسین بایقرا میخورد، موفق میشود در اثر خیانت برخی از سر کردگان (بیکها) شهر هرات را اشغال نماید .

حسین بایقرا پس از مدتی آوارگی در بادغیس ومیمنه سر انجام شامگاهی بر هرات هجوم میبرد و بیاری نوایی قدرت ازکف رفته رادوباره بدست می آورد ومیرزا یادگار را بقتل میرساند .

درزمستان همان سال براساس یك فرمان علیشیر نوایی به وظیفه خطیر امارت انتصاب میگردد این اقدام در عین حالیکه حس خصومت وکین توزی مخالفان را برمی انگیزد، مورد تایید اهالی عدالت پسند هرات وکافهٔ مردم خراسان قرار میگیرد .

روزی بعداز آنکه پیشنهاد های نوایی درمورد بهبود امور ورفع نواقص موجود در دستگاه دولت طرف تایید جدی سلطان قرار نمیگیرد ، وی ناراضی از کاخ سرای خارج میگردد ونزد شاعر بزرگ عبدالرحمن جامی میرود .

خدیجه بیگم درحالیکه ابروان باریك آغشته به وسمهٔ خویش راتکان میداد، تاکید کنان اظهار داشت :

- مارازی نداریم که ازشما پنهان داریم . برای تامین سعادت آینده پسر خویش باید از همین حالاتمام تدابیر لازم وموثر را بسنجم . میدانم، هریك ازشهزدگان آرزویی دردل میپرورد، مربیان آبرومندی به پرورش آنان مشغولند . بدیع الزمان ولیعهد است ... خاطر فرمانروای بزرگ ازین جمع است دراین‌مورد نمی اندیشد ، درصورتیکه چنین است، من ناگزیرم بحیث یك زن ، خوددر اندیشه فردای پسرم باشم ... شاید به‌کنه مطلب من پی برده باشید ؟

خدیجه بیگم چشمان حیله گرخودرا بسوی اودوخت .

- منظور شما چون آفتاب برای من روشن گردید ... سخنان شمادردانه های منطق‌وحکمت است، فرموده های علیامخدره ازکمال خردمندی ودکای سرشار شان گواهی میدهد .

- خوب ، چه مشوره میدهید ؟

- مشوره مرا میخواهید ؟- پروانه چی‌تبسم کرد وآنگاه باوضعی دانشمند مآبانه ادامه داد: نخست ازهمه باید اطمینان بدهم که باندیشه مهد علیا بیگم کاملا هماهنگم. باید ازهمین اکنون برای تامین سعادت آیندهٔ مظفر میرزا تدابیر لازم سنجید ، زیراسرنوشت بوالعجبی های رنگارنگ درکمین دارد ! امافراط درین کار واین رازرابا هرکس درمیان نهادن - خدا نشان ندهد- عواقب ناگواری ازپی می آورد. باید مخفیانه کارکرد وهرگام رابا احتیاط و سنجش جلوباید گذاشت . نباید در مورد صداقت بیك ها وجوانانیکه پیرامون مظفر میرزا را احاطه کرده اند، ذره‌ای‌شك وتردید وجودداشته باشد . اواکنون جوانان دلیر وکار آزموده ای چون توغان بیك دراختیار دارد شهزاده گرامی عدهٔ دیگری ازاشخاص آبدیده رانیز بخدمت خویش بگمارند .

- متوقعم خودشما نیزگاه‌گاه راه وچاه را بوی نشان بدهید ...

مجدالدین انتظار داشت تاچنین تکلیفی بوی محول گردد: ازیك دست صدا برنمیخیزد باید همین حالاازوی قول گرفت وبااو قرار بست .

پروانه چی دستهارا روی سینه گذاشته اظهار داشت :

- این بنده همانطورکه ارادت بندگی نسبت به حضرت خاقان دارد، به شهزادهٔ عزیزخویش نیز چاکرانه ارادت می ورزد. بهر حال‌میکوشم تاحیثیت واعتبار شهزاده ما درنزد حضرت- خاقان روز تاروز فزون گردد. اماا‌گر بخواهم حقیقت را اظهاردارم بایدبگویم که موفقیت‌من درین امر وابسته به درجه موقعیت وپایگاه من، دردستگاه دولت میباشد، یا اینکه اشتباه میکنم ؟

ملکه باتبسمی معنی دار پاسخ داد :

- راست میگوئید . درین باره فکر خواهیم کرد، بهتر خواهدبود تامنبعد توسطمطمئن‌ترین اشخاص ازهرامری همدیگر رامطلع سازیم حرف دیگری ندارم ...

مجدالدین سرفروافگنده تعظیم بجا آورد .

دریك گوشه (بنفشه باغ) درسایه آرام بخش درختان انبوه ، شیخ بهلول(۱)مصروف تهیه خوراك آنروز بود. اوبه کسانی که تحت هدایتش قرار داشتند، انواع کارهارا میفرمود، امااز حرکاتش نوعی عصبانیت ودر چشمانش سایه اندوه وتاثر خوانده میشد .

پس ازانجام کار مثل اینکه (صاحب دارا) راروی فرشی درکنار جوی ندیده باشد، بر درخت سروتکیه داده خاموش ماند. وضع آنروزی این ملازم قدردان که هرچند شوخ- طبعی‌بیش ازاندازه رادرست نداشت،اماهمیشه خاموش وآرام سرحال میبود ، صاحب دارارا به شگفت اندر ساخت . اوشیخ بهلول را مخاطب ساخته گفت:

- برادر ، اینجا بیائید تاکمی باهم صحبت کنیم .

شیخ بهلول مثل اینکه دلش نخواسته باشد، به تنبلی ازجابرخاست .

- حالت رادگرگون‌می بینم، بنشین- صاحب دارا جای نشان داد وسخن خودرا دنبال‌کرد، هراندوهی که دردل داری برای من بازبگو

شیخ بهلول برگوشه ای ازفرش نشست و ناگهان قیافه ای متبسم نمابخودگرفت، وگفت:

- مولانا، باور کنیدکه ذره‌ای دردهم دردل ندارم، واگر میداشتم هم اظهار آنرا نمك ناشناسی میدانستم .

صاحب دارا باعلاقمندی پرسید :

- نمك ناشناسی ؟ تصور میکنم کدام ماجرایی مابین شما وحضرت امیرگذشته‌باشد حالاناگزیر باید بگوئید !

شیخ بهلول باخنده ای تکلفی بصحبت ادامه داد :

- کاملا درست کشف کردید . شامگاهان میرازدیوان برگشته به اتاق خاص داخل شدند . دقیقه‌ای بعدمرافراخواندند . دسته‌ای ازنامه ها، عرایض ومطالبات راکه به عنوان میرمواصلت کرده بود، گردآورده به حضور شان رفتم . میر روی کرسی اشاره نموده گفتندکه (بردارید!) من دچارترددوسراسیمگی شدم. روی کرسی یك دانه شمع، قلم، دوات ویك کاسه آب قرار داشت ، کدام یك را بردارم ! ناگزیر پرسیدم : (برای برداشتن چه چیزی دستورم دادند؟) حضرت میرخشم- آگیز سویم نظرکرده گفتند: (آفرین بایین درك وفهم شما! بااینکه اینقدر مدت زیاد در خدمت ماقرار داشته اید، اماهنوز هم به‌نظم وترتیب آشنا نشده اید . شما میدانیدکه شمع تادمیدن صبح پیشروی من میسوزد ، لزومی‌برای توضیح دوات‌وقلم احساس‌میشود. یعنی درینجابکدام یك ازآنها ضرورت وجود ندارد؟ من بلادرنگ کاسه مملو از آبرا برداشته بیرون رفتم .

صاحب دارا درحالیکه ازشدت ذوق روی زانوی خودمیزد، قاه‌قاه خندید .

شیخ بهلول که خاطرش رنجیده بوداظهار داشت :

- خنده برای‌چیست؟ بااین وضع‌میخواهد به زخم این فقیرنمك بپاشید !

صاحب دارا در حالیکه بادستمال کوچك چشمان خودرا پاك میکرد گفت :

- استغفرالله ! خوب، دیگرقطعا نمیخندم، بعدازآن چه واقع شد ؟

- بدترازهمه اینکه، فردا صبح میرخود معذرت خواستند، من‌ازشدت خجالت نتوانستم سرخودرا بالا کنم ...

(۱) شیخ بهلول یکی ازملاز مان نزدیك نوایی بود .

– بهلول ازین ناحیه خاطر شما خیلی‌زیاد مشوش شده است . این واقعه که میان میر وملازم دانایش اتفاق‌افتاده، بزودی‌درسراسر هرات وخراسان شایع خواهد گردید، هرجا که نامی ازمیرعلیشیر برود، سخنوران این نکته رانیز بااسلوبی رنگین بیان خواهد کرد واهل مجلس باشنیدن آن خواهند شگفت . برای اثبات این ادعا، مثالی برای شما ذکر میکنم : زمانی حضرت میردر(باغ ففان)دعوت بزرگ ومجللی ترتیب داده بودند . دردعوت بسیاری ازشاعران ، فاضلان واکابر پایتخت اشتراك داشتند . غذاهای گوناگونی کشیده شد. باجمع شدن خوان حضرت میر بدروازه رفته ازنظر ناپدید شدند . اهل مجلس به تصور اینکه شاید میربرای صحبت فرصت نداشته باشد، ازجابرخاسته پراگنده شدند. درهمین اثنامیر برگشته ازمن پرسیدند : (مهمانان کجا شدند ؟) من توضیح دادم . میرناگهان بخشم آمده ازمن آزرده شدند و برو درهم کشیده گفتند: (مگر خانه علیشیر دکان آشپزی است که حریفان بیایند و پس ازصرف غذابرگردند !) . این واقعه را من بیکی دوتن ازدوستان‌گفته بودم، باور کنیدکه بسرعت برق بگوش تمام هرات‌رسیده‌است... نظربه اظهار آنانیکه ازحضور یعقوب بیك(۲) برگشته اند، این واقعه درآنجا نیزاز زبانی بزبانی گذشته ودر محافل‌راه یافته وبمثابه لطیفه مسرت بخش پذیرفته شده است .

شیخ بهلول گفت :

– سخنان شما حقیقت دارد. هر گو نه معلوماتی درباره شاعر باشور و علاقمندی در کشور شنیده میشود، امااز‌من ... بحیث یك آدم نافهم نام خواهند برد .

صاحب دارا اعتراض کنان گفت :

– نخیر ، شما بخطا رفته اید. روایت‌این واقعه رادر هرجا باجملات (میرملازمی یکتادر عقل وفراست داشته) آغازخواهندکرد، زیرا مردم نسبت بحضرت میر همیشه چیز هایی بزرگ ونادر روا میدارند ...

شیخ بهلول صدای‌خودرا پست نمود ومثل اینکه بخواهد مطلبی مخفی رااظهار داردگفت:

– امادرمیان دیگران چنان عناصری هم وجوددارندکه پیوسته درتلاش یافتن نواقصی شاعراند . هرگاه به نقیصهٔ کوچکی دست یابند، های وهوراه می اندازند واز رسانده آن‌بطبقه نـهـم آسمان لذت میبرند... ولی حساب مردم جدااز‌حساب اینهاست ...

صاحب دارا توضیح داد :

– مردم دروجود نوایی، آرزوی یگانه خویشتن رامی بینند .

شیخ بهلول بسخن ادامه داد :

– آری جناب،اگربخاطرداشته باشید، سال گذشته میرنسبت دندان دردی دستمالی‌برذقن بسته بود. زنان هرات درمدتی اندك باجیقه های خود پارچه های ابر یشمـین بستـــه (دستمال علیشیری) نام گذاشتند . بدیـن ترتیب دندان‌دردی شاعـر وسیلهٔ پیـرایش زنان گردید .

صاحب دارا تبسم کنان پرسید :

– پس چرااز میر رنجیده اید ؟

– نخیر، من خوداز خویش رنجیـده ام ، شیخ بهلول مثل اینکه خجالت کشیده باشد، چشمان خودرابرزمین دوخت – مابهیچصورت حق نداریم میرعلیشیر رامورد ملامت قـرار دهیم، زیرا جناب ایشان بار های‌سنگینی‌بـه دوش دارند که اگر برکوه نهاده میشد ، از برداشت آن عاجز بود. هرگاه درین شرایط بعضا آتش خشم درچشمان شان بدرخشد و بعضا رویه ای خشن درپیش‌گیرند، نبا ید مایهٔ شگفتی گردد. طبعا این کمینه تمام این جهات رامیتواند درك نماید .

صاحب دارا باجدیت گفت :

– مخدوم از اول درك این مطلب ضروربود. شما چون کودکان ابرو درهم کشیدید. آخر قلب آدمی نمیتواندازهرگونه ضعف وناتوانی عاری باشد .

شیخ بهلول ازباغ بیرون رفت تا همراه باغبانی که بدانسو می آمد حرف بزند. صاحب دارا روی فرش به پهلو تکیه داد. به‌آبیکه درکنارش جریان داشت‌وبسان نواری سیمین پربیچ وتاب بامتداد گلزار حرکـت نموده، درمیان سروزارهای دور دست کـه درهوای‌گرم روزغنوده بودند، ناپدیدمیگردید، چشم دوخت . بی اختیار چامه هایی که‌سخت مورد پسندش بودند ، بخاطرش رسیدند :

ترجمه : اکنون که نامه اش رادر بغل‌دارم قلبم به اضطراب می تپد گویی میخواهد شتاب ازسینه ام بیرون آید وبرآن بوسه زند .

– همینکه تازه مصرع سوم راآغازکرده‌بود که ناگهان مجبورشد بعقب بنگرد : (السلام‌علیکم!) – به جوان ساده بیگانه ای که دست خودراروی سینه گذاشته بود، لحظه ای‌چشم دوخت وآنگاه پاهای خویش راجمع کرد.

– چه میخواستید ؟

جوان بانوعی انفعال سرخ شده به زمین نگربست، وبعدازآن دفعتا با وضعی استوار ومتین سر حرف آمد :

– جناب، مرابدین درگاه مولانا سلطانمراد فرستادند، شاید ایشانرا بشناسید .

– هان، آن جناب رامیشناسم . برای چه منظوری فرستادند؟ نزدمن ویانزدحضرت میر؟

جوان مثل اینکـه بایك تضاددرونی مبارزه نماید، پیشانی خودرا مالیده پاسخداد :

– مرا فرستاده اند تاشاید کاری درین‌درگاه برایم پیداشود. شاید بحضور حضرت نوایی مطلب خویش رامعروض بدارم

ناتمام



(۲) حکمروای عراق .

قصه‌نویسان معاصر

دنباله صحبت با

اعظم رهنورد زریاب



پدیده های‌هنری تاکنون‌درچوکات‌ضوابط علوم دیگر مورد بر رسی‌قرار گرفته و هنر شناسی تاکنون‌به‌حیث‌یك تلاش مستقل و پذیرفته شـــده هویت لازم خودش رابه دست نیاورده‌است .

• • •

به نظر من این مضحك است که وقتی‌قصه نویس قصه‌یی مینگارد فورا دفاعه یی هم برای آن تهیه کند. ازینرو اگر تمام آثار من ازنو به نقدکشیده شود ویکسره ردگردد،هرگز دفاعی ازقصه هایم نخواهم نمود

***

بیان (زبان) مانند همه پدیده هادوخصلت متضاد دارد : همانگونه‌که بخشی از تمایلات واندیشه هـــا راروشن می سازد، مقداری از تمایلات واندیشه را پنهان میدارد .

– آقای رهنورد شماکه مخالف ورود طـرح های سیاسی ونظرات خاص اجتماعی در قصـه وهرپدیده هنری هستید، ممکن است توضیـح دهیدکه برای الزام ومسئولیت هنرمند چـه تعبیری دارید، واز نظرشما هنرمندی‌که بـه هیچ نوع جهانبینی خاصی درروند آفـرینش هنری‌اش معتاد نباشد، چگونه وباچه دیـدی میتواند شرایط خاص فرهنگی واجتماعی عصر خودراخوب بنمایاند وعینیت زند گی گروهـی معاصر خودش راباانگیزه جویی منطقی تصویر کند ؟

– ازنظرمن پدیده های هنری پیش از آنکه محصول مستقیم تحولات سیاسی و اجتماعـی باشد، فرآوردهٔ یك سلسله تعاملات نفسانی وروانی هنرمند است . البته این سخن معنای آنرانداردکه من‌بخواهم تاثیرتحولات اجتماعی‌را برنفس هنر مند ردنمایم‌ویا تاثر پذیری‌آفریده های هنری رااز این تحولات نادیده بگیرم ، منظورم‌این است‌که تغییرات وتحولات اجتماعی مادهٔ خامیست در چگونگی پیدا یی اثرهنری هنرمند، ولی این مادهٔ خام از چیـنل روان هنر مند میگذرد. خصوصیت این چینل این است‌که همه چیزراتغییر میدهد، تجزیه میکند، ترکیب میکندوباز سازی میکند .

به همین دلیل میگویم واعتقاددارم که الزام ومسئولیتی که منظور شماست در آثار هنری مابصورت مکانیکی تبارز میکند وشاید همین است که شمابه آن اسم ریالیزم‌گونه داده‌اید.

برای من مشکل است که یك سلسله عقاید راقبول کنم، تعهد نمایم وخودم را ملزم‌بسازم که همان عقاید را درقصه هایم تبلیغ نمایم. پیش ازین گفتم‌که درلحظه نگارش بیشترزیر تاثیرحالت روانی‌همان لحظه قراردارم که این حالت ممکن است موجب‌گردد نوشته‌ام باعقاید سیاسی همان لحظه هم آهنگی نشان ندهد ویا ندهد. من این طورم وبه‌کار دیگران کـاری ندارم .

– نگرش به پدیده های هنری باتفکر شما وارتباط دادن محصول هنری به بعدهای خاص روانی وعاطفی هنرمند درزمان ابداع، کار نقد هنر رابیشتر دشوار میسازد ، شماکه خودنقد مینویسید ، چگونه از عهدهٔ این کار بر می‌آیید؟

– گرچه تحقیق درکارهای ادبی و هنـری وارزیابی آفریده های هنری زیاد جوان نیست ومیتوان گفت‌که به شکل بارزازز‌مان ارسطـو آغاز شده است، اماپژوهش علمی وهنرشناسی علمی بسیار جوان است .

پدیده های هنری تاکنون در چار چـوب ضوابط علوم دیگر مورد بررسی قرار گرفتـه است وهنوز هم هنر شناسی به حیث یـك تلاش مستقل علمی وپذیرفته شده در جهان ماهویت لازم خودش رابه دست نیاورده‌است .

ازاین رومن طرفدار نیستم که پدیده هـای هنری باچند شعار ، مقو له وقاعده اجتماعی‌و وسیاسی ارزیابی گردد. چنانکه خودم‌نیزچنین نکرده‌ام وپس‌ازین‌درین‌کار محتاط ترخواهم‌بود.

من فکر میکنم پدیده های هنری پدیده هایی اند، بسیار مغلق وپیچیده ، پیچپده،باندازه روان آدمی . ولی همانطوریکه روان انسـان بصورت نسبی وبه دشواری قابل شناخت‌است، محصول هنری نیزبصورت‌نسبی میتواندشناخته گردد، هرچندکه تلاش های علمی در این زمینه تاکنون زیاد چشمگیر نبوده است .

اگرپرسیده شود که من چگونه محصول‌خوب رااز خراب بازمی شناسم ، بی آنکه اصراری داشته باشم که نظرم کاملادرست وعاری از خطاست، میگویم :

هرمحصول هنری خواه قصه باشد ویاپدیده دیگری ازهنر اگر بتواند، شنونده خواننده و تماشاگر را در شناخت زوایـای تاریك روان آدمی وشناخت محیطی که این تماشاگرخواننده ویاشنونده درآن زندگی میکند، یاری نماید وسوالهایی درذهن اوایجاد کند که باطرح‌آن سلولهای خفته وعاطل مغز آدمی بکار افتـد و حساس گردد، همان اثرهنری ، اثری خـوب است، والبته چنین اثری بوجود نمی آید مگر درعملیهٔ راستین آفرینش هنری که این عملیه به‌هیچ صورت عملیه یی میکانیکی نیست .

– میتوانید بگویید باشناخت ودرك خاصی که شمااز یك اثرهنری خوب دارید، کار های کدام یك ازقصه نویس خوب ازنظـر شمـا کیست ؟

– درنوشته های روستا باختری خصوصیت هایی وجود دارد که من آنرامی پسندم، سوای قصه های اومن دوقصه خوانده ام از مسعـود راحل وهردو خوشم آمده است و...

– آقای رهنورد، تاآنجا که من متوجه‌شده‌ام. درقصه های‌شمااشیاء نقش بزرگی‌دارند.نقشی‌که گاه تعیین کننده است.اجازه‌بدهید صحبت‌مان رااز اینجا اختصاصا درباره قصه های خـود شما دوام دهیم .

آدمهای قصه های شمااغلبا زیر تاثیر یك فضای خاص‌که در آن اشیاء موقف حساسـی دارند، حالات روانی خودرا تبارز میدهـــند . خصوصیت های عاطفی این آدمها درتماس بـا اشیای معینی درحدافراط بدگرگـونی کشیده میشوند وتغییر میکنند گاهی ازاشیاء طـوری درنوشته های شما صحبت میگردد که انگـار موجودات زنده یی اند وگاهی هم آدمها چـون تصاویری متحرك زیرتاثیر جاذبه اشیاء بـه حرکت واداشته میشوند . میتوان گفت شمادر قصه ها ی خود، بادیدی سوررئالیستی بـه آدمها واشیای اطراف این آدمها می بینید، در حالیکه خودشما ظاهرا بیشتر ادعای رئالیست بودن رادارید، میتوانید دراین زمینه کمـی توضیح دهید ؟

– نخست باید بگویم‌که من ادعای ریالیست بودن رابدان معنایی‌که بسیاری ازمردم قبو ل کرده اند، ندارم. ازین که بگذریم من نظرشما راردنمیکنم، ازدیدمن همانطوریکه انسانها در محبط زیست اجتماعی خود روابطی باهمدیگر شان دارند، درمحیط مادی وفزیکی نیزارتباطاتی باشیاء دارند . وهمانطوریکه انسان محیـط فزیکی راتغییر میدهد، محیط فزیکی نیز روی انسان اثرمیگذارد واین اثرات میتواند عاطفی باشد ودر پدیده های هنری تجلی کند.

انسانی رادر نظر بیاورید کـه با مـادرش زندگی میکند، مادر هرروز درچاینك معینی‌چای دم میدهد، بعدبساط چای پهن میگردد و هر دو کنار هم می نشینند وچای مینوشند. زمانی بعدمادر میمیرد واین آدم میماند. تنهاباخودش وباراندوهش .

حالادیگرچاینك معین برای اوفقط یك شیئی ساده وبی جان نیست، تداعی کننده خاطراتی است ازمادرش . یاددهنده روزها وشب هاییکه باهم بوده اند درکنار هم نشسته‌اند . ازغمهاا وشادی های خودواز آرزوها ویادوبود هـای خودباهم صحبت داشته اند . هرنگاه این آدم به چاینك معنای خاصی دارد. اوبه کمك‌همین چاینك گذشته های شاد ویااندوهبار خودرابه یادمی آورد ، وبارعاطفی خودرا بیرون میریزد، تازه ارتباط این آدم بااین چاینك در همیـن محدوده خلاصه نمیگردد . بدینمعنی که رابطه انسان با اشیاء خیلی پیچیده می تواند باشد. بازهم همین چاینك رادر نظر بگیرید که‌شاید بردیواره خود گلی دارد واین گل را انسان دیگری نقش کرده است وبااین نقش خواسته است چیزی بگوید. اکنون این گل همراه بابار های عاطیفی که خاطرات مادر این آدم میسازد. تاثیری راایجاد میکند .

اشیای مادی نه تنها درنوشته های مـن بلکه درادبیات سرا سر جهان نقش اساسـی دارد ودر شعر دری نیز یك مقدار بـزرگ تشبیهات برای نشان دادن حالت های‌نفسانی است توسط اشیای مادی .

– من باآنکه نظرشمارا درمورد ارتباط انسان هاباشیای مادی تائید میکنم، اعتقاد دارم کـه باساده نویسی خوبتر میشود یك فکرواندیشه درذهن خواننده قصه، القاء گردد. شما خـود

قبلااعتراف نمودیدکه ارتباطات آدمی باشیای مادی خیلی پیچیده است ومن میخواهم بدانم چه علتی وجود دارد ودلیلی کـــه شما برای تصویر مثلا یك حالت روانی دریك مقطع‌زمانی برای یك آدم قصه خود پیچیده ترین روش‌را انتخاب نموده ایدکه شاید درك آنهم از فهم خواننده عادی بالاتر باشد ؟

اجازه بدهید برای توضیح خوبتر ایـــن مساله وپاسخ پرسش شمانقل قولی بدهم از (رولان بارت) دانشمند معاصر فرانسوی : از نظراین آدم که دید مترقی دارد، همانطوریکه دردیالك تیك پدیده ها متشکل از اجـــزای متضادی اندکه این اجزاء خصلت های متضاد دارند، بیان (زبان) هم خصلت های متضـــاد دارد

برین اساس، هما نگونه که زبـــان وبیان بخشی ازتمایلات واندیشه هاراروشن میسازد، یك مقدار ازتمایلات واندیشه ها را پنهـــان مکند، واین وظیفه منتقد است‌که این عناصر پنهان شده درقصه راکشف ودرك نمایدوشرح دهد

وازهمین جاست که در اروپا منتقد ادبـــی امروز دیگر سره راازناسره جدا نمیکند وبا پیروی ازضوابطی خاص و معین خـــوب را از بد تشخیص نمیدهد،بلکه میکوشد روان‌نابخود هنر مند رابیابدوعناصر پنهان شده‌راازمحتوای اثرهنری بیرون کشد ومعرفی کند. عناصری که ممکن است خودهنرمند نیزبه آن واقـــف نبرده باشد. امروز، درجهان پرآشوب مـــا، که همه چیز، به شمول روان آدمی پیچیده تر ودشوار شناخت ترشده است ، پدیدهٔ سادهٔ هنر ی معنایی ندارد. پدیدهٔ سادهٔ هنری بـــا شرایط ونمـود هـای معاصر بیگانـه اسـت به همین لحاظ ، تاریخ هنر، تاریخ تکامـــل روان آدمیست . بیانگر عملیه ایست که از سادگی به پیچیدگی رسیده است . ازطـرف دیگر، همانطوریکه عملیه های ساده به روش های ساده نیازمند است، عملیه های پیچیده به روشهای پیچیده نیاز دارد.

درقصه دراز (نقش وپندارها) اساس داستان بر محور تداعی ها میگردد، یك انسان‌شبانه درسرك هاقدم میزند واشیای عقب ویترین ها راازنظر میگذراند، این اشیاء که هر یـــك خاطره یی رادرذهن این آدم تداعی میکننـــد ، موجب میشوند که مرز های زمان ومکان فرو بریزد، اندیشهٔ این آدم‌وسیع وگسترده‌شود، انسانیت شودویا بهتراست بگویم بخشی از انسانیت شود .

درچنین قصه هایی آدم قصه تنها خودش نیست نمونه یی ازکل است وبخشی اززندگی.

ـ حالاپرسشی دارم‌که شماهم قبلااشاره‌یی به آن داشتید میخواهم بگویم نه تنها درقصه دراز (نقش هاوپندار ها) بلکه درخیلی ازقصه های کوتاه شمانه به بعد زمان توجهی شـــده است ونه هم به بعد مکان . در اینگونه از قصه های شما آدمها درفضای اثیری زندگـی میکنند . وبیشتر گذشته های دور با آینـــده های نیامده درهم می آمیزد ومحل حادثه ازیك لحظه تالحظه دیگردر قصه به فاصله هـــا ی زیاد جا عوض میکند، ممکن است دلیل‌نگارش چنین قصه هایی رابگویید ؟

ـ چنین قصه هایی بیشتر جنبه روانی دارد ودربیشتر عملیه های روانی بعد زمانی و مکانی ازمیان میرود. درخواب هانیز همین طور است شما یك‌لحظه دراین سوی زمین‌هستیدو بلافاصله یك لحظه بعد درآنسوی کره زمیـن وآنهم دهسال قبل ازآن لحظه . این یك عملیه درون ناخود آگاه است وبه همین دلیل نیـز خواب هاباوجود غیر منطقی بودن وغیر عقلانی بودن بااعتراض مواجه نمیشوند ودر عین حال رویاهابار هایی ازبند مکان و زمان حقایـــق ارزشمندی رانیز دربردارند .

آن‌قصه های من‌که شما به‌آن اشاره نمودید بیشتر روانی است وبه همین دلیل نیز ابعاد زمان ومکان درآن انعطاف پذیر میگردند .

ـ ولی این خصوصیت در آثار هنری معاصر ما کمتر راه یافته است، درحالیکه شما عقیده دارید ادبیات امروز جهان این شیوه راپذیرفته وتقریبا متداول تر ین شیوه نگارش است؟

برتراندراسل کتا بی دارد بنام (نظریـــات فلسفی انشتین). راسل درمقدمه ایـــن کتا ب می نگارد که اگرمی خواهید نظریات فلسفی انشتین رادرك کنید، قبل ازمطالعه کتاب تمام نظرات فلسفی خودرا کنار بگذارید .

منظورم این است که هنرمند باید ذهن باز داشته باشد ودیدی وسیع برای شناخت‌ودرك وگرنه محافظه‌کاری درزمینه داشته های ذهنی هنرمند رااز ابداع ونوآوری بازمیدارد .

ـ خوب آقای رهنوردنمی خواهید بگویید در داشتن چنین عقیده یی ودرانتخاب چنین روشی درقصه نویسی بیشترازکدام نویسندگان تاثر گرفته اید ؟

ـ همانطور یکه شما هم اشاره نمـودید نوشته های من درگذشته طوری بوده اسـت واکنون طور دیگری است .

درکار های سابقم میتوانم بگویم هم درشکل وهم درمحتوی از (گورکی) تاثر گرفته بودم، ولی بعدا روش هاودید های مختلف در کـار هایم اثرگذاشتند وبه من تاثـر بخشیدند ، طوری که اکنون به صورت مشخص نمیتوانم ازیك روش خاص ویا شخص بخصوص اسم بگیرم که کاملا نقش تاثیرگری رادر قصه هایم داشته باشند، گرچه (بوف کور) صادق هدایت همیشه پیش نظرم بوده است .

بقیه درصفحه ۵۵



رهنورد زریاب : برتراندر سل کتابی‌دارد...

استادهاشم‌هنر مندمعروف کشور



استاد هاشم از هنرمندان معروف کشور ماو در فن خودیکه تاز میدان هنر است وی درسفر هنر مندان افغانی به هند در کنسر ت های متعدد اشتراك ورزید و بحیث‌یك‌استادچه در همرایی بادیگران و چه دربکه نوازی‌طبله مهارت بی نظیری نشان داد استاد هاشم بانواع ساز هـا دسترسی داشته گاه گاهی‌غزل وراگ نیز می سراید .

دیانا، او پاین.

ددیانا مور دخپل میره له مړینی څخه وروسته دیو ناآشنا او کور کورانه انتخاب په اساس (پاین) سره واده وکړه

نیمه شپه وه چه (دیانا) یو ناڅاپه له خوب څخه راویښه شوه او له دی بی وخته راویښیدو څخه ډیره په تعجب کښی شــوه دمور دساه ایستود رانده او اوږده اوازونه یی له نږدی کوټی څخه ترغوږ کیدل دیاناڅاڅه شوه چه موریی دخو سپو شو کیر اوزیاتو رنځونو او مصیبتونو له زغملونه وروسته خوب وړی ده په دی وخت کښی یی افکار وروورو دخپل پلندر خواته متوجه کیږی اوله خانه پوښتنه کوی .اوس چیری دی ...

په هرد وزخ کښی چه دی زمونږ غوږونه نه تری ارام شول مونږ یی له شر څخه خلاص سوو تردی وروسته به زما ، اوزما، دمورد آزار سبب نه شی .

ددیانا مورد خپل میره له مړینی څخه وروسته دیو ناآشنا ،او کور کورانه انتخاب په اساس د(پاین) سره واده وکړ (پاین) یو ډیر بدماش سړی ؤ دخپلی ناآرامی اوبدماشی په وسیله یی د یانا اود هغی مورته ځرګنده کړی وه چه (پاین) یوداسی موجود دی چه دلزوم په وخت کښی به حتی له جنایته اووینو تویولو څخه هم ډډه ونه کړی .

ددیانا دمور اوپاین ترمنځ روابط ورو،ورو ورکړ کیجن کیدل په هره خبره کښی ددوی اختلاف لاپسی زیاتیده ترڅو میره دی اندازی ته ورسیده چه ددوی ددغه واده دلانجو خبره قضایی محکموته وړاندی شوه او محکمی پاین ماردی ته مجبور کړ مګر هغو روحی فشاررو نــواو زیانو نو چه ددیاناپه مور راغلی ووهغــه د اعصابو په کمزوری اخته کړه او دیاناپــه دی ورځو کښی دهغی کلکه څارنه کوله اوداچــه دهغی مورپه هماغه شپه په درانده خوب ویده وه دیانا خوشحاله وه .

دپاین فکر اوهغو ترخو خاطر وچه دپاین له خوا ،ددیانا په زړه کښــی داغ پاتــی وی دیانا یی دی ته پری نه ښودله چه ګوندی یوه سترګه خوب وکړی دخوب او بیداری په نړی کښی ډاکتر (المر) ته متوجه شوه اودغــه خوان ډاکتر دهغی تر څنګ کور درلود چــه دتجرد په حال کښی یی ژوند کاوه

څرنګه چه(المر) ښځه نه درلوده نولــه دی کبله ډیرو زړونو دزرګونو آرزوګانو سره دهغه په یاد شپی تیرولی .

دیانا دځان سره په نا امیدی موسکی شواو په خندایی دځان سره وویل .

ــزه خودنورو نجونو او پیغلو څخه توپیر لرم ښکاره خبره ده دو مره عشق اومینه چــه هغه یی زما سره لری دنورو زیاتو پیغلوسره یی هم ضرور لری هغه په دی ښه پوهیږی چه زما ،څخه ډیری ښکلی پیغلی شته څوورځــی دمخه هغه دیوی پیغلی دمورپه خواب کښــی وویل :

ــمیرمنی !زه دمینی او محبت کولو دپــاره وخت نلرم اوس زما سره دواده په مسئــله کښی خبری مه کوه .

دیانا په همدی چور تونو کښی سترګــی پټی کړی اوویده شوه سترګی یی لاپټی شوی نه وی چه دباندی څخه یی د پښو اوازترغوږشو سمدستی په کټ کــښی نیغه کــښینا سته او سترګی په لارشوه داوخت داسی وخـت ؤچـه دغل نه پرته بل څوك په دی وخت کښـــی چیرته هرګزنه شو تللی .

کله چه دیانا دپښو دآواز په اوریدلوډاډه شوه نو ورته ځرګنده شوه چه دپښو آوازڅه خیالی شی نه دی ورو له خپل کټ څخه راپاڅیده خپلی جامی یی بدلی کړی بیایی دروازه خلاصه کړه اوویی ویل :

ــڅوك یی ؟

له دی نه وروسته دیانا ډیوی څراغونــه روښانه کــړل څو قدمونــه ور وړانــدی شوه په دی وخت کښی ګوری چه په زینه کښی یـــی پلندر پاین ولاړ دی په سترګو کښی یـــی دغوسی نښی ښکار یدی دهغه له سرو سترګو اوغوښه ناکی څیری څخه دنا ګواری اوناوړه پیښی دپیښیدو آثار ښکار یدل هغه یه مره ګیډه شراب څښلی وواودلږ زور په مقابــل کښی یی هم مقاومت نه شوای کولی .

ددیانا اوپاین ترمنځ دزینی څوپوړ فاصله وه دیانا ځان اداره کړاو په آمرانه لهجه یــی ویــــل :

ــژر له دی ځایه ځان کاږه څه حق لری چه زمونږ کورته راځی اوس خود محکمی دحکــم له مخی زما مورستاله منګــولو څخه خــلاصه شوه نو بیادی څه په مونږ پسی راالخیستـــی دی .زمونږ څخه څه غواړی ژرد رومه اوکه نه خبره پولیس ته رسوم .

پاین په ډیره بی پروایی دزینی له پــوړ څخه پورته شو اوپه وچه لهجه یی وویل:

ــ غواړم چه دمور سره دی خبری وکړم. پورته کیده .

پاین یو چاغ او تکړه سړی ؤاودیانانه شوای کولی چه دزورله لاری دهغی دمورکوټی ته دهغه دتګ مخه ونیسی څرنګه چه هغــه شراب څښلی وونو هغی ته بیا دپاین مخنیوی په خوله کی ایښودل شوی ؤدیانا مــجبوره وه چه باید ځان ددروازی خولی ته ورســوی او تیلفون وکړی دهمدی تصمیم پــه اساســ دزینی له پوړونوڅخه لاراکښته شوی نه وه چه دپاین سره لاس اوګریوان شوه .

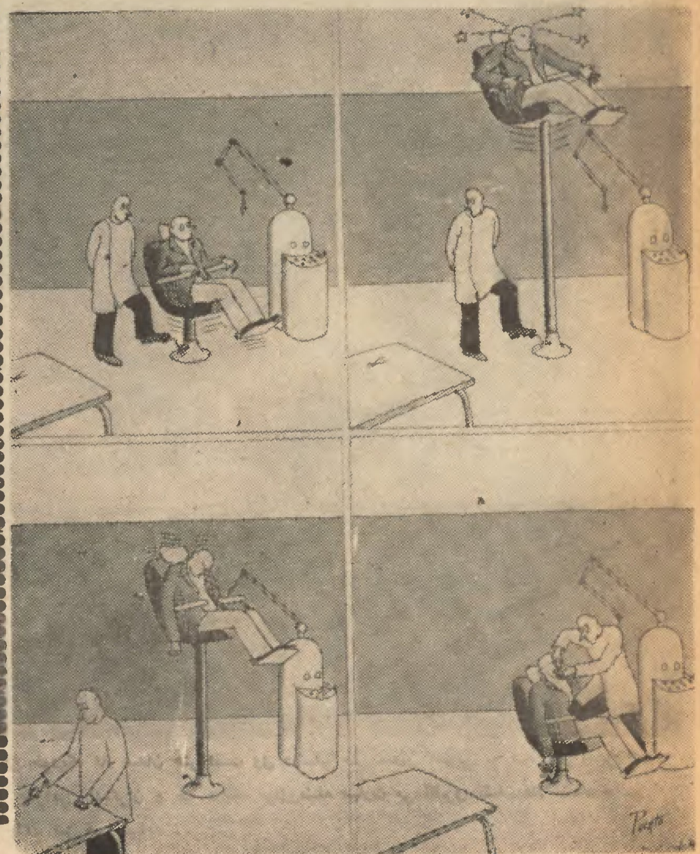
پاین چه ددیانا په مطلب پوه ؤ سمدستی یی دیانا په منګولو کښی ونیوه ددیاناداسی احساس کاوه چه د جنایت قهرمان یی په خپلو منګولو کښی زیښښی اوســ نودیانا پــوره وپوهیده پاین دهغی دمورپه باب څرنګه شوم تصمیم نیولی دی دیانا په دی وخت کښی لــه ځان اویاد خپلی مور څخه ددفاع په فکر کښی هرګزنه وه ،بلکه دی امله چه د هغه بی رحمه منګولی دهغی په بدن لګیدلی وی دهغه پــه نسبت یی په زړه کښی سخته کرکه پیداشوه وینی یی په زړه کښی وخوټیدی ددغی کرکــی اووینو خوټیدلو په اثر دیانا دهغه سړی پــه ضد دلیو نتوب مرحلی ته رسیدلی وه اوســ نودیانا او پاین ترمنځ یوپوړ فاصله وه پاین ډیر مست ؤ.ه.له ډیری مستی څخه سم نــــه شو دریدلی پښی یی لړزیدلی اوتنه ګونه یی خوړل ،پاین دزینی له کټاری څخه لاس پورته کړاو غوښتل یی چه یوځل بیا، دیانا پـــه خپلو منګولو کښی ونیسی اوپه ځمکه یــی سرپښ کړی مګر داځلی چه دیانا په ځان نه پوهیده هغه یی داسی ټیل واهه چه له زینی څخه یی وغور ځاوه اودځمکی سره یی سرپښ کـــړ .

دیانا یوه درنده او اوږده چیغه وکړه او بی هوښه شوه څه ساعت وروسته چه دیاناپــه حال شوه ګوری چه پاین لاندی په ځمکه بی حرکته پروت دی، دیانا کښته شــوه یـــوه لحظه یی دپاین بی حرکته جسد وکتل په دی وخت کښی دهغی دکور ترڅنګ دیوی بلــی کوټی څخه یوه اطریشی ښځه چه (انا) نومیده راووته او دپیښی دجریان پوښتنه یی وکـړه دیانا بی له دی چه دهغی پوښتنــی ته ځواب ووایی په بیړه یی ځان دډاکتر (المر) کورته ور ساوه .

ډاکتر المر دیانا ته لار ښوونه وکړه چه له هماغه ځایه روغتون ته تیلفون وکړی اویـــو امبولانس وغواړی .

اطریشی ښځه (انا) دخپلو جامو بدلولــو دپاره خپلی کوټی ته تللی وه او ددیانا له بیرته

ژوندون



بدون شرح

راستنیدلو خخه پخوایی څو شیبی دپاینږی یوازې پرینبی ژ ددیانا مور هماغسی پـه درانه خوب ویده وه ،د پولیسو مامورینـو دپیښی ځای وکوت‌او دیانا، اناادددیاناموربی دتحقیقات تو لاندی ونیولی او غونبتل یی‌چه یولږ داسی قراین او شواهد ترلاسه کړی‌چه پیښه روښانه کړی اوپه دی وپوهیږی چه دکوم علت له مخی مست سړی چېد قانون‌په اساس یی هغه کورته دننوتلو حق نه‌درلودد زینی خخه لاندی لویدلی اومړ شـوی دی.د پولیسو مامورینو له دیانا خخه وغوښتل چه ددغی پیښی جریان پوره شر حه کړی نوهغی وویل :

- دباندی خخه‌می دپښو آواز ترغوږشو،له خوبه ویښه شوم دکوټی دروازه مـی خلاصه کړه او دیوی څراغ‌ی روښانه کړ‌په‌دی‌وخت کښی می یوه چیغه تر غوږ شوه اوځان مـی ډیر ژرډاکتر ته ورساوه .

-د ډیوډی دځراغ سویچ چیری دی؟

-زما دکوټی ددروازی ترخنګ داسی کوم غرخودی ونه کړچه دهغه دوار خطایی سبـب شوی وی ؟

دپولیسو په‌ډله کښی یومستنطق هـموه هغه داخبری ګردی یاددا شت کړی اود ځـان سره یی وویل :

-هغه پوهیده چه‌دی کورته په راننوتلـو سره‌یی له قانون نه‌مخالف کار کـړی دی‌او تصور یی کاوه چه خوك دهغه دپیښو آوازنه آوری مست ژ ناڅاپه څراغونه روښا نیـری اوږنا یی په سترګو لګیږی.

بیایی په لوړ آواز وویل :

-هو تشکر .

په دی وخت‌کښی مستنطق هغوی ته متوجه ګیږی .

انا دجګړی‌له مصیبت څپلوخخه‌وه اوخوماشتی کیدی چه ددیانا اود هغی دمور دځارنـی او پاملرنی لاندی یی ژوند کاوه.

مستنطق مخ (انا) ته اړوی ورته وایی.

-میرمنی تاددیانا له چیغی اودهغه سړی‌د ه‌زینو نه پـه لـویدو و خـبره یـی خـود انا پښه به‌په دی قضیه کښی ګډه شی ددیانا زړه ولوید مګر مستنطق داناد منفی ځواب‌په اوریدلو دالازم ونه ګڼل چه‌له هغی خخه‌څپلو پوښتنو دوام ورکړی خیل یاد داشتو نه‌یـی ترتیب کړل .خدای پامانی یی وکړه اووت دیانا دخانه سره فکر کاوه چه آیاټول‌جنایت کاران به په سر نوشت اخته ګیری .

کله کله یی ځان ته داډ ورکاوه چه محکمه کښی حقیقت کشف شی نوپه اعـدام به محکو مه‌نه شی ځکه چه دی دغه جنایت‌ته دځان خخه ددفاع دپاره غاړه ایښی وه‌اوزیاته جزا به یی په بند محکو مول وی .

کله کله‌یی ځان ته ډاډور کاوه چه داسی نیبی نښانی او مدر کونه ترلاسه شوی نـه دی چه دهغی مجرمیت څرګند کړی ځکه‌چـه حتی ددیانا مور اوانا هم دهغی له ماجرا خخه بی‌خبره وی له دی‌نه پرته ټول په‌دی پوهیدل

چه‌پاین دهغوی سره سخته کینه در لـوده‌او البته دکومی بدی او ناوړه نقشی دتطبیقولـو دپاره دهغی کورته ورغلی دی .

دغو تولو دلایلو‌په دی دلالت کاوه چه کــه چیری دمحاکمی په وخت کښی ډیره سختـی هم‌وشی نوله شپر میاشتو بندنه پرته‌به‌بلـه جزا ورنه کړی به دی وخت کښی یی له‌خانه داپو ښتنه هم کوله چه زندان څرنګه ځـای دی زمادمور کمزوری اعصاب به‌ددی کاردمنلو په‌مقابل کښی څنګه ټینګار وکړی دیانالـه یوه لنډ چکر نه وروسته چه دتر خو افکارو اودرد ونګو خاطرو خخه ډك و بیرته راستنه شـــوه .

ډاکتر الرم ددیانا دمور پوښتنی دپـاره‌د هغوی کورته تللی ژ کله چه دیانا کوټی ته ننوته مور یی وروله کوټی خخه ووته اوهغوی



دواړه یی یوازې پریښودل .

الرم ولاړ ژاوخپلی آبی رنګی او جذابـی سترګی یی ځمکی ته اچولی وی څو لحظـی

پاتی په۵۳ مخکی



راپور ترژوندون (ازطرف راست‌نفر چارم)باپنج داوطلب ممتاز کانکور شمول‌درپوهنتون درحال مصاحبه



جریان امتحان ازنظم خاصی ومراقبت‌دقیقی‌ممتحنین برخور دار بود.



لحظات پر هیجان داوطلبان کانکوروآرامش‌فضای امتحان جالب ولذت بخش بود.

آرزوی برخورد منطقی استادباشاگرد

راپور تر ژوندون از هرات آمده است:

امسال در ولایت هرات ۴۱۵ نفر فارغان‌هفت لیسه امتحان کانکورشمول به پوهنتون راسپری نمودند .

امتحان شمول به پوهنتون بتاریخ ۲۹برج دلودرولایت‌هرات ازفارغانی هفت‌لیسه نسوان وذکور در دارالمعلمین ولایت هرات تحت نظارت هیئت پوهنتون کابل که به‌همین منظور به ولایت هرات اعزام شده بود اخذ گردید .

امتحان ساعت ۱۰ قبل از ظهر بانظم و دسپلین بهتر شروع گردید وتاساعت دو و بیست دقیقه بعداز ظهر با۱۵ دقیقه وقفه درجریان امتحان ، دوام داشت.

درین امتحان از جملهٔ ۴۱۵ نفر ۹۸ نفر اناث وبقیه ذکور اشتراك ورزیده بودند .

داو طلبان بعداز اینکه به ده صنف تقسیم گردیدند وورقه های سوالات برایشان توزیع گردید به‌اساس‌رهنمائی‌های‌که‌در دوروزگذشته ازطرف استادان موظف برایشان داده شده بودبه بررسی سوالات وانتخاب جوابات پرداختند .

درین امتحان فارغان لیسه های مرکز و اطراف ولایت هرات که عبارت بودند ازلیسه های نسوان مهری هرات وملکه جلالی ولیسه های ذکور جامی ،سلطان ،غوریان گذره وزنده جان سهم داشتند .

به اساس توضیح هیت نظار امتحان کانکور اکثریت امتحان دهنده گان بدرجهٔ اول پوهنځی طب ،حقوق واقتصاد راانتخاب نموده بودند .بعداز ختم‌امتحان به اثرخواهش نامه‌نگار ژوندون وهمکاری‌مدیر معارف‌آنولایت باه‌نفر شاگردان ممتازی راکه جهت اشتراك درامتحان کانکور به دارالمعلمین آمده بودند مصاحبهٔ صورت گرفت دراین مصاحبه فارغ التحصیلان ممتاز پیغله شهناز (رهنما) فارغ التحصیل لیسه ملکه جلالی که ۱۸سال دارد .

پیغله پروین (تیموری) فارغ التحصیل لیسهٔ مهری هرات که ۱۸ سال دارد .

محمد عتیق (غنی) فارغ التحصیل لیسه سلطان ۲۰ ساله .

محمد عثمان فارغ لیسهٔ سلطان ۲۰ ساله

محمد یاسین نورزاد فارغ لیسه زنده جان که ۲۱ سال دارد سهم گرفتند .

آنها بمقابل سوالی در مورد چگونگی امتحان کانکور باتوافق نظر نظم وترتیب امتحان را خوب دانسته صرف از مشکل‌بودن مضمون ریاضی وضیقی‌وقت آن‌ناراضی بودند.

در مورد انتخاب اول پوهنځی ها صرف پیغله پروین تیموری پوهنځی حقوق رادرقدم اول انتخاب نموده بقیه چهار نفر پوهنځی طب را انتخاب کردند .

این پنج تن‌از صنوف ابتدایی درجه های ممتاز اول ،دوم یاسوم را همیشه داشته‌اند وقتی علت موفقیت شانرا در طول دورهٔدوازده ساله تعلیمی پرسیدم آنها داشتن عزم راسخ توجه به تشریح وتوضیح دروس از طرف معلمین ونگذاشتن دروس امروز رابفرداعوامل عمده ومهم موفقیت واول نمره گی خودوانمود کردند .

وقتی از آنها صفات خوب یك شاگردرا پرسیدم عتیق غنی اظهار داشت که :

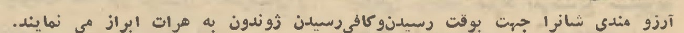
یك شاگرد خوب همیشه‌سعی میکند که‌بیشتر وخوبتر بداند ،معلوماتش راهرچه بیشتر سازد وهیچ وقت به فکر اینکه دروسش‌را فرا گرفته اوقات فراغت خود راعبث وبیهوده تلف نمی کند زیرا رسیدن به منزل مقصود وداشتن مفکوره عالی خدمت به وطن و مردم خویش انسانرا وجدانا مجبور میسازد تابا تلاش های پیگیر وخسته گی ناپذیر خودرا باسلاح علم وعمل مجهز ترسازد .

چهار نفر دیگر درحالیکه گفته های (غنی) راتایید نمودند موضوع‌داشتن پروگرام‌درست ومنظم، داشتن حس خدمت به وطن و مردم، حس فدا کاری وایثار ،اخلاق پسندیده ونیکو وداشتن مفکوره عالی خدمت به وطن ومردم را از سجا یای نیك وپسند یده شاگردان وهمه جوانان خواندند .

این پنج شاگرد ممتاز یك استادو معلم خوب وموفق راچنین تعریف کردند .

داشتن رویهٔنیك ،پیشامدصمیمی ،برخورد منطقی به مسایل شاگردان وداشتن حوصله برده باری وبالاخره سویه تعلیمی از صفات یك معلم ویا استاد میباشد .

آنها مطالعه کتب مفید وجامع رادر پهلوی



آرزو مندی شانرا جهت بوقت رسیدن‌وکافی‌رسیدن ژوندون به هرات ابراز می نمایند.

مواد درسی وکتب تدریس حتمی دانسته وآنراجز عمده موفقیت آینده جوانان ،متعلمین ومحصلین دانسته اظهار داشتند که تنهاکتب درسی نمی تواند تمام خواسته ها واحتیاجات بشر متجسس امروز را از ماحول شان‌پاسخ مثبت دهد .

ایشان در جواب سوالی دیگری عقیدهٔ خودرا چنین ابراز نمودند.

در ولایت هرات کتابخانه های وجود دارد ولی نه‌به اندازه که احتیاج به‌آن دیده میشود خصو صا پیغله شهناز رهنما از نبودن کتابخانه در لیسه ملکه جلالی شکایت نموده اظهار داشت که تاسیس کتابخانه در لیسهٔ ملکه جلالی کاریست که می باید قبلا صورت میگرفت وباید حالا صورت گیرد .آنهاکیفیت کتابخانه هارا نظربه کمیت آن مهم دانسته علاوه داشتند که تاسیس کتابخانه هانه‌تنهادر لیسه ها ومکاتب ضرور ولازم است بلکه جهت بلند بردن سویه مردم در تمام ولایات شهر هاو حتی قریه های پر نفوس ولو کوچك هم‌باشد موجودیت‌کتابخانه اهمیت‌زیاد دارد .

وقتی نظر آنها رادر مورد ریفورم بنیادی که اخیرا در وضع معارف کشور تصویب ومنظور گردیده است خواستار شدم‌گفتند:

این ریفورم که از خواسته های مردم‌و ایجاب عصر سر چشمه گرفته به اساس تمنیات نیك رئیس دولت وبانی جمهوریت که‌در بیانیهٔ خطاب بمردم افغا نستان ارائه شده است بمیان آمده نوید دهندهٔ آینده روشن وضع معارف افغا نستان میباشد واین ریفورم از جمله گامهایی به‌شمار میرودکه‌در راه سوق دادن مردم وکشور مابه‌سوی سعادت ، خوشبختی و آیندهٔ تابناك برداشته میشود .

آنها تطبیق‌درست‌وبه ثمررساندن سلسله ریفورم را وظیفهٔ مقدس همه مردم خصوصا قشر منور وجوانان وطنپرست وبادرد کشور دانستند .

وقتی از آنها خوا ستم تا نظر شانرا طور مختصر در مورد معارف افغا نستان در گذشته ابراز دارند، از جوابات آنها این مطلب بدست آمد که :معارف در گذشته‌مانند وپابپا باامورادارى،اقتصادى ،ساسى‌واجتماعى كشور بسوى تاريكى ،انحطاط در حركت‌بودو سير قهقرايى خود رامى پيمود وبه هيچ صورت جوابگوی ضرورتها خواسته های مردم معارف پرور وطن پرست ماشده نمی‌توانست

وقتیکه عقرب های ساعت ۳و۲۵ دقیقه‌بعد ازظهر را نشان میداد خواهش اخیر خودراز آنها نمودم تادر مورد مجله ژوندون اگر گفتنی داشته باشند ابراز دارند که آنهاهم در پهلوی اینکه مجلهٔ ژوندون رایگانه مجلهٔ کشور دانستند که ذوق همه مردم رادر نظر میگیردتلاشهای کارکنان این‌مجله را تقدیر وتلاشهای کار کنان این مجله را تقدیر نمودند از بوقت وبحد کافی نرسیدن مجله شکایت نمودند واظهار داشتند که باید در- توزیع وازدیاد تیراژ مجله طوری اقدام‌شودکه جوانان آرزومند مطالعه مجلات مجبور به روآوردن به مطالعه داستانها وناولهایی نشوند که اصلابه روحیهٔ مردم وحالت کشور مابرابر ومساعد نیست .

دریایان با ابراز تشکر و خدا حافظی وارزوی مو فقیت برای‌آنها صحن دارالمعلمین راترك گفتم .

بقیه صفحه ۱۹

ترانه‌های کهساران

بناغلی نسیم مطالبی پیرامون سفرهنرمندان افغانی به هند، اظهار نموده، علاوه میکند :

- روزاول حوت به حیدرآباد رسیدیم ، بازدید ازنقاط دیدنی وآثار تاریخی شهر، به شمول بنای چهار مینار ومسجد آن و موزیم سالار جنگ، شامل پروگرام مابود .

درحیدر آباد نیز کنسرتی داشتیم، که در تیاتر معروف (رابندرانات تاگور) اجرا کردیم. ازین کنسرت علاوه ازبعضی وزرای هند و شهریان حیدر آباد محصلین افغانی مقیم آنجا نیز دیدن کردند .

تابلوی حکاکی شده درختم کنسرت به هر يك ازاعضای هیات هنری وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان اهدا شد .

ساعت ٦ صبح ٤حوت باقطار به شهر (چندیگر) مواصلت کردیم ودرین شهر، ازباغ پنجورروز گاردن که ازنقاط دیدنی آن است، دیدن‌کردیم.

کنسرت شام همین روز، آخرین کنسرت هنرمندان افغانی بود، که طی سفر خود، به‌هند اجرا کردند .

بناغلی نسیم دراخیر می افزاید :

- درطول سفر هنری مابه دولت دوست هند ، استقبال بی نظیر مردم وحلقه های هنری آنجا، باعث شادمانی هنرمندان ما شد .

دریکی ازکنسرت های ما (سرندرنات) که ازآواز خوانان معروف هند است واورا رقیب سیگل میدانند، اشتراك کرد وآهنگ ها یی خواند ، که بسیار دلچسپ بود. همچنان طی ملاقاتی با(اوپی مودنیر)که یکی ازمشهورترین موزیك دایرکتر های هنداست ، اویك يك ریکارد، از تازه ترین کمپوز های خودرا، به هنرمندان افغانی اهدا کرد .

بناغلی نسیم می افزاید :

شکی نیست که سفر هنر مندان افغانی به هند و استقبال گرم مردم آنکشو ر در تحکیم علا یق دوستی‌و روابط کلتوری هردو کشور دوست تاثیر به سزایی دارد .

ازگل احمد زهاب نوری

ترانه‌های کهسار

تیاتر رابندرنات تاگ





درفضای نیمه روشن تالارمعروف درآزادباون گروه کثیری گرد آمده‌اند ، سیاستمداران ، کورد دیپلومات ها، هنر دوستان ، هنرمندان و دسته دسته ، شهریان دهلی جدید ...

همه خاموش ، به آنجا، دربالای ستیژ خیره شده‌اند ، بانگاه های مشتاق لحظه یی به‌کلکان ماهراستاد هاشم که باسرعت ومهارت ، برروی صفحهٔ نازك تبله می لغزد خیره میشـــوند و لحظه یی دیگر، برلب ها ی استاد سر آهنگ می نگرند، که صدایش درسالون طنین انداز است ...

لباس های محلی، آلات موسیقی افغـــا نی وآهنگ های فولکلوریك عبدالسلام وحمیدالله، بادهل های پرصدای لوگری وتنبور چاریکاری، تعجب وتحسین حاضران را، دو چندان ساخته است ...



پاسی ازآغازشب میگذرد ، که صدای کف زدن ها برمی خیزد ودسته های گل ، ازهر طرف به‌سوی‌هنرمندان افغانی سرازیرمیشود..

این نخستین شبی است که هیات هنرمندان افغانی دردهلی جدید، کنسرت میدهند، شب های بعدی یکی پی دیگری می گذرد ، بازهم نوای موسیقی افغانی درسرزمین هنرخیز هند، طنین می اندازد وهرشب درهر شهر ، استقبال گرم وبیسابقه مردم هند، مایهٔ شادمانی وغرور هنرمندان مامیگردد ...

• • •

به سلسله معاهدهٔ کلتو ری بین دولـــت جمهوری افغانستان وهند، یك هیات شانزده نفری هنرمندان افغانی به هند سفر کردند ر طی یانزده روز اقامت خود درهند، از شهرهای دهلی، آگره، بیپال، بمبئی، حیدرآباد وچندنگر دیدن کردند .

هنرمندان افغانی، درین مدت کنسرت ها ی درشهر دهلی،حیدرآباد، نیپال، بمبئی‌وچندنگر نیزاجرا کردند، که سخت مورد استقبال مردم هنردوست هند واقع گردید .

هنرمندان افغانی، درهمه شهر های هنـد باگرمجوشی حلقه های هنری، روبرو شد ند وبادسته های گل پذیرایی گردیدند .

اعضای هیات هنری افغانی را، هنرمندان ـ آواز خوان وموسیقی نوازان تشکیل میدادند ، که‌ریاست آنـهارا ، بناغـلی محمد ابراهیم نسیم آمردیپارتمنت موسیقی وزارت اطلاعات وکلتور به عهده داشت .

بناغلی یوسف کهزاد آمرصنایع مستظرفه نیزبحیث نماینده کلتوری وزارت اطلاعـــات و کلتور، باهنرمندان مذکور، همراه بود .

بناغلی نسیم، آمردیپارتمنت موسیقـــی ، میگوید :

ـ استاد سرآهنگ ، استاد سلیم سرمست، استاد محمد هاشم، میرمن جـلوه (افسانـه) ، میرمن ناهید، مسحور جمال، فقیر محمدننگیالی محمدکبیر ، نیك محمد ، عبدالسلام، حمیدالله، عبدالرشید، عبدالرزاق ومحمدظاهر، اعضـــای هیات هنری افغانی راتشکیل میدادند .

وی می افزاید :

ـ بعداز ظهر ۲۰ دلو ، توسط طیاره جانب هند حرکت کردیم وپس ازدوساعت ، بمیدان هوایی شهردهلی رسیدیم . در دهلی توسـط نمایندگان وزارت اطلاعات وکلتور هندپذیرایی شدیم ...

هیات هنرمندان افغانی بروز دوم اقامـــت خود، ازشهر تاریخی آگره که در دوصدکیلو متری دهلی واقع است، دیدن کردند . تاج‌محل ازنقاط دیدنی این شهر بود ، که عمـــارت شکوهمند آن، باسنگ هاودانه ها ی قیمتـی تزیین گردیده است .

بناغلی نسیم دربرابر پرسشی میگوید :

ـ نخستین کنسرت هنرمندان افغانی، بـه ساعت شش ونیم شام ۲۲ دلو ، در تالار (آزادباون) هند افتتاح گردید . دریـن کنسرت بعضی از رجال هند، سفیر کبیر افغانستا ن درهند، بعضی ازکوردیپلومات های مقیم هند وگروهی از هنرمندان وهنر دوستان هنـــدی اشتراك ورزیده بودند.

وی میگوید :

هنرمندان افغانی‌بداخل سه‌بخش بالباس های ملی‌کنسرت میدادند. دربخش نخست حمیدالله باآهنگ های چاریکاری وعبدالسلام با آهنگ های لوگری، پارچه های فولکلوریك افغانی را تقدیم میکردند . رباب، تنبور، سرنده، دهل وارمونیه آلات موسیقی یی بود، که این د و هنرمند راهمراهی میکرد .

بخش دیگر کنسرت مارا تروپ لایت تشکیل

...ساران درسرزمین راگها

...ت تاگورهم میزبان سرودهای افغانی بود



گوشه‌یی ازکنسرت میرمن ناهید

میدادند که دران جلوه (افسانه) ، ناهید و مسحور جمال باآهنگ های افغانی و با آلات موسیقی‌ازقبیل‌دلربا، تنبور، ارمونیه، ماندولین وتررومپت ، هنرنمایی میکردند .

آمر موسیقی وزارت اطلاعات وکلتور علاوه میکند :

– دراخیر هرکنسرت استاد محمد هاشم با تبله واستاد محمد حسین سر آهنگ باپارچه های زیبایی کنسرت راختم میکردند .

نسیم دربارهٔ‌سفرشان به هند، چنین توضیح میدهد :

ماازقطب مینار، یك محل تاریخی دیگر هند نیز دیدن کردیم وروز ۲۵ دلو دهلی رابه قصد بوپال، یك شهر دیگرهند، ترك کردیم .

نقاط دیدنی این شهر ، برای هنرمندان افغانی بسیار دلچسپ بود، شام ۲۶ دلو کنسرتی ازطرف هنرمندان مادر تیاتر (راوندرا باون) اجرا گردید که تاساعت ده شب دوام داشت .

استقبال بی حد، حاضران از، آهنگ های افغانی علاقمندی آنهارابه موسیقی کشور ما میرساند .

این کنسرت توسط رادیو به مردم بو پال نیز پخش شد ...

شاغلی نسیم که ریاست هیات رابه عهده داشت ادامه میدهد :

– روز ۲۸دلو به بمبئی سفر کردیم، در آن شهر توسط نمایندگان‌کلتوری بمبئی‌استقبال گردیدیم وشب همانروز کنسرتی نیز در این شهر اجرا کردیم ...

وی باعجله می‌افزاید :

– درهمه شهر های هندکه هنرمندان افغانی کنسرت میدادند، بادسته های گل وتحفه هایی ازپیداوار آنجا، استقبال میشدند ...

بازدید ما ازستودیوی فلمبرداری (رحمن ساگارو) ومعرفی باهنرمندان آن، بسیار جالب وازخاطره های خوب این سفر، بشمار میرود . دریم نات، دهرمندر، ورحمن هنرمندان معروف سینمای هند، دراینجا باهیات افغانی آشنا و تبادل نظر نمودند .

دردعوتی که ازطرف قونسل گری افغانی در بمبئی به افتخار هیات هنرمندان افغانی شام ۳۰ دلو ترتیب داده شده بود، گروهی ازرجال وهنرمندان هندی اشتراك ورزیده بودند . ماهم در این دعوت کنسرتی اجرا کردیم، که‌مدعوین باگرمی استقبال کردند .

بقیه درصفحه ۱۷



جلوه نیز درهند خوب درخشید



هنر مندان افغانی و هندی با جنرال قنسل افغانی در بمبئی

هنر مندان افغانی وهنر مندان سینمای‌هند عکس یادگار گرفتند .درین عکس قونسل افغانی نیز دیده می شود.



برای هر مرحلهٔ از سن می توان رژیمی سراغ‌کرد .

ترجمه ع، وشنو

چاقی کاذب، دشمن صحت

دوره‌های فربه‌شدن و چاقی در زندگانی

در چار مرحله یا دوره از زندگی‌خطر فربه شدن وچاق شدن شمارا تهدید می‌کند نخستین این دوره سن نمو ورشد است.ازهر ده طفل یکی آنها به چا قی گرفتارمیشود وهشتادفیصد اطفال فربه وچاق پدران‌ومادران‌چاق میداشته باشند و ده فیصد اطفـــال چاق پدران ومادرانی دارند که دارای‌ساختمان‌فزیکی طبیعی می باشند . بنا برآن‌ایـــن

سوال بمیان می آید که آیا خصو صیت‌چاقی وفربه شد ن یك مسله ارثی است .گذشته ازآن باید گفت که چاقی و فر بهی‌ازشیوه تغذی ناگوار و نا مطلو ب ناشی می شود. پروفیسرجان ودل و داکتر برن فلـــــد دانشمندانی اند که مطالعات زیادی پیرامون اطفال انجام داده اند و طی این مطالعات خویش مسوو لیت وا لدین رادرین ز مینـه خاطر نشان سا خته و متذکر شده ا نـــد که‌اطفال چاق وفربه اطفالی می باشند کـــه به‌پرخوری دچاراند زیرا میدانم که‌اگر اطفال تحت‌رژیم قرار نگیرند نود فیصد چاق‌و فربه میشوند واین فر بهی متضمن کلیه انـــواع بیماریهای دیگر ی همچو ن مرض‌قند اختلالات قلبی و غیره می گردد .

درواقع و ضع و چگونگی جسمی اطفال‌در بطن‌مادران شان تثبیت میشود وقتی‌مادرزیاد بخوردطفل نیز رو به چا قی می گذ ارد.وزن چاررونیم کیلو برای اطفال نو زاد پر خطــر بشمار میرود ،با رسیدن طفل نو زاد طفل بایدخیلی فربه و چاق شمرده شود . گاهی

هشتاد فیصد اطفال چاق از پدران‌ومادران چاق بدنیا می آیند .



این دخترك خورد سال كه‌سن آن‌از۱۲سال‌بیش نیست هر مو ن بدن وی این هیکل را برایش بخشیده است‌علاوتاتاثیرات‌روانی درایام‌بلوغ زیادتر موجب افزایش‌چند کیلو وزن می شود.

این تزاید وزن موجب مرض قند بشکل‌خفیف آن در مادران میشود که امکان دارد به‌اطفال نیزسرایت کند، البته‌این‌امر اغلب‌از پرخوری وزیاده روی مادران در خوراك ناشی مـی‌ـ شود. هر گاه این نوع اطفال در نخستین **ماهها وسال نخست حیات شان باز هم‌به پرخوری وزیاده روی درتغذی گرفتارباشند** دیگرعملا این شانس را نمیدا شته باشندکه لاغر شوند مگر به کمك یك رژیم غـذایی شدید و آن نیزبرای یك دوزه طو لانی.در واقع دو پرو فیسر ی را که در بالانام‌بردیم یك‌واقعیت مهم راتو ضیح میکنند وآن اینکه تنها در اطفال خورد سال است که نسوج چربی دار از حیث کمیت تو سعه می پذیرد ولی‌تکثر نمیکند بد ینگونه طفلی که درایام طفولیت خو ب‌تغذ یه شده باشد با یکتعداد **نسوج چربی دار رشد خواهد کرد که این** مسله بعدا ذ خیره مواد چر بی دار وجوداو راتشکیل میدهد . از ینجاست که ا همیت عذای طفل نمو دار میشود با اینهم بـرای بسیار ی از مادران وزن زیاد طفل‌مساویست به‌تندرستی و سلا متی طفل .

مادران از وجود طفل لاغر رنج میبرنـــد حالانکه چا قی و فر بهی منبع مریضی‌است نه‌لاغری و ضعیفی.

چگونه می توان فهمید که یك طفل‌سالم‌و تــنـد ر ست اسـت بـــرای درك ایـــن مسله در مورد اطفال شیر خوار خیلی آسان است زیرا درین زمینه نمونه هـای وجـود دارد که مسله را از حیث سن وقد توضیح می دارد وبه تثبیت وزن ایده آل می‌پردازد هرگاه‌در میان وز ن وسن و قد تفاوت زیادی وجودداشته باشد بایدبه‌دکتور رجو عشود برای اطفال که سن زیاد تری دارندجدولهای **وزن وسن وسال نیز وجود دارد ممکنست** ازبین‌دوطفل هم‌سن‌وسال‌وهم قد یکی آ ن‌لاغر ودیگر ش چاق و فربه باشد در ین‌صورت متخصصان می توانند در جه فر بهی‌رابرای هر دو طفل تعیین کنند مادران نیز بامشاهده وضع ظاهری وفز یکی طفل شا ن اقداماتی نمایند. طفل پندید ه‌باشکم برآمده و ستون فقرات نا متوزا ن باید نزد دکتور برده‌شود دکتور باید به چنین اطفال رژیم غذ ایی‌را تجویز کند و دوای لازم را تعیین نماید. لاکن مادر یك طفل چاق و چله می تواند بعضی‌مقررا ت‌صحی را تطبیق نموده طفلشس رابه‌غذا ی بهتر ی عادت بدهد .در ماههای نخستین یك رژیم کا ملا شیری وبعدامادرمی تواند آ ب‌گو شت وسبز ی به طفل بد هد. درین‌مورد نباید سه نکته ذیل را فرا مو ش کرد:

ـ نباید طفل را واداشت که‌چوشك‌شیرش رابهرقیمتی که شده تمام کند ودر صورتی که‌طفل گریان کند آنرا نباید به‌آب‌شیر ین تعویض‌کرد. .

گریان طفل حتما از گر سنگی او حکایت نمیکند بلکه ازتنهایی و دیگر محرو میت‌های اونیز نمایندگی می نماید . غذا و شیریکه‌ما به‌وسیله آن اضطراب طفل‌را آرام می‌سازیم در ایام جوا نی وی نیز باعث چشم‌گر سنگی اوشده همینکه خور دنی را ببیند وا حساس گرسنگی بوی دست دهد برخور د نی حمله خواهد برد و قتی طفل‌بزرگ میشودبرمادران است که‌به تهیه مینو ی خوراك اطفال شان بپردازند وغذا های با مزه متفاوت بر آنان تدارك نماید ، طفل بمرور با این‌غذاها عادی **خواهدشد** . طبعا غذاها ونان قندی به اوقات معین‌برای آنها داده خواهد شدبهمین گونه درمورد نوشیدنی هایی که مواد قندی‌آن‌زیاد است واطفال بدان دلچسپی دارند عمل خواهد شد. محتوای غذای صبحانه اطفال فربه‌وچاق چیز یست که باید در مورد آن تجد یـــد نظرصورت گیرد. بجای نان بزر گ مسکه‌دار طفل می تواند بیسکو ت‌یا مقداری پنیروسایر نوشیدنی ها یی را بنوشد که‌قند آن‌کم‌تــر باشد طفل فربه‌و چاق باید کمتر بخوردوزیاد حرکت کند وتمر ینا تی راانجام دهد وذخایر کالوری خویش را مصر ف نماید .

بدبختا نه دربازیها و سپور تهای‌اجتماعی طفل چاق به آن‌قسمت از بازی علاقه میگیرد که‌محتاج دوید ن و تلاش نباشد. طفـــل چاق باید بباز یهای انفرادی سوق شودمانند را هروی ها پیـاده گـردیهـا تینس هـای سـاده وسکـی و غیره ایـن نـوع اطفـال رابایدبه جمنا ستیك های خا صی تشویق کردکه باعث نر مش بدن وی شده‌و مشکلات بطنی او را از میان می برد .

اغلب علاوه بر عادا ت غذ ایی و صحـی زندگی طفل چاق باید محیط فا میلی وی‌رانیز تغیر داد فا میلی که اهمیت بیشتری به‌غذا قایل است ودر صور ت خا لی بودن‌بشقابها درآن فا میل غوغا بر پا میشود در خانواده هایی که شیر ینی درآن در حکم چیز فوق العاده است انسا نهایی بمیان می آید کـه حیات شا ن‌مواجه به خطر بوده‌وخود بحالت فربهی وچا قی قرار می داشته باشند.

دوران بلو غ:

دوران بلوغ دوران کلید ز ند گیست‌در طی این دوران هیکل دختران تشکل‌می‌نماید سینه ها قد وغیره اعضای بدن نمایـان‌مـی شود این وضع گاهی از اوقات بایك نظـم وهم آ هنگی خا ص‌تحقق می پذیر دوز مانی نیز بشکل‌نا مطلوب ونا خو شا یند عملی‌می شود این تغییرا ت‌جسمی بدو ن خطر هــم نیست .یکد ختر بالغ در طی چند ماه‌ممکنست ازسینه‌های بزر گ وپاها ی سنگین خویش درمحنت ورنج قرار گیرد دلیل افزایش‌وزن دختران در مر حله بلو غ ممکنست دو چیز باشد.

هورمون و تاثیرات روانی .

بلو غ یك دوره نهایت حساس و آ فت پذیر جسمی و روانی است . در حدودسن ۱۲یا۱۳ سا لگی و گا هی نیز پیشتر ازآن تعاملات زهدان دخترا ن به پختگی‌می‌گراید درحدود هـژده ماه پیش از عـادت ماهـوار غده ها به فعالیت آغاز میکند وو ضع زنانگی جسم تثبیت میشود ودر نتیجه متا بو لزم شحم و جود بر مقدار آب بد ن تعاملا تــی صورت‌میگیرد وهور مو ن فو ل کو لین‌ترشح می نماید این هور مو ن با عث گر سنگـی شدید گردیده ودر ین‌دوره زند گیست کـه دختران پو لهای جیب شان را در راه خرید چاکلیت ها و شیرینی هاو غیره مصر فمی کنند بنابر آن این دوره زند گی‌خیلی خطر ناکست معذالك پس از هژده ماه ز هـدان به‌ترشح هور مو ن دومی آغاز میکند. —

ورق بزنید

زیاد پیشر فته نباشد وما در بدو ن شتاب زدگی و عجله طفلش رابسو ی رژیم غذایی رهنمو نی کند و طفل نیز بنوبه خودآرزویی جززیبا و باریک بدن نداشته باشد موفقیت وکا میابی تداوی تضمین شده است .

درصور تی که شرایط خا نوادگی‌نامساعد باشد و وضع پدر ومادر در جهت مخا لف آنچه باشد که گفته شد طفل دیگر نیازمند تداوی روانی است . این تداوی به تعقیب رژیم غذایی کمك میکند و به بشری شدن دوران مشکل بلو غ مدد می نماید درموارد فوق باید طفل را از خانواده جداکرد.

بهترین پرهیز برای نو بالغان :

نو بالغان افراط کار ند تا مدتی آ نهااز هرنوع خورا کی دست‌می کشند ودر اخیر پرهیز را شکستا ند ه بیك بار کی بــازبه خوردن رجوع میکنند اینجاست که وزن‌بار دیگر زیاد میشود عصبا نیت خستگی وغیره بملاحظه میرسد . رژیم قدیمی هیدرات‌در کاربن راکا هش مید هد ومو جب تقلیل‌شحم می‌شود لاکن پروتیـن وجود را حفـظ کـرده حتی آنرا زیاد می‌سازد درین موارد بهترین رژیم ها ست.

نباید فرامو ش کرد که کلسیوم وویتامین های ضرور ی برای رشد وا نر ژی بد ن حتمی است.هرگاه طفل در کانتین مکتب‌چیزی بخورد مادران راست که برای آنان شامی تهیه کند ،که‌باغذ ای چاشت آنان شبا هتـی نداشته باشد درعین حال مادران باید مراقب باشند که دخترا ن شان به غذا حملـــه‌ور نشوند برای بار یك شد ن‌اندام‌باید همیش چیزی‌خورد منتهی باید بمقدار کم خوردحذف یك‌وقت غذا کار درستی نیست.

برای آنکه عضلات وسا ختما ن و هیکل باآهنگ خا ص‌و متناسب رشد کند نوبالغان باید به ورز ش ها یی نیز دست بزنندهر نوع ور زش خو ب‌است‌بخصوص آن ورزش هایی که سبب انبساط عضلات میشود مثـل والیبال باسکتبا ل شنا و غیره . بـــر ای کسانی که سینه های‌بزر گ دارندجمناستیك لازمست . بسیاری از نو بالغا ن مخصوصا آنهایی که زود تر بزرگ شده اند نمـــی توانند تناسب‌اندام‌خودرا حفظ‌کنندلذاسینه‌های آنهابه طرف‌پایین‌شل‌شده وقامت شان خمیده میگردد در بین۱۲ تا ۱۵ سالگی است‌که‌شبح کامل هیکل نمو دارمیشود در صور تی‌کــه هیکل در ین مر حله زیبا نباشد می توان آنرا با تداو یهای هور مونی وو رزش های گوناگون اصلاح کرد. نتایج این کار ازلحاظ سرعت می تواند دلچسپ باشد د ختر یکه‌در دوران بلو غ باریك اندام بار میا ید بخت‌و شانس آنرا دارد که در طو ل زند گیش ـ باریك اندام بماند .

دوران شادابی زند گی :

زنا نی هو جودند که دربین ۲۰ تـــا ۴۰ سالگی دارای و زن تقر یبا ثابت می باشند، زنان دیگری نیز و جود دارند که بایدپیوسته علیه وزن خویش مبارزه کنند ایـن‌گروه

بقیه درصفحه ۴۳





بالا وپایین: نمونه ازچاقی هـای مـرضی درزن ومرد که تناسب اندام رابرهم‌میزند

پرو ژستران که ضد فولی کولین است‌واین خود پس ازتما ملاتی وزن را از میان‌می‌برد.

بر عکس هر گاه نو بالغا ن در هنگـــام ترشح فو لی کو لین بطور نا مناسب رشد کنند وو زن‌آنهااز۱۵ فیصد بیشتر باشدو سینه هایشان بصورت غیر عادی بز ر گ شود باید فورا دست به اقدام شدوبه دکتور مراجعه کرد درین صور ت دکتور می تواند تداوی هور مو نی رابر مبنای پرو ژمسترون برعلیه فو لی کولین شرو ع کند این نوع تداوی بارژیم‌غذ ایی توام خواهد بود علاوه برآنچه به قسمت هور مو ن گفته شد علت دیگری نیز می تواندافزود ه شود وآن‌احساس عواطف روانی است نو بالغا ن ۱۳ تا۱۵ساله خیلی حسا سند و عصبانی و گا هی نیـــز مغموم می باشند درین هنگام که وی بـــه ساختمان جسمانی خویش آگاهی پیـدامی کنند بعضا از آن متنفر می شوند .بخلق‌تنگی می پردازند وبا والد ین خویش سر ستیز می‌گذارند. چونکه خویشتن را بدبخت ویك موجود اضا فی احساس می کنند بنا بران مادران شا ن را آزار مید هند و بـــر روی خوردنی ها حمله می برند گویا چشم گرسنه میشوند ازسو ی دیگرهر قدر می خورند ـ خویشتن را زشت تر می بینند . درین حال اگربداکتر مرا جعه میکنند کا میابی وناکامی تداوی آنها بر وش پدر ومادر و خود طفل وابستگی پیدا میکند چه در صور تی‌که‌مرض



ماری کوری (۱)

۷ر۱۱ ر۱۸۶۷ـ ٤ر۷ر ۱۹۳٤

چندروز بعدازاینکه پروفیسر بیکوریل (۲) به همکارو هم مسلك خود پیری کوری (۳) ازکشف خویش صحبت کرده بود که (فلزاورانوم دارای خاصیت صدور دایمی تشعشعات مخصوص میباشد) شنیدن این داستان برای میرمن کوری این هدف راتعیین کرد تا اسرار این تشعشعات معمایی ومرموز را کشف کند. به وسیله همین آتش‌افروخته شدهٔ ذوقش وبااین عطشیکه در طول مدت تحصیل کیمیاو فزیك ـ برخود احساس کرده بود در طریق حل این معضله گام برداشت.

این زوج متجسس (پیری وماری کوری) با وجود همه مشکلات وعدم مساعدت شرایط کار مدت ٤٥ ماه بصورت مشترك به تحقیق و تجسس پرداختند. لازم بود «پشبلند» یك ماده معدنی که منبع ایجاد تشعشعی مشابه باتشعشع اورانوم است) بصورت موجود چندین تن‌زیر مطالعه گرفته شودولازم بودظرف های ثقیل و بزرگی بدنبال آن کشیده شودتا مایعات جوشان در پیپ های بزرگ بجریان‌در آید. کار فعالیت پر حرارت علمی رااین‌میرمن لطف باروش فنی مخصوص مرتب‌ساخت.

پنجاه وسه ماه سراسر امید واری سرار رنج وزحمت سراسر مجرومیت و آنگهی در پایان آنها، پیروزی ونیل بهدف‌بوددر سال ۱۸۹۸ این زوج دانشمند ـ اکتشاف متوالی دو عنصر مشعشع جدید پولو نیوم ورادیو را بمردم شناسا ند ،اولی پولو نیوم هدیه وطن مالوف مادام کوری ـ پولند ـ بودودومی رادیوم(مشعشع) بود که یکصد هزار بارفعال ترو مشعشع‌تر از اورانیوم میباشد ،رادیوم عنصری است که تعدادبیشمار مردم صحت وحیات خود رابابد مدیون آن بدانند.

این عنصر برای علم امکان آنرا میسر گردانید ـ تادر ساختمان ماده عمیقتر تحقیق نماید وبینش جدیدی درآن ساحه بدست بشر بدهند.

اما حیات بقیه تجسسات را در این رشته به‌ماری کوری هدیه کرد.

زیرا درسال ۱۹۰٦ شوهرش دریك حادثه ازجهان رفت ، شوهری که سه سال قبل از مرگش ـ به اتفاق او «وبکو ریل» جایزهٔ نوبل رادریافت کرده بود:

تاآنگاه ـماری کوری‌یگانه انسان‌دانشمندی بود که برای دومین‌بار به افتخار بزرگ‌علمی جهان نایل آمد.

اوبدون استراحت وتن آسانی بیشتر کار کرد ودر اکمال و انجام فعالیت مایی پرداخت که بعهده اش واگذار شده بودند ،تا اینکه بواسطهٔ اثر تشعشعی که بکشف آن موفق شده و با آن در مندان را شفا بخشیده بوداورا درگام مرگ فرو برد. او بدینمنوال قربانی اکتشاف پر خیر و بر کت خود گردید.

م، حسین هدی

۱ـ نام اصلی اوماری اسکلو دوو سکارو موطنش‌را برخی الهستان «پولند» نگاشته اند، در سن ۲۳سالگی برای اخذ درجه لیسانس‌علوم از سوربون به پاریس وارد شدو بالاخره درجریان درس وتحقیق به حباله نکاح پیری کوری درآمد.

۲ ـ هانری بیکوریل (۱۸۵۲ ـ ۱۹۰۸) ـ فرزند ادموند بیکوریل استاد فزیك موزیم‌بود. رادیو اکتوینه را کشف کرد وتا زمان مرگ منشی دایمی اکادمی علوم بود.

۳ ـ پیری کوری (۱۸۵۹ ـ ۱۹۰٦) در یك خانوادهٔ طبیب چشم بجهان کشود باوجودیکه دانشمند بزرگ بود مردم او را نمیشنا ختند وی شوهر ماری بود ودر اندازه گیری طول موج اشعه (دون قرمز) آبداعات جالبی کرد.

آرشمیدس

۲۸۵ـ۲۱۲ قبل المیلاد



اینکه مفهوم «وزن مخصوصه»چیست امروز قسمت اعظم انسانها بدان پی میبرندولی باید اندکی‌توضیح‌داد که در واقع در یافت وادراك آن یکی ازبزرگترین کارهای دماغی بشری‌بود.

آرشمیدس دانشمندی که در دماغه‌سیراکوز حیات بسر می برد باین کشف بزرگ تاریخی‌علوم نایل‌گردید.

هیرون پادشاه مستبد سیسلی‌باوی دستور دادتازرگر تاج بزرگ و زیبایی از طلا برایش بسازد ولی‌بعدازانجام ساختمان آن‌حدس زدکه زرگر مقداری ازطلارا اختلاس کرده ودرعوض‌آن نقره را بکار برده است.

چگونه میشد غش طلا را معلوم‌کرد ؟چطور میشد دانست که باایزاد مقداری ازنقره ،طلای تاج او مغشوش‌شده است ؟

هیرون برای‌حل این‌مساله بدوست‌خود آرشمیدس مراجعه کردو تقاضای دریافت نسبت مقدار نقره رادر طلای‌تاج کرد ولی مشروط براینکه تاج‌شکستانده نشود.

مساله ۰این‌دانشمند بزرگ‌راسخت‌بخود مشغول داشت وپیوسته به‌آن‌میاند یشید.

هنگا میکه آرشمیدس ،بطورتصادفی‌وارد حمامی شد ،در حین استحمام‌متوجه کم شدن وزن خود در بین آب ازیك جانب وفرار آب باندازه وزن‌آن، ازطرف دیگر این‌فکررا دروی‌ایجادکرد که حجم یك‌جسم ،متناسب به مقدار آبی است که معادل وزن آن‌ازظرف خارج میشود.

معروف است ،هنگامیکه آرشمیدس‌این اصل مشهور خود را کشف کرد،لخت وعور از حمام بیرون آمدو فریاد کشید :

ـ یافتم !یافتم !

سپس تاج طلایی ومعادل وزن آن‌طلای ناب را حاضر کردند ودر ظرفی‌که‌مملو ازآب بودهردو جسم رافرو بردند امادر این آزمون تاج طلایی‌بابافرورفتن درآب‌مقدار زیادآب رانسبت‌به شمش طلای ناب ازظرف خارج ساخت وبدینمنوال اثبات نمود که‌طلادارای وزن بیشتر است وتاج نسبت‌به‌آن سبك وزن بوده وباایزاد فلز دیگری مغشوش گردیده است.

هنگامیکه آرشمیدس با قدرت‌وتوانایی کامل خویش مشغول حساب‌سطح وحجم اجسام مختلف گردیدبه کشف آن کاملا موفق شد.

اهرام وجرا ثقال که بوسیله‌آنهامیتوان اجسام ثقیل ووزمین راازیك‌محل به محل دیگر انتقال داد ازجمله اکتشافات مهم‌اوست واگرنقطه اتکایی‌به‌آرشمیدس داده میشد آنقدر به‌اکتشافات خویش قادر میگردید که میگفت :

بقیه درصفحه ٦۳





از: (گ .سراب)

شترک و پایتاوه

با

آثار پر ارزش باستانی

تاریخچه مختصر حفریات

باستانشناسی در افغانستان

* شارل مسان هنگامیکه خط السیر اسکندر کبیر رامطالعه میکرد مقاله یی پیرامون نقاط باستانی فغانستان تهیه ونشر کرد...
* درمیان آثار موزیم ، آثار کندنکاری شده شترک ارزش علمی خاصی دارند...
* روز بروز بر غنایم فرهنگی مو زیم کابل افزوده میشود.

قبل ازینکه ،مانند هرهفته ، بسوی موزیم کابل برویم وبه تماشای آثار ارز شمند باستانی وبقایای تمدن های پر افتخار ، عهد کهن بپردازیم ، می خواهم بااستفاده از فرصت ،کمی بر تاریخچه تحقیقات باستان شناسی روشنی اندازیم :

دریکی ازنشریات علمی باستان شناسی، تحقیقات و حفریات را، درین مورد، بدوقسمت نشان داده است.

قسمت اول آن حفریات وکاوش های غیر اصولی از سال های ۱۸۲۴ تا ۱۹۲۲ و قسمت دوم حفریات اصو لی و منظم ازسال ۱۹۲۲ بدبعد. ..

درین نشریه نوشته شده است ، که تاآمدن نخستین دسته ارو پاییان (۱۸۴۲ ـ ۱۸۲۴) واقدام به‌کاوش های با ستانشناسی کشور ما ازلحاظ حوضه های باستانی روی نقشهٔ باستانشنا سی براعظم‌آسیادیده‌نمیشد.

شارل مسان و قتی برای تعقیب‌خط السیر اسکندر کبیر از افغانستان عبور کرد واهمیت بعضی قسمت های باستانی مانند بگرام‌وهده رادید ، مقاله‌یی تهیه کرد ودر سال ۱۸۳٤ در روزنامه انجمن آسیایی بنگال ا نتشا ر داد ...

دراین نشریه،سال ۱۹۲۲ دورهٔ جدیدی در تحقیقات اصو لی وعلمی باستانشنا سی درکشور خوانده شده است. همچنان‌بااسترداد استقلال، افغانستان درسال ۱۹۱۹ جلو گاوش های غیر اصولی راگرفت و ما نع خروج آثار ارزشمندی تاریخی ، به مو زیم های خارج‌گردید.



دونمونهٔ دیگر از هنر مجسمه سازی‌عهد بودایی در بگرام که درجهان از شهرت بی‌نظیری برخوردار است واز آثار بر جستهٔ موزهٔ کابل تشخیص می شود.

شترک و پایتاوه

(ژوندون قبلا درمورد نقاط باستانی ،گزارش هایی ،نشر کرده‌است .)

درمیان آثار موزیم کابل ، بعضی مجسمه ها وآثار حکاکی شده یی ازسنگ شیست که‌یکنوع سنگ مخصوص است. دیده میشود که‌ازخرابه های صومعهٔ پایتاوه کشف‌گردیده

وبه اینجا انتقال داده شده است . دراین آثار هنری که به‌طرز خاصی نگهداری شده‌و از آن‌ها ،بدقت محافظت می گردد ،صحنه‌یی که‌تجلیل واحترام بودا راتوسط بـرا دران ((کاسیا پا)) نشان میدهد ، بسیار دلچسپ ودیدنی است به تعقیب آن صحنهٔ دیـگر، مانند مجسمهٔ دیپا نکارا جتماکا نیز جـالب می‌نماید.

این صحنه های کنده کاری شده، قرابـت بسیار نزدیکی به‌کنده کاری های گندهارادارد واز بسا جهـا ت دارای مـشخـصات نـیز می‌باشد. مخصو صا تجسم و تمثیل تحفـه دهند گانیکه ملبس به لباس های کو شانی هستند.

این لباس یالان بلند و مخصوصی است‌که درتمام نقاط آسیای مر کزی، پوشیدن آ ن معمول ورایـج آنزمان بوده است .

درنشریه رهنمای موزیم پیرامون سبـک این آثار نوشته شده است، که انـدازه و تناسب اشخاصیکه درین صحنه ها، نما یش یافته اند، ضخیم وجسیم بوده و یکـی از عـلا یم خاصهٔ این هیکل تراشی می باشدکه ظاهرا ناهنجار می‌نماید ، و لی‌هنری‌وزیبـا است وهم‌دورهٔ حوزه های بگرام و سر خ‌کوتل به‌شمار می‌رود.

آیین بودا

کلمه ای بودا اساساً به معنـی عـاقل‌و فیلسوف است زمان پیدایش بودیسم قـرن ششم پیش از میلاد در هند است وآورندهٔآن (سیداتاـ گاتو تاما) می باشد.

کتاب مذهبی بوداییان (تری پی تـاکا) (یعنی سه سبد دانش)است

مذهب بودا فلسفه ای از خود گذشتگـی وتصوف است،مبنای اصلی آن‌ازخود گذشتگی وپشت پازدن به لذات ظاهری ومادی جهان است زندگی ازنظر بوداجز رنج‌وتعب ومشقت چیز دیگری نیست .

باید از خود گذشت تابه جهان واقعـی وارستگی وغایت مقصود رسید.

عده‌ای پیروان این دیـن در حـدود ۵۰۰ میلیون نفر است اینان بیشتر درچنین،جاپان ،مغولستان ،وکوریا زندگی میکنند .

شهر مذهبی بودائـیان (لهاسا) نام دارد که‌در تبت واقع میباشد .

پیشوای بزرگ مذهبی آنان (دالائی لاما) است .

بودا بنیان گذار دین بودائی است وی‌از دانشمندان وفلاسفهٔ قرن پنجم قبل از میـلاد است ودر برابر روحانیون فرمالیست برهمائی دیانت جدیدی آورد که بر طبـق اصول آن، زندگی رنج کشیدن ورنج‌کشیدن نتیجه‌عواطف تمایلات است وازخود گزشتگی و صرف نظر کردن از تمایلات شخصی تنها راه رستگاری است.



درمیان معابد ماحول کوه پهلوان دربگرام،معبد شترک از معروفترین معابد دورهٔ هنـر بودایی نمایندگی میکند، مجسمه ایکه ملاحظه می‌شود درجملهٔ آثار قیمت بـهای مکشوفـهٔ مشترک است .

افغانستان درعصر بودایی به داشتن معابدمجلل وباشکوهی معروفیت داشت به نحوی‌که‌می‌شود شاهدی از هنرآن دوره هاست که‌از بودایی یکطرف به دیار چین وجانب‌دیگربه‌سرزمین هندوستان رسیده بود، اثریکه‌ملاحظه‌می‌شود شاهدیی از هنرآن دوره هاست‌که‌از شترك‌بگرام بدست آمده است .

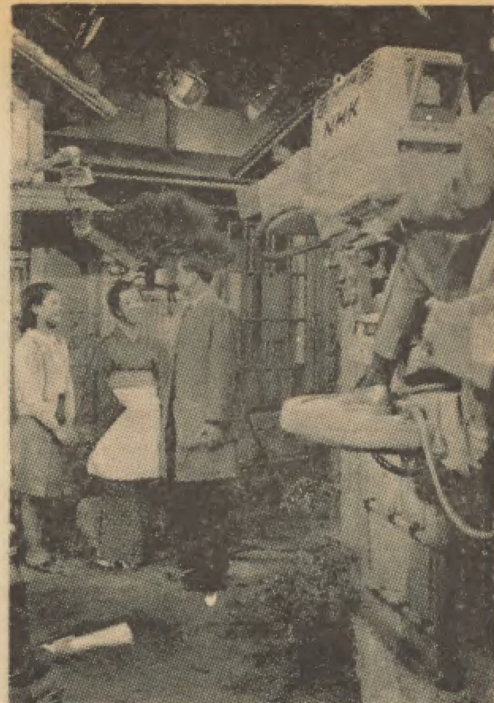


یك اثر نفیس وقیمت بهای دیگر ازشترك بگرام

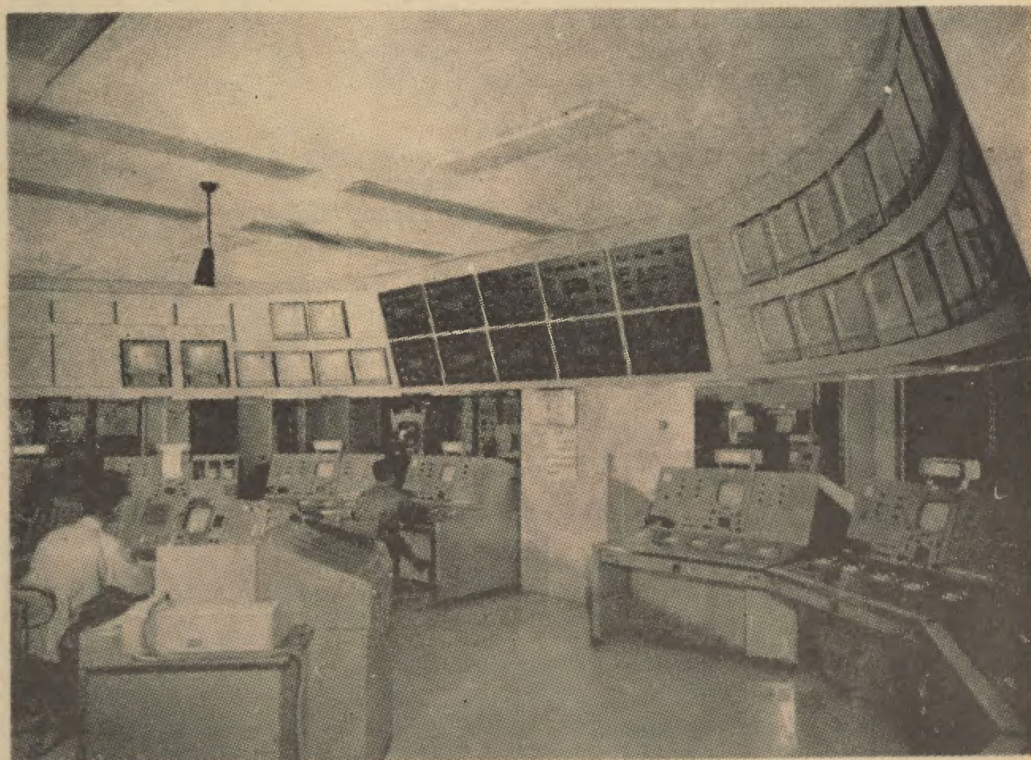
درین زمان قرار دادی باباستا نشناسان فرانسوی به‌امضا رسید، که‌مطابق آن ،تمام اشیای مکشوفهٔ منحصر به‌فرد و آثاریکه از فلزات واحجار قیمتی ساخته شده، بد ون قید و شرط ، به‌موزیم ملی کابل انتقال‌داده شود.

درسال ۱۹۲۲ نخستین تحقیقات مجاز و علمی توسط هیات فر ا نسو ی آ غـاز یافت...

از آن تاریخ تاامروز کماکان تحقیقات و کاوش ها، درین زمینه توسط گروپ هـا ی باستانشناسی ممالك دوست و هیات هـای علمی افغانستان درنقاط مختلف ادامه داردو روز بروز برغنایم موزیم کابل ، می افزاید







دستگاه کنترولر رادیو درجاپان

پیوسته بگذشته

جاپان یا مملکت آتش فشانها

واما درجنوری ۱۹۵۰ فرمانده عالی نیروهای متحدین درتوکیو بدولت جاپان اجازه داد که نیروی پلیس ذخیره‌ائی مرکب از ۷۵۰۰۰ تشکیل داد وقدرت (سازمان امنیتی دریایی) خویش را تاحدود یك گارد ساحلی یعنی ۱۸۰۰۰ نفر افزایش دهد . اینها هستند نیرو های دفاعی امروز جاپا ن .

جاپان یك کشور جزیره‌ای کوچکی است با منابع طبیعی محدود که جمعیتی در حدود ۱۰۰ ملیون نفررادرخود جان داده است . اما باوجود این شرایط محدود وویران شدن ساختمان های صنایع آن درجریان جنگ دوم جهانی، این کشور نه تنها اقتصاد خودرا احیاء کرده بلکه درطی مدت یکربع قرن بدرجه ای به رشد اقتصادی دست یافته که ازین حیث در جهان مقام سوم راکسب کرده است .

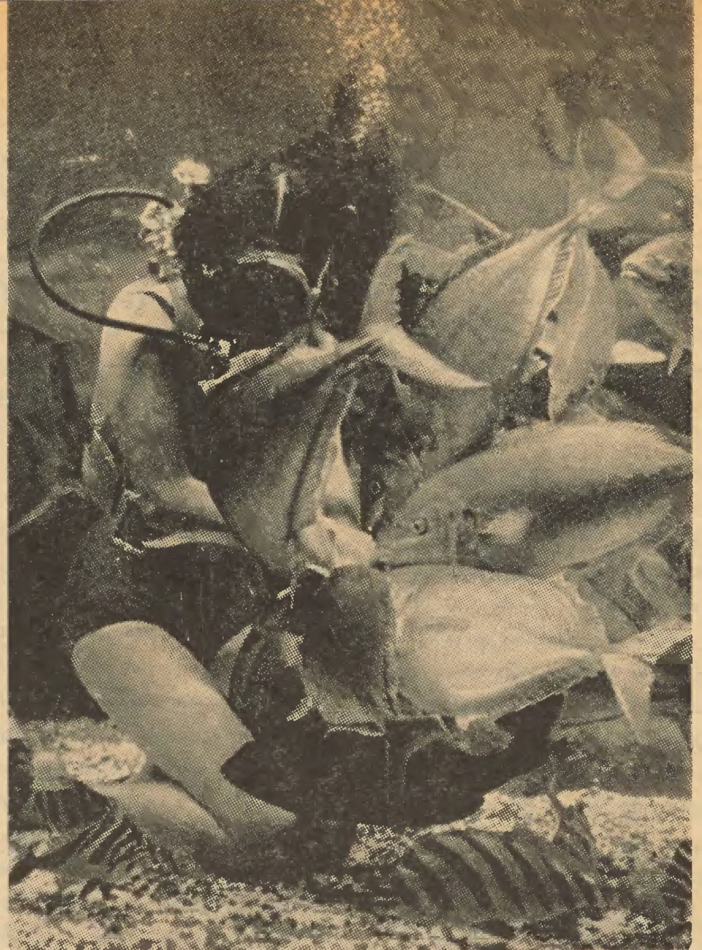
بابوجود آمدن یك نیروی کارگری مجربو منظم به تجدید ساختمان اقتصادی و رشدبعدی آن کمك فراوانی نمود. در جریان پیشرفت اقتصادی سریع جاپان دردورهٔ بعداز جنگ ، نیازبکار گردر صنا یع مدرن سریعا افزایش یافت ودرعین حال تامین کارگر جدید نیز با رسیدن افراد بسن کار وفعالیت و همچنین توسعه وسایل کارفزونی گرفت . عوامل دیگری نیز نظیر رو آوردن گروههای دهقانان‌به‌صنایع بدین امرکمك شایانی کرد . امااکنون تعداد زیاد فارغ التحصیلان مدارس متوسطه که قصد ادامهٔ تحصیل درموسسات آموزشی بالاتر را دارند کمبود کارگر مخصوصا دربین کارگران جوان به نحوی روز افزونی مشاهده شده که درزمینه نبودن کارگر پلانهای مطروحه جاپان به شکست مواجه میگردد .

صیدماهی اززمانه های خیلی قدیم درجاپان مروج بوده وصنعت ماهیگیری رامی توان به سه دسته تقسیم کرد، ماهیگیری ساحلی ، ماهیگیری دوراز ساحل وماهیگیری در نقا ط عمیق .

مروارید، صدف وغیره تاکنون در آبهای کم عمق پرورش می یابد جاپان به عنوان یک ملت ماهیگیرشدیدا بلزوم حفظ منابع ماهیگیری دریائی آگاه است وبرای این منظور اقدامات وسیعی رابرای پرورش مصنوعی ماهی وتوسعه منابع ماهیگیری به عمل آورده است .

جاپان ازحیث منابع معدنی بسیار فقیربوده وناگزیر است مواد معدنی اصلی مانند نفت ، سنگ‌آهن، ذغال سنگ، مس، نیکل، بوکسیست رااز خارج وارد کند، منبع معدنی اصلی جاپان زغال سنگ است مگراین زغال سنگ ازنوع خوب نبوده و برای مصارف صنعتی مناسب نه‌باشد . وجاپان مجبور است زغال مورد ضرورت رااز ممالك دیگر وارد کند .

مواد معدنی دیگر جاپان عبارت از زنگ سنگ سیلیکا، فلدسپار، دولومیت، آرسنیك، بیا سموت ، بیرایت،سولفور، سنگ‌آهك‌وغیره



صنعت ما هیگیری در جاپان خیلی مروج است

می‌باشد .

وضع کوهستانی وبارندگی فراوان این‌کشور راازمنابع برق آبی وسیعی برخوردار ساخته ودربسیاری ازنقاط کشور سدهای کوه پیکری برای تهیه برق ساخته شده است .

استعمال روز افزون وسایل الکتریکی در سراسر جاپان وتوسعه منابع صناعتی نیازی بیشتربه انرژی برق احساس میشود .

تنوع وتکنیک عالی صنایع ماشینی جاپان را تقریبا میتوان درتمام گوشه های دنیا مشاهده نمود. کشتی های ساخت جاپان امروز درتمام اقیانوسهای جهان درحرکتند،کمره‌عکاسی‌رادیو ترانزیستوری ، ماشین های خیاطی که خیلی مرغوب بوده ونیازمندان فراوان دارد همچنان انواع واقسام موترها ، ترین ها یخچالها و غیره سا ما ن و لوازم بر قی که درهرپنج قاره دنیا علاقه مندان زیاد دارد .

همچنان ماشین های نخ ریسی، بافندگی ساخت جاپان به همه‌ممالک آسیایی صادر میشود .

جاپان ازحیث کثرت نفوس درجهٔ هفتم رادر دنیا حایزاست تراکم جمعیت در جاپان درهر کیلومترمربع ۲۷۸ نفرتخمین زده شده بـود درحال حاضر ۷۰درصد مردم جاپان در شهرها زندگی دارند وازین عده ۵۸ درصد درسه شهر عمده یعنی توکیو، اوساکا، ناگویا متراکم شده اند . شهر های متوسط نظیر ساپورو ، سندای، هیروشیما ، فوکوکانیز بسرعت جمعیت راسوی خود جلب می کنداین تراکم جمعیت ناشی‌ازآن است‌که مردم‌جاپان‌به‌نحوروز افزونی دهات وشهرهای کوچك راترك‌گفته ودرجستجوی زندگی بهتر وشرایط مناسبتر به شهر هـای بزرگ رومی آورند .

بعدازجنگ عمومی دوم‌دگرگونی ها وتغییراتی شگرف درزندگی خانوادگی مرد م جاپان پدید آمده واصول دموکراتیك بکلیه شئون زندگی خانوادگی نفوذ کرد .

بطورمثال درسال ۱۹۴۷ برای اعطای حقوق مساوی به زنان ومردان ولغوسنت های کهن خانوادگی درقانون مربوط تجدید نظربه عمل آمد همچنان رشد سریع اساسی صنعتی کشور هم اثرحیرت انگیزی بربنیاد و زمینه حیات روزانه خصوصا درنقاط شهر نشین داشته است

همچنان زن وشوهرقانونا ازحقوق قانونی مساوی درعقد ازدواج، درارث وتصاحب مال وتقاضای طلاق برخودار اند .

تغییراتی شگرف که دراثر بوجود آمدن علم تخنیك درزندگی خانوادگی مردم جاپان رخداده باعث سرعت عمل درپخت وپز، دوخت‌وبرش وسایر امور مربوط منزل میباشد . که همهٔ این مزایا فرصت آسایش وآموزش وپرورش رادر اختیار مرد م جاپان مخصوصا زنانی که سابقا سخت پابند امور خانداری بودند قرارداد باسبك شدن امورخانه زنان کشور توانستند به نیروی مولده به پیوندند . امابابد گفت که زنان جاپان به عنعنه وکلتور قد یمه سخت پابند بوده وبه شوهر احترام بوٌی حصری قایلند .

بعداز جنگ عمومی دوم تغییرات عمده ای دررسم ورواج، کلتور وتغذیه مردم‌جاپان‌پدید آمده است . مثلا مصرف روز افزون گوشت ، شیر ولبنیات دربروگرام غذایی مردم جا ی حبوبات راگرفته است . وهرجاپانی بطـو ر متوسطه روزانه ۲۴۵۴ کالوری و۷۵،۶ گـرم مواد پروتینی مصرف می کند .

همچنان دولت کوشید تامحیط زیست بهتری رابرای مردم جاپان تهیه نماید لهذا بعـد از جنگ کمکهای مالی خودرابرای تشویق مقامات محلی غرض ساختـن خانه هـای کـرایـی برای‌فامیل های بی‌بضاعت آغازکردکه درسال ۱۹۵۰سازمان قرضهٔ مسکن‌بوجود آمدقرضه‌های درازمدت بابهره‌کم دراختیار افرادیکه مایـل به ساختن خانه هستند قرار دهد . سازمـان مذکور ساختن آپارتمان های چند طبقه را در داخل ویااطراف شهرهای بزرگتر که از حیث مسکن درمضیقه بودند بنانهاد، به اثر چنیـن تجویز دولت ساختن ۲٫۷ میلیون واحدمسکونی بابودجه دولت وباکمك مالی دولت انجـا م گردید .

بعداز احیای (می‌جی) درحیات فر هنگی ، آموزش وپرورش جاپان نیز تحولاتی چشمگیر رونما گردید . بدین معنی که تعلیمات عمومی به ٥مرحله تقسیم میگردد، دورهٔ کودکستا ن دورهٔ ابتدایی ، دوره متوسطه ، متوسطه دوم، دانشگاه .

برعلاوه (جونیر کالج) بادورهٔ دوساله نیزبه رسمیت شناخته شده . ودانشگاه های متعددی دوره های (فوق لیسانس) برای‌ادامهٔ تحصیلات عالیتری تامین گرده اند.

دورهٔ تعلیمات ۹ ساله اجباریست . وکتب درسی ازطرف شورای آموزش وپرورش تهیه وتدارك میشود .

کتابخانه ها، موزه ها و سایر موسسات فرهنگی نیزنقش عمده‌ای رادر آموزش وپرورش افراد دارند .

همچنان همه ساله تعداد روزافزون ازجوانان آسیائی برای‌فراگرفتن تعلیمات فنی به‌موسسات صنعتی، علمی، فابریکات مختلف تحقیـقا ت علمی بدانجا میروند .

وسایل اطلاعاتی عامه درجاپان ازموضوعات

بقیه درصفحه ۳۶



صحنهٔ بالا نمایا نگر هنر کلاسیك در جاپان است

قمار بازان قاتل

بقیه شماره گذشته

چگونه این‌قتل مر موزافشامیشود.

منبع‌درباره افشا قتل و متهمین وا قعــه معلو مات داده گفت:

اوایل سا عت شش صبح حادثه ،شخصی موسفیدی بنام فیض محمد پسر خیر محمد ساکن سیاه سنگ برای ادای نماز صبــح ازخانه بیرو ن میشود و جسد سا تنمــن مذکور رابایك میله تفنگچه در کنا ر ش‌در پای آن تپه ، مقابل منز لی که شب درآن بساط قمار پهن بود می بیند فورا جریان‌رابه



حیدر علی ساتنمن پولیس مقتول

پولیس مامور یت شاه شهید اطلاع میدهدواز طریق آن ماموریت قوماندا نی امنیه و لایت کابل از واقعه آن قتل واقف‌وبه شعبــات جنایی هدایت لازم میدهد محل وا قعه تحت بازرسی قرار میگرد بعد از عکاسی از جسدو محل حادثه پو لیس شعبه قتل وجرح - قوماندانی امنیه ولایت کابل تحقیقات اش‌را از اطراف واکناف محل واقعه آغاز میکنــد در قدم‌اول روی علایمی که بدست میایدنخست ازطرف آمر یت تعقیب هو یت مقتول واضح میشودکه او پو لیس‌وظیفه دار آن محل‌بوده واز طرف دیگرنزد پو لیس ثابت نبود که‌آیا قتل حقیقتا در همین ناحیه رخداده ویا اینکه جسد را از محل دیگری در پای این تپه‌نقل داده اند، دیری نگذ شته بود که پولیسان جنایی قوما ندا نی امنیه ولایت کابل‌دریافتند که‌واقعه در همین سا حه رخداده است زیرااز یك‌طرف معلوم شد که دونیم ساعت قبــل قتل رخداده واز طرف دیگر پوچك مرمی‌را بعد از اصابت در دیوار بروی برفها یافتند، که‌روی این‌اصل نخست از منا ز ل دوروپیش واقعه استفسار بعمل آمد کــه در آن شب صدای فیر مرمی راشنیده اند یـاخیـر امـا هیچکدام از صاحبان دور وپیش دراین‌راه‌بـا پولیس همکاری نکردند ولی بااین هم‌پولیس ازتلاش‌باز نماند و تحقیقا تش را در تشخیص اشخاص مجرم وبی بندوبار ی که دراین‌ناحیه سکونت دارد دوام داده ودر و هله اول‌ازدو طفل‌خوردسال پر سیدند که درین ناحیه‌کدام شخص ویا کدام نفر (بد اخلاق) است؟آن دوطفل گفت شخصی در همین نا حیه‌سکونت دارد که اسمش (انور) و مشهوربه‌داراست پولیس برای دریا فت او داخل فعالیت‌شداما بر عکس مشاهده کرد که او لین شبی است که‌انور در منزل خود نیست ، لذا بر ادرش راکه‌درحدود شصت سا ل داشت و ر یشــ انبو هی اطراف رو یش را مستور ساخته‌بود در جریان قرار داد(شخصی که درهمان شب برای قمار بازان دال آورد) در و هله‌اول - برادرانور انکار کرد وخودش را نابلدانداخت ودرقسمت غیبت برادرش هم بدرو غ متوسل شدباز هم‌پو لیس ازتلاش باز نماندوکارش رامجددانه آغاز کرد و ضمنا مز دور بر ادر انور را مورد تحقیق بیشتر قرار داد تا آنکه اعتراف کرد در هما ن شب قمار بازان‌چنددر اتاق انور بوده اند، پو لیس کلید معمارابه دست آورد ودر ظرف هشت سا عت (انور دار، دار) راپیدا کرده مورد تحقیق قرارداد، اما انور دار،دار چون شخص زرنگ‌وچالاك بود، بودنش رادر هما ن شب در محلــی دیگری وانمود کرد که پو لیس بلا در نگ نظر به گفته انور ، دار ، داراشخاص‌آن‌محل را از بودن انور در آن شب در محلو منزل آنها تحت تحقیق قرار داد اما هیچکس گفته های او را تایید نکرد تاخلیل نا م مز دور برادرش که باانور اشنا یی نزدیك داشته است واو هم تاصبح با انور دار،دار درآن اتاق بوده وحتی پرآ مدن‌آنها راجهت‌رفتن‌به حمام وصدای فیر گلوله را نیز شنیده بودبه نزدپولیس اعتراف کرد و ضمنا از نظرمحمد شیرآقا -کریم وسا تنمن مقتول نیز یاد آور میشود که بهمان شب دراطاق انور بـودند واین همان لحظه بود که پو لیس موفق‌میشود ورازقتل مر موز یك سا تنمن پو لیس‌را توسطیکدسته قمار بازان کشف میکند ودر ظرف۲۴سا عت تمام فاعلین قضیه را دستگیر ومورد تحقیق قرار مید هدکه‌ازآن‌جمله‌نظرمحمد پسر عبدالاحد مسکونه سیاه سنگ نیـزهر ایستگاه سابقه سرو یس های شاه شهید - (ع) دکان بخیه گری دارد به قتل ساتنمــن مذکور شر عا اعترا ف میکند ومتذکرمیشود که‌ساتنمن مذکور در کار (جیز گری)او خلل وارد کرده وقمار بازان طر ف اعتماد اورابه مجبس کشانده است که روی آن کینه،اورا بقتل رسانده است .

منبع پو لیس قو ماندانی امنیه ولایت‌کابل درباره دیگر متهمین معلو مات داده‌گفت:

باوصف آنکه خود نظر محمد به قتل - ساتنمن مذکور شر عا اعتراف کرده است شیر آقا پسر غلام علی ، دریور با شنده (شاه شهید (ع) محمد انور پسر جلال‌الدین، مشهور به دار، دار ساکن سیاه سنگ،کریم پسر عبدالاحد مسکونه سیاه سنگ نیز هـر کدام بنو به خود در شر کت قتل‌حیدرعلی ساتنمن پو لیس شر عا متعر ف شده اند، هکذا پو لیس مو فق شد دیگر قمار بازان‌را که در اوایل شب درآن‌خانه در قمار اشتراك ورزیده وبعدا آن خانه راتر ك داده اندگرفتار سازد که هرکدام موجو دیت ساتنمن مذکور رادرآن خانه وانمود و متذکر شده اند کــه درگوشه ای اتاقی نشسته بوده‌ودرقماراشتراك نکرده است که قمار بازان مذکور عبارت از میرغلام حیدر پسر میر اسدالله ، محمداسلم پسر محمد عمر ،سراج الدین‌پسر فضل‌الدین ومحمد یاسین پسر محمد عمرباشندگان‌سیاه سنگ می باشد همچنان خلیل‌پسر میزارمحمد که‌تاصبح با فا علین قتل در اتاق بوده‌وکلید معما قتل‌مرموز یك ساتنمن پو لیس‌رابه‌پولیس بازگوکرد نیزتحت تحقیق قرار داده شده‌است.

نظر محمد قاتل که چهره‌سیاه‌رنگ واندام باریك دارد قضیه قتل سا تنمن مذکوررابه خبرنگار ژوندو ن شر ح داده ودرباره‌سابقه قمار بازی خود که از کدام سال شروع‌کرده است گفت : سه سا ل داشت که(شدمك) رایادگر فت دربنج سا لگی بردوبا خت‌پول‌را ازپدرخود به ارث برد واکنو ن که ٤٥ سال دارد نه تنها ازقمار بازان ماهر است‌بلکه‌از طریق (جیز گری) قمار بازان حر فوی تربیه میکند وبه جامعه می سپارد .

قو ماندان امنیه پولیس‌کابل گفت: حیدر-علی‌ساتنمن به کشف در حدود بیست‌و شش قمارخانه مو فق وفا علین آنرابه‌پنجه قانون سپرده است او را از جمله پو لیسان‌وفادار وسابقه دار وانمود کرده گفت همیشه‌وظایفش رابه پا کی وصداقت انجام داده و چنانچه‌در راه صداقت در و ظیفه جانش را توسط چند تن مفسدین اجتما ع از دست داد، او دارای یك‌خانم وپنج طفل قد و نیمقد بوده که‌فعلا درلوگر زند گی دارند .



خانه ایکه یکدسته از مفسدین اجتماع‌هرشب درآن مجلس قمار را پهن میکردند

قصه ای از غصه ها



کدامین غصه ام‌رابرای شماحکایت کنم، غصه هایم زیاد و بر کدام آن‌ها مملو ازیك دنیا غم بـی‌پایا نیست . نمی دانم چه چیز ی را زود تر شروع کنم، اکنون که قلم را بد ست‌گرفته‌ام صحنه های غم آلود زند گیم یك یك پیش چشمم مجسم اند. هر کد ام بسان موریانه ای باز میخوا هنـــــد وجودم را سو راخ سو راخ کنند واز بین ببر ند،دراین‌جاازهمه چیزمیگذارم، از غربت و فشار آن که هر ر و ز محدوده اش تنگتر و ضیق تر میشود صرف نظر میکنم، از درد های آز ار دهنده ایکه سا لهاست مرا خـور د وخمیر کرده چشم پو شی می نما یم. بهتر است غمی را با شما در میان بگذارم که تازه و عمیق است.

پانزده سال قبل با مر دی ناداریکه شوهرم است عروسی ازخانه وفامیل بعد از عرو سی از خانه و فا میـل و شهر و دیار مؤطن جدا و بیکی ا ز ولایات دور افتاده سفر کردیم..

باشو هرم، باعادت ز شت‌وپلیدش باکار های نا هنجا ر ش با غر یبی هایش ساختم وسو ختـــم و د م نکشیدم.اولین و دو مین فر زنـــدم بدنیا آمدند و زند گی نگبت بار ما هر روز برایم کشنده تر از روز های پیشین میشد. سر انجام بعـــد از چندین سال مسا فرت و دوری ازوطن دوباره به کابل بر گشتیم. اکنون که زندگیم تقریبا سرو سا مانی گر فته وکم کم رو به بهبو دیست بـــلای خانمانسوز وویران کن دیگری بـــه سراغم آمده است، آن چنان که‌دست وپایم را به ز نجیری بسته است.

شوهرم‌میخوا هدزن کند، میخواهد با هوس طفلا نه اش حیات مـن و مشتی از فر زندانش را به خا ک‌سیاه بکشاند. اشك ها، التما س ها،ناله‌ها و گریه هایم در دل سنگش اثر نکرد او بیر حمانه تر از سابق با من رفتار میکند و صبح وشامی نیست کـه‌ـــ با مشت و لگد سر و صورت وپهلو هایم را نو ازش ند هد ونگوید:

– من دیگر خسته شده ام،محا ل است که زن نگیرم.

اکنون دست تمنا و یاری کمـك بسوی شما دراز کرده ام لطفارهنمایی ام کنید.

خواهر عزیز!

این فریب خوردن ها که با جلوه های مکر وحیله شکل گر فته است آنی وزود گذر می‌باشد. شوهر تان بدون شك حتما روزی بسوی شـما خواهد آمد ولی چه بهتر که بافامیل دختر داخل مفا همه شوید وازداشتن فرزندان خورد و کو چك تان آن‌هارا مطلع سازید ازگذشته ها، ازفداکاری ها، از مسا فرت ها واز جوانی ایکه بپای چنین مر دی مدا کره کرده اید باایشان بی پرده صحبت کنید، یقین است که آنان بحیث انسا نـها ی باضمیر ووجدان این غم شما را درك ودر مان میکنند، بعد هم بهتر است

بقیه در صفحه ۵۳

تهیه وترتیب از مریم محبوب

وندون ومردم



وقتی از تاسیسات دروئته بسوی شهر جلال آباد پیش میروید در جانبه راست سـرک موجودیت ادارهٔ اطلاعات ترافیک از نظـم ترافیک در شهر بشما حکایت میکند



زر گری از پیشه های تاریخی‌وهنری‌کشور ماست

برای رفع سبوسک مو استعمال بعضی‌شامپوها، کریم‌ها، مرحم‌ها راتوصیه‌می کند.

راپور از: ر. اسعد



یک عدهٔ مانکن هاکه درصالون نمایش مو اشتراک داشته

آرایش‌مودر کشورهای‌پیشرفته شکل‌اکادمیک‌وعلمی را بخود گرفته



عکس آشپز خانه ودیدن از طباخان یکراز رستورانهای شهر را نشان میدهد که به طبق اساس های صحی نیاز دارد.



زراعت ما وزارعان ما اکنون به ماهیـــت کود کیمیاوی در بلند بردن حاصل معرفـــت یافته اند .



به آرایش سر وصورت همه

آرایش غلیظ صرف‌برای

هنر پیشه ها ی سینما تلویز یون وستیژ مجاز است

سالون آرایش مو یا «فیشن شوئـــی مو» بتاریخ ۱۰ حوت به مناسبت تجلیل از سال بین المللی زن در صالون هوتل کابل‌برگزار شد که یک‌عده ازخانم های (مودیست) یامود پرست وعدهٔ کثیری از علاقه مندان هنر آرایش مو درین محفل اشتراک ورزیده‌بودند.

در حالیکه صالون هوتل بانظم خاصـــی آراسته شده بود ستیژی بزرگی نیز دریـــک گوشه آن جلب نظر میکرد که برای گروه‌های هنری تخصیص داده شده بود .

بعداز آنکه میرمن حفیظه عظیمی مالـــک آرایشگاه کابل محفل رابا بیانیه اش‌افتتاح نموداز تشریف آوری مهمانان وعد شناسان قدر دانی نموده وچنین آغاز کرد .(آراستن سرو صورت از بدو شناخت بشر جزلاینفک زندگی انسانها بوده بخصوص برای خانم‌ها جزئی عمده واساس زیبائی محسوب می شود هنر آرایش مو در کشور های پیشرفته بـــه شکل اکادمیک وعلمی‌رابخودگرفته که‌پرداختن باآن مستلزم دقت وتوجه فراوان بودموواردنبودن درین علم خطرات بسیار جدی رادربر دارد .)

درختم بیانیه، نمایش مدل موی تـوسط یکنفر از مانکن هاکه بالباس ملی وستایـل «قره باغی» ملبس بود آغاز گردید ومدلها ی مختلف دیگر از قبیل (نیاگارا ،جیپسی ،گوریا، فرنیج بنگل، فنگدویف) ودومـدل جـدیـد عروسی که توسط مانکن های داخلی وخارجی بمعرض نمایش قرار گرفت باحرکات موزون ازبین تماشا چیان عبور نمودند .

بعداز ین نمایشات میرمن حفیظه در بارهٔ قیچی نمودن موو‌ارتباط آن‌با انساج توضیحات مفصل داده ودر حضور تماشا چیان مـــوی یکی از مانکن ها رابامهارت خاص‌وسرعت‌عمل قیچی‌نمودهمچنان پیغله‌حمیده‌یکی‌ازکارکنان‌این آرایشگاه که تحصیلات تخصص رادر اطریش تمام گرده نمایشی جالبی رابا مساژ نمـودن روی یکی از مانکن اجرا نمود .

درین نما یشات اناسر پروگرام‌مرتب تخفیـف بیست فیصد آرایش مـو و مساژ نمودن صورت را برای طبقهٔ منور وروشنفکر اجتماع (معلمات ،محصلات ومتعلمات) اعلام می نمود .

بعد از ختم پروگرام نامه نگار ژونـــدون موقع رامغتنم شمرده‌وسوالات خودراAاینطور مطرح نمود :

خوب میرمن حفیظه چه انگیزه سبب شدتا صالون آرایشی رادر هوتل کابل تاسیـــس نمائیـــد ؟

وی در حالیکه سرو وضع خیلی آراستـه ومرتب ولباس نسبتا باارزش در برداشـــت باادائی خاصی جواب داد :

از طفولیت‌به هنررسامی ،موسیقی وآرایش سرو صورت علاقه فراوان داشتم ولی‌نظربه شرایط محیطی ومناسبات کهنه کـه زنـــان افغان رادر چار چـوب خـرافـات وتعصبات محبوس نموده واستعداد ش را محدود ساخته بود نتوانستم در دورشتهٔ موسیقی ورســـم استعدادم را تبارز دهم مگر چانس بمن‌روآورد وبا مرد آید آلـم ازدواج نمـودم کـه‌وی در شگوفان ساختن استعدادم مرا کمك نمود .وبه آموختن رشته آرایش مو وصورت پرداختـــم که‌اکنون نتایج این کوشش هاو تلاش هایـــم سود مندو قناعت بخش است .

ازاو می پرسم لطفا بگوئید که‌در قسمت آرایش مو وصورت درکجا وتاچه حدتحصیل نموده اید .

بدون اینکه به ذهن خود مراجعه نماید.به صحبت خود اینطور آغاز نمود :تحصیـــلات تخصصی را در یکی از مکاتب مسلکی لندن به‌پایان رسانیده ام ودرختم تحصیلات‌دوساله موفق بدر یافت دیپلوم گردیدم ، همچـــنان دررشتهٔ قیچی ودیزاین که بااهمیت تریـــن بخش آرایش است نیز دیپلومی بدســـــت آوردم .

میرمن عظیمی چنین علاوه کرد: درقسمت مواد کیمیاوی که ترکیب رنگ‌هاوتداوی‌مورا دربر میگیرد چندین کورس را تعقیب نمودم وهمچنان درقسمت (مودینگ) که‌عبارت‌ازژست های مخصوص مانکن هـا و طـرز آرایـش هنر پیشه های فلم وتلویزیون در روزوشب است دیپلوم پروفشنل حاصل نمودم .

ناگفته نماندکه بااشتراکـم در یکـــی از مسابقات‌ستایل مود در لندن کپ بزرگـــی به‌عنوان قهرمان مسابقه بمن اعطا گردیـــد. واکنون‌نیز کارت‌عضویت فدریشن‌بین المللی مکتب (موریس) رادارم که بااستفاده ازآن‌می توانم همه ساله در کنفرانسها ئیکه صبغـــهٔ بین المللی داشته باشد اشتراك نموده واز انکشافات جدید فنی آرایش مستفید گردم.

خوب میرمن‌حفیظه شماکه دیپلوم تخصصی در قسمت آرایش مو ،رنگ وتداوی موداریـد لطفا در بارهٔ سبوسك مو که یقینا همـــه خواهران ماطالب دانستن آن‌اند چیزی‌بگوئید.

مسلما نمی توان یك معالجه قطعی بـرای شوره ،سبوسك وموی خوردگی تجویزنموده ولی موادیکه بدسترس آرایش گران موجـود است عبارت از بعضی شامپو ها،کریم هـــا، لوسیو پنها، مرحم هاو غیره بوده که‌شامپوی طبی یـکی ازمعرو فتریـن مـحصولات است که بااستفاده از آن مو تمیزگردیده وقشـــر نازکی از مواد ضد عفونی روی پوست سـر بوجود می آید ،همچنان مواد دیگری ازقبیل (هکزا کلورفین وتیمول) مورد استفاده قـرار میگیرد که خیلی مفید است مگر مواد فـوق تا اکنون در افغا نستان مـوجود نیست وامیـد واریم به کمك مکتب (موریس) بدسترســـی آرایشگاه قرار گیرد .

میرمن عظیمی در مورد آرایش غلیظ خانم‌ها چنین ابراز عقیده می کند :

آرایش غلیظ صرف برای هنر پیشه هـای سینما ،تلویزیون وستیژ مجاز است کـــه این موضوع مربوط خـلاقیـت و نـو آوری آرایشگر است که باسیستم جدید عصـری‌و بصورت‌طبیعی باآراستن بپردازد .

سوالی آخری رابا پیغله حمیده که‌وظیفه مساژ رادر آرایشگاه به عـده دارد مطـرح نمودم‌وایشان درمورد طروق استفاده‌ازماشین های برقی مساژ چـنین پـاسخ داد . قبل از استفاده ازمایش مساژ لازم است تابادر نظر داشت قواعد مخصوص‌طبی ومشق‌وتمرین متداوم عضلات نرم‌شده وجریان خون سریع گردد وبعد ازآن قسمت های (چاق) بدون‌آنکه به ماشین تماس نماید مساژ گردد هر گـاه این مساژ طبق پروگرام لازمه صورت گیرد نتایج مطـلوب ببار می آیـد وی همچـنان افـــــزود :

فعلا در آرایشگاه کابل سه پایه ماشیـــن برقی مساژ موجود است واما سایر ماشین‌ها وتجهیزات مدرن دیگر عنقریب میرسد .

شبهای توفانی

از : محمد آصف (امتیاز)

همه جاتاریك بود، ظلمت شب دامن‌گسترده وجهان درکام سیاهی فرو رفته بود. قطرات سردودرشت باران، باشتاب پائین می آمدند، آسمان غرش میکرد وباصدای مهیبش رگهای زمین رامی لرزاند .

صدای غرش امواج خشمگین دریا، در میان درختان بلندبالا وپرشاخ وپنجه ای، سرخ بید هاوسپیدار هامی پیچید .

امواج مستی می‌کرد . حبابها وکفها، بروی امواج مانندی سفینه هائیکه با توفان دست و گریبان باشند ، سرازیر میشدند .

دریای‌کابل توفانی شده بودوامواج‌خشمگین وسرکش ، ازلبه های آن به‌کشتزار های مردم چاردهی سرازیر میشد .

درجاهائیکه دریا ازنزدیکی خانه ها عبـــور مینمود ، مردم درخانه های شان صدای غرش امواج رامی شنیدند . امواج دیوانه وار سر برسنگ ها میزدند وشادمانی میکردند.

صدا بهم خوردن امواج، فرود آمدن باران وشرپ شرپ جپه های کناردریا، در فضـای بی انتهاوتاریك تادور دستها، گوشهای مردم رانوازش میکردند .

اکثرا درماههای جوزا دریا اینگونه توفانی میشد .

عذرا ساکت وبیصدا، اززیر شاخه هـا ی سرخ بیدهای انبوه ردمی شد . ودر کام‌سیاهی همراه باتنه های جسیم درختان کهن سال فرو میرفت .

زمانی ناله میکرد وگاهی هم خاموش بـه اطرافش نظر میکرد وازتاریکی وتنهایی لذت بخصوص میبرد . صدای غرش امواج وشیون شاخه های ضعیف اورا بخود میخواندند واو درمیان سیاهی ها چون شبحی درحرکت بود. دربیست قدمی دریا ایستاد .

به تنه‌ای درخت کهن سالی تکیه داد، بتندی نفس می کشید ، درحالیکه به درخت تکیـــه داده بودبی اختیار چشمانش درمیان سیا هی های پریشان راه می کشیدندوگوشهایش را زمزمه‌ای شرشر باران نوازش میکرد .

ازیك چیز هراسان بود وخجالت می کشید زیرا بعداز لحظه‌ای مادر میشد ودرین بـــاب احساس عجیب داشت : با آنکه میدانســـت حامله‌است ، اماهرگز قبول نمیکردکه چنیــن باشد. اگرچنین اندیشه‌ای دردماغش راه‌میبافت مانند طفلی گونه هایش سرخ میشدند واشك درچشمان زیبایش حلقه میزد .

هنوز پانزده سال داشت وباورش نمیشد که به‌این زودی. آنهم بدون شوهر صاحب طفلی شود. امـا اگر باور هم نمیکـرد دروجودش موجود زنده ای دیگری جوانه زده بودوحالااو ازدردش بخود می پیچید. زمانیکه اینهارا به چشم واحساس میدید ودرك میکرد، نسبت‌به خودش احساس تنفری عجیـب دراو زبـانـه می‌کشید .

همینطوریکه به تنه ای درخت کهن ســا ل تکیه داده بود،جزتنه‌ای درخت شده‌بود.حرکت نمیکردقطرات سردباران لای‌زلفان‌سیاه‌وانبوهش میدویدند واز سر اشیبی پستانهایش پائین میرفتند. لباسش ترشده بودوسراپای وجودش ازسردی کرخت شده بود .

اوبگذشته ها پرواز کرده بود وسردی ایام راحس نمیکرد، حتی دردی راکه چند لحظـــه پیش ازشدت آن بخودمی پیچید، کمتراحساس میکرد .

بگذشته هاپرواز کرده بود وآخرین صفحات گذشته ای سیاه وسردش راورق میزد .

گاهی نسبت بعمل خود، خودرا محکـــو م میکردکه : چرادرمقابل ظفرخان مقاومت نکرده بود؟ چراگذاشته بود دامنش راسیاه سازد ؟

وگاهی هم یك فکرلعنتی دیگرکه، اززمانهای خیلی طفلی ازمادرکلانش به او تزریق شده بود، اورا می آزرد مادر کلانش قصه هـای مردمان قدیم راطوری که شنیده بود ، میکرد: مردان حق داشتند بامزدور های شان، باکنیز های شان هرچه می خواستند بکنند ، اومزدور حق اعتراض رانداشت، واین امرازبس توسعه یافته بود مردم آن زمان کنیز های صورتی نگاه میکردند .

بخاطر می آورد که بعداز مرگ پدرش ، چطور از فقر وهلاکت فرار کـردند، چطـور مسکن اصلی خودرا، فقط بخاطر زنده ماندن ترك کردند، ورنه کافی بودمانندی صد هـای دیگر، بدون کفن دفن میشدند ودر خاکهـای سردمی آرمیدند . اماآنها خاص بخاطر زنده ماندن فرار کردند، مادرش مزدور نانوا شد و اوهم مزدور یك شکم گنده ای نوعروس .

حالادیگرآن احساس رادر مقابل زندگـــی نداشت، درمقابل زنده ماندن بی تفاوت بود، ازهمه چیز متنفربود، ازهمه چیز !

اززندگی که بخاطر آن ازمرگ فرار کرده بودند، ازمادرش که بجزازاو دیگـر کسی را نداشت واز خودش که اینقدر بدبخت وسیاه روز بودواز انسانهائیکه افسار هوس بگردن داشتند .

اما یك کلمه همه احساساتش را پا مال میکرد وآن اینکه : مزدور بود، ازطبقه محروم اجتماع بود، وبخاطرآنکه زنده بما نـــد ونان بدست بیارود باید از همه چیز بگذرد، همـه چیزرازیر پاگذارد .

واینراتجربه ها باو آموخته بودند .

باری بخاطر می آوردکه ظفرخان بالای زن خودفریاد می‌کشید، بهانه می گرفت، تهمـت می بست، لت وکوب میکرد، وبعدازیك چاشنی پرخاش فوق العاده ، خانمش قهر کرده خانه پدر خود میرفت وظفرخان هم بدیدار معشوقه هایش .

دراوایل این وضع برای عذرا دشوار تمام میشد ورنج میبرد، اماگذشت زمان آنرابی‌تاثیر میساخت واوهم بعدها عادت کرده بود .

روزی رابخاطر آوردکه ظفرخان زنش را به تهمت‌گرفته بعداز غالمغال مفصل وزد وخورد بامزه ازخانه بیرون راند .

آنروز هم «هما» خانه پدرش رفت،ظفرخان دوباره خوابید وعذرا مشغول رسیدگی به کار های خانه شد .

حوالی ظهربودکه عذرااز جاروب کردن و ظرف شستن فراغت یافت ، هنوز دمی آرام نشده بودکه فریاد هیبتناك ظفرخان بلند شد .

ـ عذرا ـ عذرا ـ آب یخ بیار...

عذرامیلرزید، هیچگاه ظفرخان بالایش فریاد نکشیده بود، طفلك بزودی آب سردآورد . ظفرخان آب راتاته نوشیده وبالحن خشن گفت:

ـ بشین ـ اینجه سرچپرکت بشین !!

عذراسراز پانمی شنا خت ، ظفر خان خشمگین بود ودرین مواقع بیشتر شبیه حیوان های درنده میشد . عذرامجبور بود اطاعت کند ازترس میلرزید، حواسش پریشان بود، فکر میکرد خطایی بزرگی کرده است، وطاقت‌دیدن ظفرخان راهم نداشت .

چشمان میشی ظفرخان برق میزد ، بینی درشتش درمیان عضلات متشنج رویش برجسته مینمود . هیچگاهی ظفرخان رادرچنین یك حالتی ندیده بود، مو هایش پریشان بود وبه چهره پهن وپوست گندمی اش با بروتهای لمیده، درزشتی قیافه اش کمك میکردند.

عذرا بابینی کوتاه، چشمان تنگ و مو های درشتش‌که چون مارهای به دو طرف گردنش آویزان بودند، درنظر ظفرخان ز یبا جلوه میکرد .

ازچشمان ظفرخان برق شهوت و هوس می جهید، درچهره ای عذرایك گریز پنهانی رامییافت که درصید های دیگرش کمتر یافته بود. عذرا سرش راپائین انداخته بودتاپاهای عریان وبدن کاملا برهنه‌ای ظفرخان را نبیند، دیگر نمی توانست طاقت بیاورد.

دستی راروی شانه هایش احساس کرد ، بطوری‌که خود هیچ حس نمیکرد بروی بستر کشیده شد یك‌کرختی عجیب سراسر وجودش را فرا گرفت .یك رخوت وخستگی عمیق‌راکه هیچگاه دچار آن نشده بود دربدنش احساس کرد .

گلویش بند آمده بود، تنها چشمانش میدیدند ووحشت دردلش جوانه می زد، امااوهیچ‌حرکتی نمیتوانست ، بطرز عجیبی هپنو شده بود حتی نمیتوانست دستهایش راحرکت بدهد، سراسر وجودش سنگین شده بود، آنقدر سنگین که اوتحمل برآمدن اززیرآن بارسنگین، رانداشت.

دندانهای زشت وبدریخت ظفرخان نمو دار میشد، لبهایش حرکت می‌کردند، عذرا چیز ی نمی شنید، شاید ظفرخان خنده می کرد . اما عذرا فکرمیکردحس شنوایی اش‌را ازدست داده باشد .

عذرافکر میکرد این هاهمه کابوس های وحشتناکی هستندکه بسراغش آمده اند ، بسااوقات شده بودکه درخواب سایه پخش کرده بودش ، وحالا هم انتظار بیدار شد ن ازین خواب سنگین رامی کشید. نفسش بند می آمد وپلکهایش سنگین میشدند ، وسستی وبی حالتی عجیبی سراسر وجودش رافراگرفته بود درپشت لبهایش سردی غرق را احساس می کرد وپلکهایش آهسته درهم قرار گرفتند، کم‌کم ازحال میرفت .

صدای غرش رعده رشته‌ای افکارش را گسست، پلکهایش بسختی ازرویهم فا صله گرفتند، هواسرد بود واین سردی تا انتها ی قلبش‌ادامه داشت .

سستی وکهالت برتمام بدنش مسلط بود ، فکر میکرد بزودی صدای ظفرخان را خواهد شنید، لااقل نفس کشید نش راحس خواهد کرد. اماافسوس که‌سرنوشت اورا مغلوب‌نموده بود واو محکوم شده بودکه باید ، در حالیکه شکم دارهست ازخانه بادارش رانده شود، اوبامرگ خودلکه نام بادار راپاك کند، وچه بساخوب که درین مواقع کمتر مردم سکه‌تهمت رابنام بادار میزنند هرچه هست همین مزدور هست وبس . ورنه با قدرتی که داشت میوانست لااقل بیگناهی خود راثابت‌سازد.

عذرا خودرا درمحیط دیگری یافت ، هوا آنقدر کثیف نبود، دیگر سنیگینی جسم پر گوشت وگنده‌ای ظفرخان را روی سینه‌هایش احساس نمیکرد ، قلبش به شدت می تپید، به‌اطرافس نظرکرد، دردل تاریکی ها ، دردل نیره‌گی‌های اطراف خودیك آرامی و لذت عجیبی احساس کر د .

روحش آرام شده بود، نمیدانست چه‌میکند، شایدهم حرکت می‌کرد ، بیحالتی عجیبی سراپایش رافرا گرفته بود. بکنار دریا رسید، جبه های کوچك درمیان پنجه های پاهایش میرقصیدند ، امواج مستی میکردند و صدای بهم خوردن شان دراو آرامش خاطر تزریق میکرد، میخواست چشمانش را ببندد تا این آرامی راکه درچند قدمی اش ، مانند رویای پریشان جلوه مینمود لمس کند، نگذاردبرهم بخورد . چشمانش رابست ، فکرنمیکرد دیگر دردی دروجودش باشد .

درفضای پرنشاطی خودرا یافت ازیاد برد که چندلحظه پیش ازشدت دردناله میکرد، او کاملافراموش‌کردکه پیش ازین زنده بوده است یك آرامی عجیبی که همه افسرده‌گی هایش‌را رفع مینمودبراودست یافته بود، چقدرافسوس میحورد که چراپیشتر ازین، به دنیای آرامشها راهی نداشته بود، دیگرمیل نداشت چشمانش راباز کند .

امواج غرش میکردند وتوفان لحظه به لحظه شدت میگرفت، دریاچه هابهم مصاف میدادند ودربین هم مزج میشدند ، جسد بیجانی در پیشاپیش شان درحرکت بود، امواج باقربانی خودمیرقصیدند و دیگر عذرا نمی خواست کوچکترین حرکتی‌کند، نفس هم نمی کشید تا آرامشی راکه بعداز دیرزمالی به آن دست یافته بودبرهم نخورد .

پایان



بقیه صفحه ۲۹

جاپان یا ...

اولیه بوده فعلا تقریبا ۵۱ ملیون روز نامه یومیه درجاپان وجود داشته که صبحانه و عصرانه چاپ میشود برعلاوه نشریات هفتگی ماهانه ومجلات دارای روز نامه های ملی، منطقه‌ای ،ورزشی باتیراژ زیاد منتشرمی‌گردد. جراید چاپ انگلیسی مجموعا ۱۱۱ روز نامه ۸موسسه خبرنگاری ، ٤٤ شرکت رادیو و تلویزیون وجود دارد .

رادیو وتلویزیون ونیز جراید و غیره وسایل ارتباطی اهمیت بسزایی دارد .

جمعا ۸۸۷ دستگاه تلویزیون و۱۵۵ دستگاه رادیویی درنقاط مختلف جاپان موجود است .

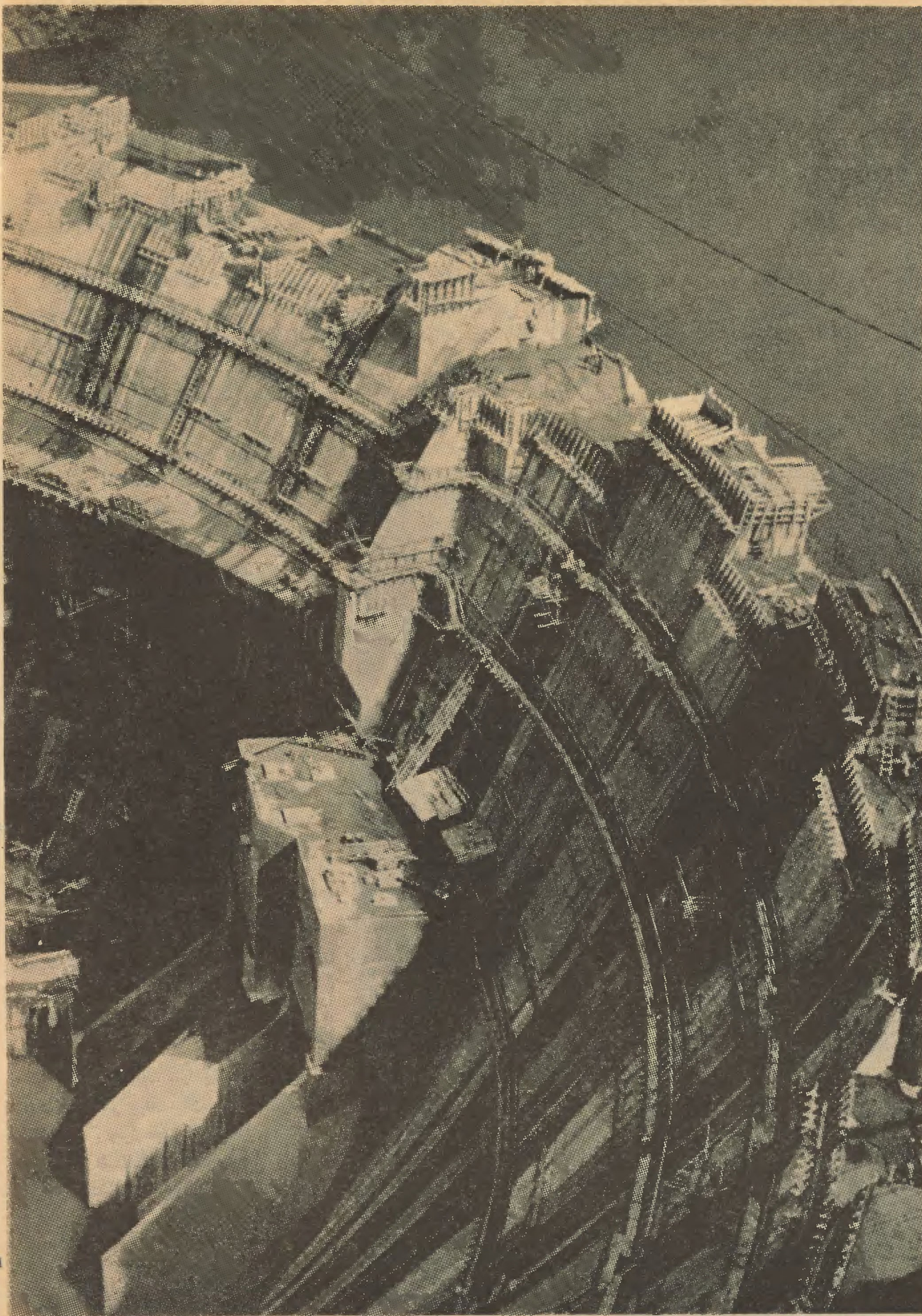
همانقدریکه سنت های جاپان ریشه داراست هنرآنهم متنوع است . لهذاجاپان کشور هنر های زیبا نامیده میشود ومطمئنا در پر تو استغنای شاهکار های گذشته و دلبستگی وتنوع فعالیت های هنری امروزیش استحقاق چنین شهرتی راهم دارد ، قدیم ترین اشیاء هنری جاپان‌که تاامروز باقیمانده اجناس گلی است که به عصر حجرمیرسد ومجسمه های رنگی بزرگیست که مربوط دوره های دیرتر میباشد این مجسمه (هانی دوا) خوانده شده وازمقابر قدیمی بدست آمده، واز آنجاییکه نمونهٔ هنر اولیه است ارزش فراوان دارد همچنان معبد مقدس (هوریوجی) که در نزدیکی (نارا) موقعیت داشته واز قدیمترین بنا های چوبی‌دنیاست نقاشان بارنگ های روشن وطرح های پراز ریزه‌کاری هنر خویش را ابراز میداشتند حتی در هنر معما ری امروز جاپان میتوان آثاری ازنفوذ سنت های دوره کاماکورا مشاهده کرد .

جاپانی هاعلاقه مفرطی به‌کمال هنری نشان میدهند نمایشگاه های هنری فراوانی درسراسر جاپان وجوددارد، قد یمترین نمایشگاه هنری جاپان نمایشگاه سالانه (نیتن) است .

عشق جاپانی به هنر وطبیعت در بسیاری ازشئون زندگی روزانه، نظیر معماری و رواج هنرگل آرائی وغیره همیشه در حالت تبارز است .

ادبیات معاصر جاپان مانند بسیاری ازچیز های دیگر قدرت خویش راازمنابع‌غنی‌گوناگونی نظیر نفوذ کلاسیک چین باستان، تنوع‌اندیشه های غربی خصوصیات پردوام سنت خویشتن گرفته است دواثرادبی جاوید برادبیات امروزی جاپان نفوذ عمیق داشته‌اندیکی ازآنها(کوجی‌ها) ودومی اش (مالن یو شو) است که گلچین اشعار بوده ودرسال ۷۷۰بعداز میلاد تنظیم‌شده (تاکه سوری مونوگاتاری) که تاریخ تحریر آن درسال ۸۱۱ میلادی بودبه عنوان اولین ناول جاپانی تلقی میشود وبعدازآن (جنجی مونوگا تاری) افسانهٔ جن جی است که داستان عشقی بوده وزندگی درباری قرن یازدهم را تشریح می‌کند. این کتاب بوسیله یکی از خانم هاکه درزمره نویسندگان وشعرا بودند نوشته شده.

صفحه ۳٦



کشور جاپان نه‌تنها از لحاظ گل پیرایی‌وصنایع ظریفه درجهان شهرت دارد بلکه‌ازلحاظ تخنیك معاصر وسیر سریع صنایع اهمیت به سزایی کسب نموده ودر جملهٔ‌کشورهای بزرگ مؤلد ماشین آلات ثقیل‌وخفیف والکترو تخنیك بحساب میرود. جاپان باداشتن منابع سرشار آبی درجهت‌تولید نیروی برق به پیشرفت های نایل‌شده‌است عکس سد عظیمی را درحال ساختمان برای هیدرو الکتریك برق نشان میدهد.

بقیه صفحه ۳۹

چاقی کاذب

رژیم دارای کالور ی قلیل :

طور یکه ازنام آن هو ید است ر ژ یمی است که با کاهش مقدار کا لوری روز انه توام است . کا لوری‌واحدمقیا سی است‌که ارزش انر ژی تیك عناصر غذ ایی‌را تعیین میکند،ترتیب فهرست وارعناصر غـذ ایی براساس ارقام می تواند غذ ای خوبی‌را ـ برای شما تنظیم کند ، فکر کنید که‌باکاهش یکصد کا لور ی شما ی توانید از۱۳ تا۱۵ گرام وزن خو یش را از دست بد هیدهرگاه می‌خواهید وزن زیادی را از دست بد هیدبا غذای شرو ع کنید که ۸۰۰ کا لوری رااحتوا می‌کند.

رژیم هید رات دو کاربن بشکل کنترول شده‌آن :

درین رژیم تمام آ ن عناصر یکـــه‌از هیدرات دو کاربن و گلو سید متشکل است نفی شده است ودر عوض قسمت اعظم‌غـذا مرکب‌ازعناصر پرو تین دار می باشد عناصرکه ـازغذا باید حذ ف‌شود عبار تست از:

ـقند صدفیصد .

ـشیرینی باب‌مرباو عسل بیسکو ت نان قندی که ۷۰ تا۸۰ فیصد هیدرا ت‌دو کار بن دارد.

ـمیوه خشك مثل زرد آلو و غیره که بین ۶۵تا۷۵ فیصد دارای گلو سید است.

عناصر ذیل را باید درغذا ابکار برد:

* گوشت وما هی

*سبز یجات وتر کاری تازه به استثنای

*لبنیات و پنیر به استثنای شیر خشك

*رو غن و مسکه .

رژیم هی پر پرو تین:

درین رژیم صر ف آن غذ ایی اجازه‌داده میشود که ازنقطه نظر پرو تین غنی‌است‌مثل گوشت‌لبنیات‌و بعضی از تر کاری هـــای خشك این رژیم دو امتیاز دارد : پرو تین بشکل شحم ذخیره نمی شود ودوم بدون آنکه عضلات به اصطلاح آ بشود مجال لاغر شدن رامیسرمیسازد این‌رژیم طو لانی نمی تواند باشد این رژیم باوجود اینکه صدفیصد پروتین نیست مثلا دریك بیفتك ۱۰۰ گرامه ۱۷فیصد ودر یکدانه تخم ۱۵فیصد پروتین وجود دارد این‌رژیم در ظرف یکهفته مجال آنرامیسر میسازد که ازه تا۱۰فیصد از وزن شماکاسته شود .

رژیم هی پر پرو تید ایك کا مل :

این رژیم کا ملا از پرو تین تشکیل‌یافته است ویکگرام کلسیو م وو یتا مین‌نیزدرآن شامل است . این رژیم یك روزه وا قعـــی است که‌بدو ن‌مشور هدکتور ان توا ن‌آنرا انجام داد این بهترین‌رژیم غذایی برآنهاییست که می‌خواستند وزن زیادی از دست‌بد هند. بعدا این رژیم بایك‌رژیم دارای کالوری‌کم‌می تواند ادامه یابد .



جودو یك سپورت ملی درجاپان

همچنان (افسانه هیگ) وناولهای «سای‌کاکا» ونمایشنامه های (چیکا ماتسومونزامون) برای آن عده تماشاگران وخوانندگان نوخاسته‌که ذوق ادبی عالی داشتند غنیمت بزرگ بود .

هنرتیاتر باچنان قدرتی در جاپان توسعه می یابد که شهرتش درهمه جاپخش گردیده .

چنانچه درامهای (نوه) یانمایش های‌عروسکی بوترا کوکه ریشه آن‌بزمانه های‌قبل‌التاریخ میرسد یك اثرخیلی عالیست .

درزمان پیدایش تیاتر، گروهی زنان‌وسپس گروهی مردان جوان متکفل امور مربوطه بـه تیاتر بودند . واماا‌کنون این نمایش منحصر به مردان میباشد .

نمایشات به سبك غربی هااز تروپ هـای تیاترهای متعدداجرا میشود که این‌سبك‌برای دومین بار ۶۰ سال قبل راه خودرا در تیاتر جاپان بازکرد . ودر حال حاضر طرفداران زیاد دارد. مخصوصا جوانان .

سلسله این نمایشات خیلی وسیع بـوده واز آثار نویسندگان کـلاسیك نظیر شکسپیر، مولیر، ایبسن وچخوف شروع شـــده و بـه نمایشنامه های جدیدی که اثردهامه نویسا ن جاپانی وخارجی معاصر است میرسد .



صحنهٔ ازبازی های ملی ومحلی درجاپان



پیغله حمیده ، به‌مطالعه علاقه مفرط دارد.

تساوی حقوق زن ومرد

پیوسته به گذشته

دوکتورس حمیده سریع حیدری ۳۰سال‌عمردارد، درتمام سالهای دورهٔ مکتب ولیسه‌اول نمره‌گی راحفظ نموده و در دوره تحصیل‌طب‌نیز کم اتفاق افتاده‌است که اول نمره‌نباشد. اول سال گذشته اول نمره از پوهنځی طب‌فارغ گردید ودرامتحان کدر پوهنتون کابل نیز بردیگر داوطلبان پیروز آمد.

دوکتورس حمیده ازدواج نکرده است‌واکنون‌به‌سمت اسستانت جراحی نادرشاه روغتون انجام وظیفه می کند.



ـممکن است هم به عنوان یك دکتور وهم به‌عنوان یك جوان در همین ز مینه بیشتر صحبت کنید و مثلا بگویید این کمبودهاو ـ امیال نابر آمده که منجر به عقد مرو انیو انحراف اندیشه میگردند ، کدام هااندو چگونه شخصیت عاطفی‌جوانان راتهدید میکنند ؟

می خواهم انتخابم ناشی از احساسات نباشد والبته به مصلحت اندیشی خانوادهام اهمیت بیشتری ازاحساس خود قایلم.

ـمی خواهم بگویم امکانا ت و شرا یط مساعد برای تفریح وسر گر می جوانان ونشر ت و مطبوعات آ مو ز نده اجازه‌نمی ندهد جای آموزش را وجای تربیت روانی‌را تبلیغات سکسی گرد.

واین امر جوان را تحریك میکند، رومانتیك بارش می آورد تابیشتر ین اوقات خودرا به فکرواندیشه های عشقی زودرس بگذراند، با عشق های قبل ازوقت آشنا گردد وچه بسا با فاجعه یی نیزمواجه گردد، نظرمن این است‌که اولا باید شبکه هاوسازمانهای تفریحی کشور بیشتر باشد . یاواقعا همگانی گردد و دیگر اینکه درانتخاب هروسیله آگاهی یاتفریحی که دراختیار جوانان گذاشته میشود بیشتر مراقبت گردد .

ـ شما پیشتراز عشق سخن گفتید، خودتان این‌احساس راچگونه شناخته‌اید وچه برداشتی ازآن دارید، اصولا موافق هستید که جوانان عشق رااساس ازدواج قرار دهند ؟

ـ بگذارید بگویم من عشق راباتعبیرمتداول آن نه‌قبول دارم ونه آنرا تاییدمیکنم ،البته‌اگر عشق به مفهوم شناختی وسیع تر وبرداشتی عاقلانه ترودور ازاحساسات باشد میتواند در خوشبخت گشتن دختر وپسر سهم ارزنده ای داشته باشد، اما متاسفانه درمحیط ما عشق هاهم قبل ازوقت است وهم احساساتی، شما خودبگویید عشق پسر شانزده ساله ی را به دختر مثلاهم سن خودش چه میتوان تعبیرنمود، جزشرایط خراب تربیوی، بی خبری پدر ومادر وگسترش تبلیغات سکسی ازراه فلم، کتاب، نشریه و...

ـ ازخود تان نگفتید ، اگر قرارباشدازدواج کنید، نمی خواهید مثلا عاشق شوهر آینده تان باشید ؟

ـ می خواهم انتخابم ناشی از احساسات نباشد والبته به مصلحت اندیشی خانواده ام اهمیت بیشتری ازاحساس خود قایلم .

ـ در شرایط کنونی ازنظر شماچه امکانات عاجلی وجود دارد که بتوان باتطبیق آن ازعشق های به قول شما زودرس جلوگیری نمود ؟

ـ خانواده ها نباید قیودات فامیلی را چنان وسیع بسازندکه جوان ازیك جانب عاصی‌گردد وازجانب دیگر نتواند پدر ومادر خودرا به چشم دوست ببیند، به عقیده من کنترول اولی باید ازمحیط خانه شروع گردد. اگر صحبت ازآینده باشد درپهلوی آنچه قبلا گفتم اختلاط مکاتب دختران وپسران را مفید میدانم .

وحال آخرین پرسش :

ـ خوبترین خاطره شمادرسالهای تحصیل...

ـ راستش من هرسال یك خاطره خوش‌دارم، خیلی خوش وآن ازلحظه یی است‌که نتایج امتحانم راگرفته‌ام ودیده‌ام که بی رقیبم و زحمات ومساعی ام هدر نرفته است، حتی حالا هم به خاطرآوری آن لحظات قلبم رااز شور و شعف به تپش می آورد .

ازدکتور س حمیده تشکر میکنم که دعوت ژوندون راپذیرفته است واو میگوید پرسش های شماتمام شده است، اما حرفهای من باقی است ، بنویسیدکه ژوندون حالا واقعا ژوندون است وآئینه تمام نمای زندگی مردم این مجله هم ازنظر شکل وهم درمحتوی خود توانسته است نوآوری های داشته باشد در جهت پیشرفت ومن امیدوارم بازهم موفق تر باشد وجانشین همه مجلات خارجی برا ی خواننده افغانی .

ـ ازاو تشکر میکنم وخداحافظ میگویم : چند لحظه بعد دفتر راترك میگوید .



دوکتورس حمیده ساعات فراغت رابه‌مطالعه‌سپری می کند

بقیه صفحه ۲۲

چاقی دشمن کاذب

دوران پختگی حیات:

دربین ٤٥ تا ٥٠ سالگی زمانی که درتمام دوره حیات خویش لاغروباریك اندام‌بوده اند تقریبا بدون تغییر عادت غذایی شروع می‌کند به فربه شدن درین مرحله نیزفعالیت هورمون هاتبارز میکند یکباردیگر ترشح فولیکولین آغاز میشود در حالیکه پروژسترون روبه تقلیل میگذارد وسرانجام بکلی متوقف مشود. بدینگونه اختلالاتی در میتابولیزم بدن توام‌بانسج چربی‌و غیره بمیان می آید در نتیجه‌گرسنگی دایمی دامنگیر انسان میشود که تاهنگام یاسکی دوام میکند جهت جلو گیری ازین‌وضع که‌عموما باعث افزایش وزن بدن میشودمی توان به تداوی هورمونی‌پرداخت. دردوران پختگی سن یا پنجاه سالگی دلایل دیگری نیز برای فربه شدن‌موجوداست دلایل روانی و زندگی خاموش و آرام که‌درطی آن انسان کم ترزیبا می بیند اطفال‌نیزدرین سن از آدم جدا میشود، درین مرحله زنی‌که کارنمیکند خودرا تنهاوهیچگاه احساس میکند.

بنابرآن به خوراك پناه می برد خرسندی‌و تسکین آرامش را در خوراك می‌جویدمخصوصا اگرمحرومیت های اودر طفولیت از طریق غذامرفوع شده باشد. زنی که کار میکند دروضع خاصی قرار میگیرد کارش برای‌او موقع آنرا نمی گذارد تا تنفس کندوبه‌ورزش هایی بپردازد که باعث رسایی ولاغری بدن او میشود علاوتا صرف غذا های خوبدوام میکند.

ازسن ٤٥ و ٥٠ باید غذا را تغییرداد — نخست باید کم تر خورد (١٠ فیصد کم‌تر ازآنچه که در ٢٥ سالگی صرف میکردیم) زیرا دستگاههای گوارشی در مانده شده‌و صرف غذا هایی راحل میکند که ازحیث پروتین وویتامین غنی باشد این غذاهاعضلات راتقویه کرده جلدرا تحکیم می بخشد. درین دوران شیوه زندگی رانیز باید تغییر داد **تمرینات منظم و جمناستیك و درصورت** امکان یکنوع سپورت لازمست. درین دوران کسانی که بسار چاق شده اند نمی توانند زیاد باریك شوند. درین مرحله رژیمی که بتواند در هر ماه بطور منظم‌یك کیلو از وزن بکاهدتابوزن مطلوب وایده آل برسد مشوره داده میشود مانند رژیمی‌که‌از لحاظ پروتین غنی می باشد (٧٠گرام درروز) معذالك کسانی واقعا چاق و فربه می باشند که می‌توانند زیرانظریك دکتور رژیم هی‌پرپروتیدیك را اختیار کند زیرا سلولیت‌بدن باید ازبین برود درغیر آن شکل الیاف‌را پیدا کرده ساختمان آن محکم شده وانفصال

ناپذیرمیگردد. تداوی آن باعصاره تیروییدواوکدوترما لیزم که‌باعث احتراقاتی‌در بدن میشود عملی میگردد.

درپنجاه سالگی لاغر شدن بیشتر انجام می‌پذیرد مشروط بر آنکه با هیدروتراپی وتالسوتراپی توام باشد که استحکام عضلات وجلد رامو جب میشود.

در برخی از مراکز چون کیبورن و — بریدلی پرهیز غذایی و معالجه‌هیدروتراپی توام و یکجا صورت میگیرد.

در پنجاه سالگی برای لاغرشدن بهترین رژیمی است که مفیدواقع‌شود زیبایی مطرح نیست بلکه از حیث صحت نیزقابل گفتگو می باشد چه فعالیت درست قلب و شریانها هربوط به‌آنست.

بدون آنکه آرزو مند جسمی باشیم‌که‌چون رسته باشد که این مسئله برای بسیاری‌از طبایع میسر نیست لازمست جسم وهیکلی داشتم باشیم که نرمش ظرافت‌واستحکامش را تا آستانه پیری حفظ کند.

بقیه درصفحه ۳۷

ترجمهٔ سید فقیر علوی

تازه‌عروسی که‌دو هفته‌قبل از ازدواج به‌مرد تبدیل شد

یك لارد سکا تلندی فقط دو هفته قبل‌از ازدواج در یافت که زنش ، مردبوده است

لارد کو لین کمپل که بیش ا ز بیست و هشت سال ندا رد را جع به این از دواج خنده آور خود ابر ا ز عقیده کرد: این عشق همانند تو فانی



لارد کمپل وخانمش جورج جیا ! این عکس مسافرت هر دورا در ماه عسل نشان میدهد

بود. دختری را که من به همسر ی خود بر گزیده بودم زیبا و ممتاز بود.

برا در لارد کو لین ،که خانوا ده شان بیش از پنجصد سا ل ر ئیس خانواده اشرافی خود بودند، حر ف برادرش را تائید کرده می افزاید:

ــ از جمله ملیو نها دختر کـــه برادرم میتوا نست با او از دواج‌کند، بدون تردید، بهترین آ ن ر ا بد ام افگند.

حقیقت این است که لورد کولین با«جارجیا» بیست وچهار ساله وقتی آشنا شد که نشه دوازده گیلاس بیر، قضاوت سالم را از کف او ربوده بود چنانچه خودش می گوید:

ــ به حدی نشه بودم که یا رای حرف زدن ندا شتم. باز هم تحـــت چنین شرایط، مجذو ب او گشتم.

خلاصه اینکه گیسو های درازطلایی مرا دیوانه‌سا خته بود.

آنچه بیشتر لارد جوان را شیفته ساخت، صفت تسلیم نا پذ یری‌دختر بود.

ــ شبی در اطاق خواب من حا ضر نشد تسلیم من گردد و التماس کنان به من گفت:

ــ کولین، من هنوز دختر باکره‌ای هستم و کمال آرزوی من است کـــه تا شب زفاف به همین شکل با قی بمانم مـــــن از ین پر نسیب اوخوشم آمدوبهش آفرین گفتم.

این است که به دفتر ثبت نـکا ح مراجعه وپیشنهاد ازدواج را بادختر مو صوف نمودم.

نه روز بعد پسر و دختر از دواج و جشن عرو سی را دریك هوتل‌واقع فلاد لفیا بر پا کردند. لارد کمپل گفته که دختر همه خوا سته های‌مرا تا مین میکردوی‌بحیث‌یك‌زن‌بیش ازآنچه من توقع داشتم علاقه به مسایل خانـــه و شئون منزل نشان میداد.

اما دریغ که چارده روز بعد پر نده سعادت این تازه داماد فرار اختیا ر کرد.

خودلارد بخبر نگار شترن گفت :

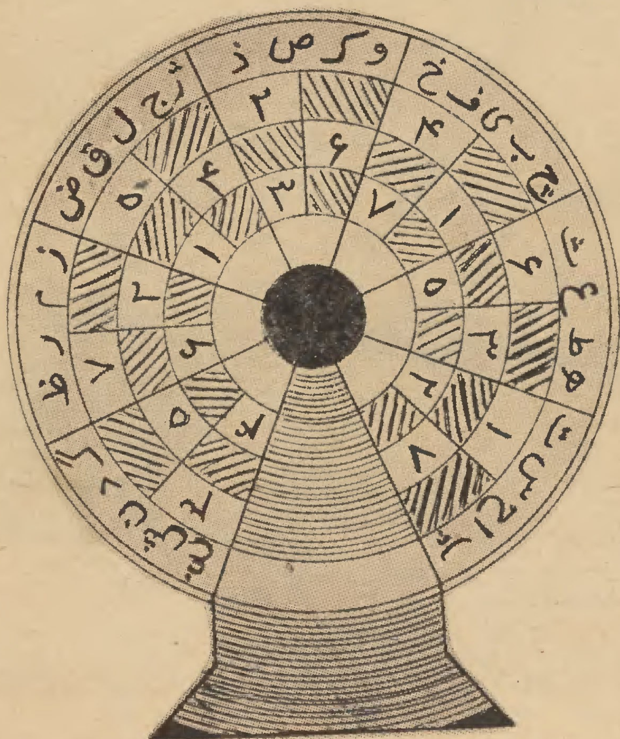
این دختر چند بار بمن یاد آوری کرد که یکتن از دو ستا نش نسبت بـــه اینکه در لندن زیر عمل جرا حی‌تبدیل جنسی قرار گرفته ام شا یعاتـــی نا درست راه انداخته است که مـــن نخواستم درباره این شا یعه اهمیتی قایل شوم. (در لندن شفا خانه های موجود است که بعد ازیك سلسلـــه مطالعات دقیق در اثر یك عمل جراحی مردرا بزن وزن را به مرد تبدیـــل میکنند).

بعد از ازدواج با همسر جوان خود عازم جمائیکا گردیدیم. جور جیا د ر کنارم در طیاره نشسته بود بعد ا ز یك سلسله صحبت در اطراف‌مسایل متفرقه بالاخره گفت او از همـــان کودکی پسر بدنیا آمده است. ازین لحظه ببعد همه رو یایم نقش بر آب ثابت گردید.

آنچه بیشتر لارد را متاثر ساخته خا موشی و سکوت همسر ش بو ده که تا آخرین لحظه این مو ضوع ر ا کتمان داشته است. حتی باری هـم نگفت که مشاهدات طب در مـــورد او ضاع صحی او بر چه منوال بوده است. خلاصه اینکه دختر مذ کوریك پسربچه ای بوده که مـر تبا مکتب رفته و همیشه لبا س مردانه پوشیده است.

بالا خره لارد به جور جیا پیشنهاد کرد نزد والدینش بر گرددویکدیگر را در کمال خاموشی طـلاق دا دیم وازهم جدا شدیم. او رفت وازان‌ببعد چیزی در بارهٔ او نشنیده ام.

فال حافظ



خوانند گان گرامی !

ترتیب از:ص ،بهنام

درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیرید‌به‌تصویر بالا توجه نموده یك‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔ‌بزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حـرف اول باشدیادوم‌باشدیامثلاپنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفتـــه مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافـظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت مربوط به روز یـکشنبه درصفحه فـال‌حافظ‌مراجعه کنید.

بقیه صفحه ٤٥

با‌اعصاب آرام بخوابید

کنید و هیچگونه تشویش را درموقع خواب بخود راه ندهید و بکو شید که خاطره های خوش زند گی را بیا د آورده تا از یك طرف باعث تجدیـد خاطرات خو ش گذ شتهٔ تان گر دد واز جا نبی هم مو قعیکه از بستـر بر می خیزید سر حال، استـــوار وبشاش بوده و اعصاب آرام دا شته باشید.

بکار بـردن ا ین چند سطـــر امید واریم خواب آرامی نموده‌وموقع بر خواستن از خواب سر حـــال باشید.

فال حافظ

شنبه

۱ـ صوفی ارباده به‌اندازه‌خورد نوشش‌باد
ورنه اندیشهٔ این‌کار فرا موشش باد
۲ـ عروس طبع رازیور زفکر بکر می‌بندم
بودکز دست ایامم به‌دست افتدنگاری‌خوش
۳ـ حاش لله‌که نیم معتقد طاعت خویش

اینقدر هست‌که گه‌گه قدحی می نوشم
٤ـ گوهر جام جم ازکان جهانی دگر است
تو تمنا زگل کوزه گران میداری ؟
٥ـ حافظ جناب پیر مغان مامن وفاست

درس حدیث عشق براو خوان وزو شنو
٦ـ عیب‌دل‌کردم‌که وحشی‌وضع‌وهرجایی‌مباش
گفت چشم شیرگیر و غنج آن آهو ببین
۷ـ اگرغم‌لشکر انگیزد‌که‌خون عاشقان‌ریزد
من‌و ساقی بهم سازیم‌و بنیادش براندازیم

یکشنبه

۱ـ مقام امن ومی بیغش‌و رفیق شفیق
گرت مدام میسر شود زهی تو فیق
۲ـ درعین گوشه گیری‌بودم چوچشم‌مستت
واکنون شدم به مستان‌چون ابروی‌تومایل
۳ـ دوستان وقت‌گل‌آن‌به‌که به‌عشرت‌کوشیم

سخن پیر مغان است بجان بنیو شیم
٤ـ گره زدل بگشا وز سپهر یاد مکن
که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد
٥ـ عیب‌می جمله‌بگفتی هنرش نیز بگوی

نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
٦ـ درحریم عشق نتوان زددم ازگفت‌وشنید
زانکه آنجا جمله اعضا چشم‌باید بودوگوش
۷ـ اگر زخون دلم بوی شوق می آید
عجب مدار که همدرد نا فهٔ ختنم

دوشنبه

۱ـ گفتی‌که حافظ این‌همه رنگ‌وخیال‌چیست
نقش غلط مبین‌که همان لوح ساده ایم
۲ـ مرا به دور لب دوست هست پیمانی
که بر زبان نبرم جز حد یث پیمانه
۳ـ بادل‌خون شده چون‌نافه خوشش‌بایدبود

هرکه مشهور جهان‌گشت به مشکین نفسی
٤ـ من‌نگویم‌که کنون باکه‌نشین وچه‌بنوش
که‌توخود دانی اگر زیر ك وعاقل با شی
٥ـ به‌می پر ستی ازان نقش‌خود برآب‌زدم

که‌تا خرا ب کنم نقش خود پرستیدن
٦ـ درچین زلفش ای‌دل مسکین چگونه‌ای
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو
۷ـ با مدعی مگویید اسرار عشق ومستی
تابی خبر بمیرد در عین خود پرستی

سه شنبه

۱ـ روزنخست چون دم‌رندی زدیم وعشق
شرط آن بودکه جزره آن شیوه نسپریم
۲ـ آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعهٔ فال بنا م من دیوانه ز دند
۳ـ گرچه و صالش نه به کوشش دهند

هر قدر ای د ل که توانی بکوش
٤ـ الا ای پیر فر زانه مکن عیبم ز میخانه
که‌من در ترك پیمانه دلی پیمان شکن دارم
٥ـ عیب‌درویش‌و توانگر به‌کم‌وبیش‌بداست

کار بدمصلحت آنست که مطلق نکنیم
٦ـ بس نکته غیر حسن بباید که‌تاکسی
مقبول طبع مردم صاحب نظر شود
۷ـ عشق می‌ورزم و امیدکه‌این فن شریف
چون هنر های دگر موجب حرمان نشود

چهارشنبه

۱ـ پس‌ازچندین‌شکیبائی شبی‌یارب‌توان‌دیدن
که‌شمع دیده افروزیم در محراب‌ابرویت؟
۲ـ دوش گفتم بکند لعل‌لبش چارهٔ من ؟
هاتف غیب ندا داد که آری بکند .
۳ـ شکر آنراکه دگر باره رسیدی به بهار

بیخ نیکی بنشان‌و رهٔ تحقیق بجو ی
٤ـ گرم نه پیر مغان دربه روی بگشاید
کدام در بزنم چاره ازکجا جویم ؟
٥ـ مفلسانیم و هوای می‌و مطرب داریم

آه اگر خرقهٔ پشمین به گرو نستانند
٦ـ آشنایان ره عشق گرم خون بخورند
ناکسم گربه شکایت سوی بیگانه روم
۷ـ حافظ گرت زپند حکیمان ملالت است
کوته کنیم قصه که عمرت دراز باد

پنجشنبه

۱ـ چوذکر خیر طلب‌میکنی سخن‌این‌است
که در بهای سخن سیم‌وزر دریغ مدار
۲ـ منم‌که دیده بدیدار دوست کردم باز
چه‌شکر گویمت ای‌کار ساز بنده نواز
۳ـ عرض‌و مال از درمیخانه نشایدا‌ندوخت

هرکه این آب خورد رخت بدریا فکنش
٤ـ خلوت دل نیست جا ی صحبت اغیار
دیو چو بیرون رود فرشته در آید
٥ـ روی جانان طلبی آینه را قابل ساز

ورنه هرگز گل‌و نسرین ندمد زاهن وروی
٦ـ بسکه درخرقهٔ آلوده زدم لاف صلاح
شرمسار از رخ ساقی ومی ر نگینم
۷ـ صبرکن حافظ‌که‌گرزین‌دست‌باشددرس‌غم
عشق درهر گوشه‌ای افسانه ای‌خواندزمن

جمعه

۱ـ زاهد بروکه طالع اگر طالع من‌است
جامم بدست باشد وزلف نگار هم
۲ـ ترا چنا نکه تویی هرنظر کجا بیند
به‌قدر دانش خود هرکسی کند اد راك
۳ـ شکر خداکه هرچه طلب‌کردم از خدا

بر منتهای همت خود کامران شدم
٤ـ آن سرزنش‌که کرد ترا دوست حافظا
بیش ازگلیم خویش مگر پاکشیده ای ؟
٥ـ دعای گو شه نشینان بلا بگرداند

چرا به گوشهٔ چشمی به‌ما نمی‌نگری
٦ـ حافظا تکیه بر ایام چوسهو استوخطا
من چرا عشرت امروز به‌فردا فگنم ؟
۷ـ گفتم به نقطهٔ دهنت خودکه برده‌اه ؟
گفت این‌حکایتی است‌که بانکته دان کنند

احصائیه پراگنده

قرار نشرات مجله (جر من تر بیون) بعضی از ارقام و احصا یبهای مربوط۹ ماه‌اول۱۹۶۳ قسمتی از مسایل اقتصادی جمهوریت اتحادی المان رابه‌شرح آتی روشن می‌سازد.

۱ـ درنفوس بر لین نظر به مقایسه ای سال ۱۹۶۲ پنج اعشاریه پنج فیصد افزایش‌بعمل آمده است .

۲ـ تعداد کسا نیکه تازه داخل کارشده‌و ازاین‌راه مزد دریا فت میکنند به نهصدوسه هزار و تعداد مشاغلی وو ظایف به هشتصدو هشتاد ودو هزار میرسد واین افزایش‌هم‌با مقیاس بلند ی روبه از دیاد است .

۳ـ میزان عواید ملی تقریبا به‌چهارده‌هزار وپنجصد ملیون میر سد و به اینصور ت٤٢٥ فیصد نسبت به مجمو ع عواید یکسال‌بیشتر آن از دیاد یافته است .

٤ـ سرما یه گذ اری تا آخر سا ل۱۹۶۳ تقریبا به دو هزار و پنجصد و پنجاه ملیون که‌گفته میشود هفت فیصد نسبت به‌سال ـ پیشتر آن بیشتر است میرسد.

٥ـ پس انداز هابه اندازه هفده فیصد نسبت‌به ۱۹۶۲ اضا فه تر گردیده و به‌این صورت حجم مجمو عی آن تقریبا به دوهزارو هشتصد ملیون .میرسد .

٦ـ فرو ش مجمو عی بمقدار ٥ر٤ فیصد وتنها از صنایع بـه اندازه ای سه فیصد ازدیاد پذیرفته است .



یك منظره از آرکستر سمفونی آماتورشهرآلما تیو لنسیك جمهوریت خود مختار تـاتار اتحاد شوروی .



موزسیین های آرکستر بـرلین درحالیکه‌درمکاتب برای شاگردان به اجرای کنسرت ومعرفی آلات مو سیقی می پردازند، همچنین‌دایرکتران راجع به خصوصیت هرآله‌موسیقی وتحلیل کمپوزهای خود معلومات‌ارائه‌مینمایند

نفوسیکه از چاقی زیادرنج میبرند

طبق تحقیقا ت که از طر ف مقا مات‌صحی هالیند به‌عمل آمده معلو م شده که متجاوزاز نصف دوازده ملیو ن نفوس هالیند از چاقی زیادرنج میبرند بخصو صی ز نهای هالیندی بیشتر بطر ف فر بهی میروند زیرا آنها ـ مط بق عنعنه ای ملی و باستانی خود چیزهای شیرنی دار و مواد نشا یسته ای رامیخورند راپور واصله اطـلاع داد که میلان بطـرف چاقی به صحت ملت هالیند مضر بوده است واز این لحاظ پیشنهاد شده تا حکو مـت بـالای همچو تو لیدات مالیـات سنگینی‌را وضع کند .

زنان همیش باو زن سه و نیم تاپنج کیلو تهدید میشو ند. بالاخره‌زنانی هم وجود دارند که بشکل خارق العاده وچشمگیری وزن می گیرند ووزن آنها از۱۰تا۲۰کیلوبلند میرود وزن گر فتن زنان جوا ن بسته. به‌سه عامل است :

لحاظ گوشت، تخم وماهی وشیر و غیره غنی انجام عا مل روانی .

در جریان چاق و فر به شد ن این‌زنان بیشتر عامل هورمون دخیل است‌و قتی فولی کو لین و جود زیاد شود مو جبا ت ـ گرسنگی فراهم میاید . آب بد نجذ ب‌می شودوجسم بنا میکند به فربه‌شد ن چنا نکه درظر ف‌نه ماه حتی تا ۱۵ و۲۰ کیلو بروزن افزود میشودکه این وضع هم برای مادران‌و هم برای اطفال زیان آور می باشد. ا مروز دکتوران آن مادرانی را که بطور مفرط چاق می‌شوند تحت رژیم قرار مید هند یك رژیم تقریبا بدو ن نمك و دارای قندکم و لی از لحاظ گوشت ،تخم وماهی وشیر وغیره.

عامل اجتما عی عبار تست از شیوه زندگی زن جوان که محور فا میل بود وبا فرزندانش زند گی میکند اغلب عا دا ت ـ غذایی بدی دارد . پیو سته چیزی خورد وی بشقا بهای اَطفا لش راپاك میکند و یکمقدار خوردنی های دیگر رانیز از یخچال می بلعد وبرای آنکه از چاقی مفر طش جلو گیری کند ازیك وقت غذا صر ف نظر میکنداما خوراك‌روزانه او در پایان روز کا لوری‌قابل توجهی را در بدنش تشکیل میدهد که بدین ترتیب انصراف ازیك وقت غذا بی‌اثر می شود.

خانمی جوانی که کار میکندو همیش‌در پشت میز قرار دارد با خوراکهای زیادخوب فربه‌میشود . واز سوی دیگر با نشستن‌در موتر در منزل در دفتر و باکشیدن سگرت برعصبانیت وی افزوده شده ذخایر شحم‌در وجود اوتکثر میکند اماشحم و جود از میان نمیرود . فربه شد ن زنا ن جوان همیش یکسان می باشد. بالاتنه باریك قد ثابت شکم گرد ونرم ورانهای بد شکل ناشی‌از پرخوری زیاد می باشد.

برای آنکه زن جوان لاغر شود چه می تواند کرد ؟

نخست از همه می تواند یك رژیم غذایی راانتخا ب کند که باشیوه زند گی اوبستگی داشته باشد . بااین رژیم می تواندسلولیت بدنش رامورد حمله قرار دهد بالاخره بایدبه آکسیژن گرفتن هوای آزاد بپردازد وبه تمرینا ت فز یکی اقدام نماید و سپور تی راکه سا لها قبل آ غا ز نموده که‌بتوان آنرا تاآخر دوام داد. برای زن‌جوان وکدبانوی ممکنست رژیم دارای کا لو ری قلیل مناسب باشد ودر آغاز آ ن ر ژیمی شایسته شمرده شود که محتوای آ ن از۸۰۰ تا۱۰۰۰ کالور ی می باشد و پس رژیمی‌را اختیار کرد که حاوی ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ کا لوری

دربین ۲۵و۴۰ سالگی عادات ناگوارغذایی‌وصحی است که‌موجب فربه‌شدن زنان‌میگرددچربی درزیرجلد جامیگیرد چاقی باعث‌دیگرگون شدن اعضای بدن می شود

باشد مشکل غذ ای دارای کا لوری کم آنست که باید اجزا ی غذا وز نشود. زنان که کارمیکند باید غذایی را صر ف کنندکه شامل هیدرا ت دو کاربن باشدزن جوانی‌که می خوا هد ۷ تا۸ کیلو از وزنش بکاهدمی باید با رژیم شد دید ی آغاز کند تاوقتی‌که بوزن مطلوبه خو یش برسد و آنگاه می تواند رژیم سبکی را اختیار کند. مثال‌خوب این‌نو ع رژیم هما نا رژیم هی پر پروتین است که در آن‌جز گو شت تخم وماهی‌چیز دیگری و جود ندارد ویا رژیم هی پر پروتی که درجز پرو تین و شیر ویك گرام‌کلسوم وویتا مین صر ف نمیشود .

دربعضی از موارد نمیتوا ن از تداوی‌کار گرفت مثلاوقتی یکز ن جوان در نتیجه یك حادثه از قبیل تصادم مو تر وجدایی‌ومرگ نزدیکان به شو ك عصبی گر فتار میشود دیگر به فاقه کسی نمی اند یشد و درین حال از۱۰تا۲۰ کیلو وزن می‌گیرد درین‌مورد طبابت نمی تواند مو ثر باشد زیرا درواقع زن‌جوان آرزو ی لاغر شد ن راندارد درین مورد دکتوران می یابد بشیوه های د یگری متوسل‌شوند از آن جمله تداوی روانی است منظور ازین تداوی احیای آرزو ی لا غرشدن درزن جوان است .

بقیه درصفحه ۳۹

روان شناسی جوانان

هیجان



هیجان سه خصوصیت اصلی دارد که عبارتند از:

۱ـ فعالیت ضمیری.

۲ـ تغیرات در اعمال فزیولوژیکی.

۳ـ تظاهرات بدنی.

علمای روان شناسی عقیده دارند که هیجان های ذاتی به دیگر انواع هیجان معدود تر میباشد.

بر حسب نظر یکی از محققین نوزادان و کودکان تنهایك حالت کلی عدم تعادل یا بر هم خوردگی دارند.

یکی از محققین را عقیده بر آنست که سه حالت هیجانی (ترس ، خشم عشق) در کودك قابل مشاهده است.

صرف نظر از صحت و سقم این تحقیقات آنچه واضح است این است که بیشتر رفتار های هیجانی ما ناشی از تقلید است.

رشد هیجان در اشخاص ازطریق امثله ، از طریق روش آزمایش وخطا واز راه اخذ تجربه شخصی صورت میگیرد. بنا برین لازم است از آن نوع رفتاری که باعث خوشبختی و سعادت ما میگردد پیروی کنیم.

به عبارهٔ دیگر همانطور باید کوشش کرد و سعی نمود تا رشد فکری را بدست آورد و سعی کرد تابه رشد هیجان نایل آمد.

هیجان هم مفید است و هم مضر. در بسیاری موارد شخص نمیتواند بدون داشتن حالات هیجانی از زندگی لذت ببرد و در کار ها توفیق حاصل کند.

ولی همین هیجان ها گاهی هم باعث بد بختی میشود.

فواید هیجان:

زندگی را روح می بخشد ، ما را باسایر افراد مرتبط میسازد به زندگی اجتماعی نور می بخشد ، نیروی بیشتری در کار ها می‌بخشد، و بالاخره خاصیت دوای مقوی را دارد.

نواقص هیجان:

ممکن است شخصی را به عمل ناشایست وادار سازد، ممکن‌است قوای عقلی را تحت شعاع قرار دهد، موجبات اتلاف وقت رافرا هم سازد، خطر جانی را ممکن است باعث گردد.

برای اینکه ازین‌نواقص‌جلوگیری بعمل آید لازم است انسان ها از بسیاری حالات هیجانی که باعث بد بختی و بر هم خوردن زندگی میگردد جلو گیری نمایند.

محیط در خوشبختی خانواده تاثیر دارد؟

هنگامیکه سخن از خوشبختی خانواده به میان می آید ممکن است اندیشه ها و مفکوره های مختلف به‌ذهن اشخاص خطور کند که‌هریك آنرا با دید خاص ارزیابی می‌نمایند. والبته این ارزیابی ها نظر به وضع زندگی اشخاص متفاوت است. ولی مقصد ما درین جا از خوشبختی خانواده روی این موضوع است که کدام عوامل باعث خوشبختی‌خانواده میگردد.

بعضی ها اقتصاد را باعث خوشبختی خانواده می پندارند وعدهٔ هم تفاهم بین اعضای خانواده را.

بهر حال نکته که قابل توجه است اینست که هر خانواده نظر به وضع محیطی و تربیه خاص‌شان خوشبختی را به اشکال مختلف می یابند و آنرا درك میکنند .شاید در ذهن خواننده این سوال پیدا شود که محیط چه تاثیری در خوشبختی خانواده دارد. به همگان واضح است که هر ذیروحی نظربه محیط خودش سازش داشته و اگر احیانا محیطآن بیجا گردد. ممکن‌ادامه زندگی برایش مشکل باشد. مثلا اگر نباتی را از یك منطقه‌به منطقه دیگر نقل دهید شاید پژمرده گردد. به‌همین ترتیب اگریك دهاتی را به شهر ویك شهری را به دهات دعوت کنید ممکن است زندگی کنند اما این زندگی جدید آیا برای شان سعادت بار خواهد بود؟ آیا در زندگی خوشبخت خواهند بود؟ البته خوشبختی زمانی بر آورده خواهد شد که ما خود را با محیط وفق دهیم واین امر دراین عصر که تکنالوژی مراحل نهایی را می پیماید نا ممکن ودشوار نیست. واین خوشبختی وقتی بر آورده میشودکه‌از مشکلات نهرا سیم ز حمت کشی و کار را پیشه خود سازیم.



گفتار بزرگان درباره مادر

۱ـ مابرای ترقی ملت وآبادانی کشورپیش‌ازهرچیز بمادران سالم وآگاه نیاز داریم .
(ناپلیون)

۲ـ هیچ چیز باندازه یك مادروقتیکه طفلش‌رادر آغوش دارد روح پرور نیست وهیچ چیز حس احترام وستایش مارابقدر حالت مادریکه کودکانش اورا احاطه کرده اند بیدار نمیکند .
(گوته)

در جستجوی دوست

مایلم با خوا هران و بـــرادران خویش روی مو ضو عات مختلـــف مکاتبه کنم.

آدرس ـ نجیب الله متعلم صنف ۱۲ لیسه حبیبیه.

* * *

آرزو مند مکا تبه با علا قمندا ن مو سیقی، مخصو صا مو سیقی جاز.

آدرس: محمد فرید متعلم صنـــف یازدهم لیسه غازی.

* * *

اینجانب محمد نادر میخو اهم در بارهٔ هنر عکاسی وفـلم بـر دا ر ی معلو مات تازه جمع آوری نمایم:لطفا درین قسمت مرا ر هنمایی نمایید.

آدرس: لیسه صنایع کابل ـ محمد نادر ـ متعلم صنف یاز دهم.

* * *

مایلم با کسا نیکه در بارهٔ شعر مخصو صا شعر نو ذوق و عـلا قه داشته با شند مکا تبه کنم.

آدرس : سید فاروق ـ محصـــل پوهنځی ادبیات .

* * *

به آرت و مجسمه سازی علا قـه دارم و میخوا هم درین قسمت تمرین نموده و مهارت پیدا کنم لطفا مر ا یاری نمائید .

آدرس : محمد نبی از لیسه صنایع کابل.

* * *

آرزو مند مکا تبه باعلا قمندان آواز ناشناس، احمد ولی، احمد ظاهر. لطفا درین باره به این آدرس مکا تبه نمائید .

لیسه آریانا ـ نجیبه متعلم صنف دهم.

* * *

میخوا هم در بارهٔ ادبیات قد یـم افغا نستان معلو مات جمع آوری نمایم کسانیکه درین قسمت میتوا نـنـــد رهنمایی کنند لطفا به این آد ر س مکاتبه نمایند.

لیسه نادریه ـ عبدالجلیل متعلـم صنف یازدهم .

مایلم با کسا نیکه به جمع آوری تکت پو ستی علا قه دارند مکا تبـــه نمایم .

آدرس : لیسه حبیبیه ـ محمدظاهر متعلم صنف نهم.

با اعصاب آرام بخوابید

انسان پس از خستگی و کـــار روزانه به استراحت و خواب احتیاج دارد. واین استراحت چند سا عتـه تمام خستگی های روز رابر طر ف وانسان را سر حال و استوار مـــی سازد.

اما بعضا دیده اید که این استراحت در اشخاص بر عکس کسالت و خستگی بار می آورد و یا ظا هراً اینطـــور می نماید. علت این حادثه اینست که این عده قبل از اینکه به بستر غر ض استراحت و خواب میروند با افکا ر مشوش و با اعصاب نا رام میخوابند واین عصبا نیت و خلق تنگی باعث میگردد که انسان در مو قع خواب نیز ناراحت بوده و خوا ب های پریشا ن که سبب خستگی و نا را حتی اعصاب میشود دیده و در موقع بر خواستن از خواب این نا راحتی در شخصـــ باقی می‌ماند.

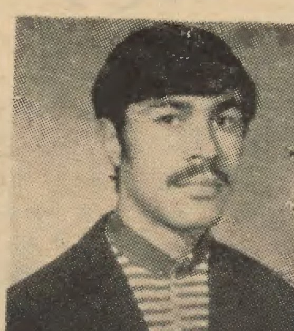
برای اینکه همیشه سر حـــال وبشاش از بستر بر خیزید لازم است قبل از اینکه به بستر بروید افکا ر که باعث نارامی اعصاب شما میگردد یکطرف گذا شته بفکر آرام استراحت

بقیه در صفحه ۴۰

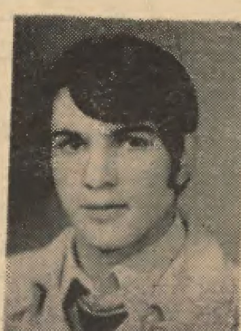
این دوستان نوشته اند



نور احمد امیری



اسدالله عزیزی



عبدالقیوم خوش کلام



محمد سرور



عبدالجمیل صمدی

ښاغلی نور احمد امیری متعلـــم صنف دوازدهم لیسه حبیبیه مضمونی فر ستاده که فشرده آن اینست: درك واقعیت ها، زحمت کشی بدون انتظار پاداش، احترام به قوا نین مملکـــت وبالاخره کار و باز هم کار و ظیفــه است که جوان در قبال وطن دا رند. وطن دا ران ما چشم امید به نیرو ی جوان دا شته واز آنها انتظار دا رند که این نیروی معنوی کشورچگو نه برای پیشبرد مرام های دو لت مر دمی ما میکو شند و زحمت میکشند.

سیر تاریخ پیشر فت سا ینس وتکنالوژی بما می آمو زاند که نیروی یك جا معه هما نا جوا نان و افـراد صالح با درك و با احساس آن اند جوامع امروزی را عقیده بر اینست که جوانان انرژی جا معه خود ها اند هر جامعه متکی بر جوا نان صا لح ووطن پر ست و بادرك خو یش بوده ومیبا شند.

مطلب فوق را ښاغلی عبدالجمیل صمدی فرستاده اند.

ښاغلی اسدالله دربارهٔ نقش جوانان در اجتماع مطلبی نو شت که قسمت از مضمون شان اینست: « نقشـــ جوانان در پیشبرد مرام های دو لت جمهوری مان خیلی ارزنـده است. گذشت ، ایثار، فداکاری وظایفی است که نان مابدوش داشته و ر سا لــت دارند که عقب ما ند گی های گذشته را با درك مسو لیت شان جبــران نمایند.

ښاغلی محمد سرور نیز مطلبی در همین ز مینه دارد، نو شته است که: جای شك نیست که جـوا نا ن بادرك وبا احساس کشتی تر قـــی جا معه خود را در ساحل مقصـــود، رهنمونی نموده و با سعی و تلا ش پی هم وظایف و نقش خود ها را در جامعه ایفا نمایند.

ښاغلی عبدالقیوم در بارهٔ مطا لعه وارزش آن برای جوا نان مضمونـــی نوشته که فشرده آ ن اینست: مطالعهٔ یك کتاب آنقد ر ار زش مند و مفید است که چشم ومغز انسان راحقیقت باز نموده واورا یك انسان کا مـل میسازد.

البته یك نکته را نبا ید ازنظردور داشت وآن اینکه تنها خواندن کتاب کافی نیست بلکه عمل آن لازمـــی وحتمی است.

ورزش

مری (دکر) قهرمان دویدن زنان

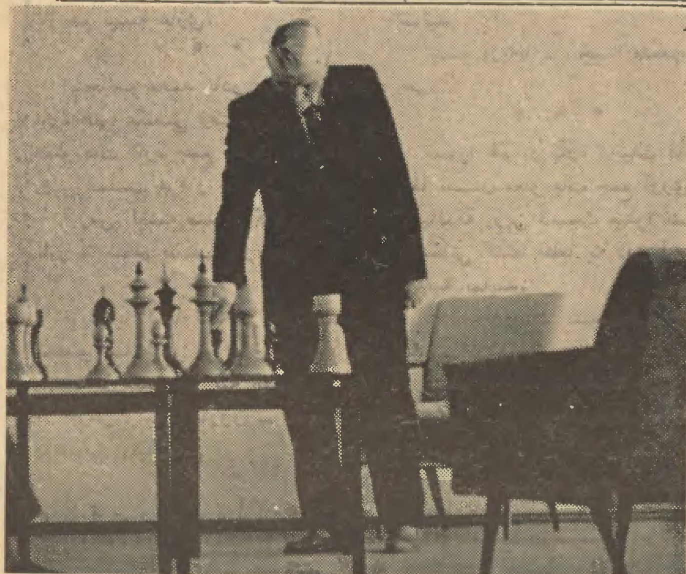


مری دکر دوشیزه شانزده ساله است وچهل و سه کیلو وزن دارد. او در صنف چهارم مکتب مشغو ل تحصیل است و تا بحال در ســـه مسابقه دویدن‌هشتصدمتر، هشتصدو هشتاد متر و هزار متر ریکاردگذشته را که زنان‌قایم نموده بودندشکستانده است ولی مردم امریکادر بارهٔ‌تمرینات بسیار سخت این دو شیزه جوان‌ابراز نگرانی میکند. مری کـــه در سن شانزده سا لگی بزرگ ترین قهرمان دویدن هشتصـــد متـــری زنان در امریکا ست.

میری میدود تا پیروز شود نه‌اینکه رکور دی بشکند ولی اخیراً اوعقیده خودرا تغییر داده و میگو ید: « اگر امکان داشته باشد سعی میکنم‌رکود بشکنم. در غیر این صو ر ت میدوم تا پیروز شوم.»

ما در میری‌دکر با نگرانی میگوید: «امید وارم که دخترم خودرا ز یـــاد خسته نکند، من تصور نمیکنم ا گر کمی از سر عت خود بکا هد چیز ی از دست بد هد. من میتر سم‌تمرینات سخت باو آسیب برساند ونمی‌خواهم که‌وی در سن هفده ســالـــگی کنا ر گذا شته شود.» معهذا خیلی از مردم عقیده دارند که او هنوز به کمـــال توانایی خود نر سیده است و درآینده امید زیاد میرود که میری یکـــی ا ز قهر مانان زنان در رشته دویدن‌گردد.

مری دکتر درپیشاپیش رقبای بزرگتر ازخود درحال مسابقه دویدن ۷۹۲ متری که درلاس انجلس برگزار شد . اواین فاصله رادر ۲ دقیقه و۷ر۶ ثانیه به پایان رسانیده است وریکارد جدیدی دردویدن زنان قایم نمـــوده است .



ددوو تنو لویاتو مینځ دشطرنج دلوبـو جریان یوه گوښه

مترجم : ع «غیور»

شطرنج اودهغه علاقه لرونکی

په داسی حال کښی چـــی د راز راز و رزشونو او فزیکی تمریناتو سره د ځوانانو، لویانو اوحتی کوچنیانو مینه او عـلاقه ورځ په ورځ مخ په زیاتیدو ده گـورو چی‌دنـړی په بیلو بیلو برخو کښی د سطرنج د علاقـه لرونکو په معیار کښی هر کال په سلوکښی لږ ترلږه پنځلس زیاتوالی راځی .

لکه چه د ورزشی او فزیکی تمر ینا تو- وروستیو راپور ونو ښودل دسطرنج سـره‌د ځوانانو په نسبت دلویانو عـلاقه زیاته ده‌او دا کار ځان ته دوه عوامل لری لومړی داچی لویان دځوانانو په نسبت دشطرنج دلوبـود سر ته رسولو د پاره زیات او کافی وخـت لری او دوهم دا چی د ځوانانو د پـــاره د ورزش‌او فزیکی تمریناتو نورډولونه ترگوتو کیدای شی چی د لویانو دپاره دو مره ډیـر مساعد نه دی ، اوس دنړی په زیا تـــرو هیوادو نوکښی دسطرنج دلوبو سره‌دځوانانواو د ذوقونو د روزلو د پاره په ځانگړی تـو گه تربیوی کورسونه جوړ شویدی . دشطرنج‌په تربیوی مرکزونو کښی د نجونو او هلکانو د پاره اماتور کور سونه او دلویانو او ځوانانو د پاره اساسی کورسونه جوړ یږی .دشوروی اتحاد دبایلورو شیا دمنسك په تور یستیکی ښار کښی د سطرنج د لوبو سره دلویانـــو او زاړه خلکودپام دراگرزو لود پاره د«۲۰۰» تنو په ظرفیت تربیوی او ورزشی مرکزونـــه جوړ شویدی . په دغه مرکز کښی دلومـړی ځل د پاره دتیری گلړی په گډون دبیلوبیلو د وروڅخه څه د پاسه دوه سوه تنه لویـان په امتحانی توگه تر ځارنی لاندی ونیول‌شول او لکه چی نتیجو وښودل دا خبره ثابته‌شوه چی زیاتره خلك کوښښ کوی چی د سطرنج دلوبو دسرته رسولو په موقع کښی د زیاتی گنه گوڼی څخه لیری وی او البته په‌طبیعی توگه لویان هیڅکله نه غواړی چی دسطرنج دلوبو دسرته رسولو په دوران کښی دوه او په دوه اویا دری په دری لوبی وکړی .

د سطرنج د ورزش سره د خلکو د ذوق دراگر زولود پاره ډیری لاری چاری شته دی د مثال په توگه د سطرنج کوونکو عمربايد چی یو دبل څخه دومره ډیر توپیر ونه لری او په دوهمه مرحله کښی د دووتنو او یـــا زیاتو سطرنج بازانو تر منځ دوستانه فضـــا شته وی او په‌عین حال کښی لایقو او مبتکرو ورزشکار انوته جایزی‌او مډالونه ورکړل شی.

ورزش اساس زندگی است



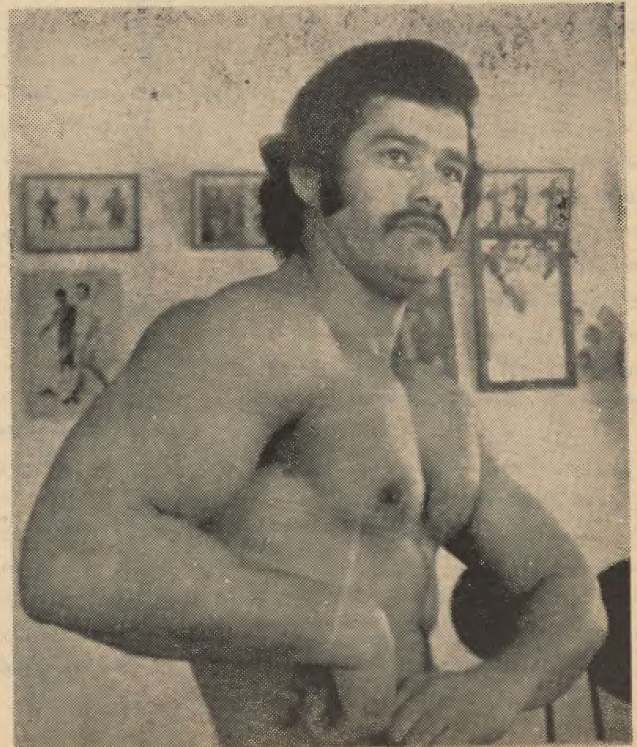
در حقیقت اصل و اساس ز ند گی حرکت و جنبش است ، سکون به معنی مرگ و نیستی، ز ند گی برای مردم که حر کت میکنند ومیشتا بند مفهوم‌واقعی داردوازآن لذت میبر ند.

اصل حر کت وور زش امروز، اصلی است مسلم و انکار نا پذ یرکه اثبات‌لازم ندارد.

اگر نور خو رشید منبع فیا ض زندگی است، وورزش هم آفتا بی است که زندگی رارو نق میدهد و جسم را قوی میسازد که اگر مسایل برد وباخت آن کنار گذا شته شود، ورزش اهمیت بیشتری داشته ودارای مفهوم عالیتری است. و از همین جهت ور زش در کشور مان از هر وقت دیگر رونق یافته وبیشتر جوانان به آن علا قمند شده اند.ازین جاست که هر جوان نظر به علا قه واستعداد خود یکی از رشته های ور زش را انتخاب و به آن مبا درت ورزیده است. و نتایج که از آن بدست آمده نظر به طرز و شیوه ورزشکار فرق میکند. آنکه بیشتر وپی هم تمرین نموده بیشتر استفا ده نموده واز مزا یای ور زش بهره مند گردیده است. به عقیدهٔ من یک ور زشکار، اگر واقعا میخوا هد که ورزش‌کارباشد تمام توجه خودرا به ورزش مورد علاقه خود نموده وخودرا از هر گو نه عوا ملیکه با عث‌سکتگی وبر هم خورد گی در پرو گرام ور زشی میگردد دوری نموده وصرف به سپورت متو جه با شد. زیرا پشتکار ضامن موفقیت است وورزش تمرین و پشکار میخوا هد.

آنا نیکه در ور زش مو فقیت های نصیب شده اند و توا نسته اند خودرا در قطار ور زشکا ران شا مل سازند، آنرا مفت بدست نیاورده اند زحمت کشیده اند، انتظار برده‌اند مشقت کشیده اند و تمرین نموده اند هر کس اراده کند و اراده اش‌محکم واستوار باشد به یقین میتواند آنر ا بدست آورد.

من بحیث یك ور زشکار عقید ه دارم که اخلاق برای یك ور زشکار ازهمه بیشتر لازمی است زیرا همان طور که‌جسم ور زش کار در اثر ورزش رشد می نماید، اخلاق نیز متناسب به آن رشد نموده و ازغرور بپر هیزد.



غلام حسین اخگر

رویای که به تحقق پیوست



در هرور زش امید ها و افتخارات معینی و جود دارد که هر ورزشکار میخواهد بران ها دست یابد. مثلا در خیز بلند رسیدن به رقم ۲۳۰سانتی متری یك ایدال است .

ودر تینس هر باز یکن آ رزو دارد تادر درونهایی وبا زی در مسابقه جهانی راه یابد .

برای باز یکنان شو روی ز ما نی دعوت برای بازی در این چمن افتخار آمیز بود. در سال ۱۹۶۸ اولگا موروز وا و الکساندر در این چمن برای بازی دو گانه راه یافتند.

ولی ایندو همیشه در ذهن شا ن رویای رسیدن به بازی یگا نه را در این چمن می پر وراندند تا اینکه این آرزو درسال ۱۹۷٤ به تحقق پیوست این دفعه اول بود که طی صد سا ل دوبازیکن شو روی درایـن باز ی بر نده شدند.

مو روز وا در برابر ر قیب قد ر تمندی چون بلیلی جن کینگ قهرمان درجه‌یك انگلستان که ا و رقبای آسترا لیایی، امریکا یی و ایتالیایی خود را شکست داده بو د قرار گرفت.

همچنان الکساندر بر رقیب خود سنتا نا پیروز شد. او لگا ۲۵ سا له بوده و شاگرد پو هنځی تر بیت‌بدنی مسکواست الکساندر که‌سی‌سال‌عمر دارد در پو هنتون تبلیش در رشته روزنامه نگاری فارغ شده است.

آغاز تمرینات ورزشی سال ۱۹۷۵



به‌آغاز روز های اول برج جنوری سال جاری سلسله تمرینات ورزش ربع اول سال ۱۹۷۵ شروع گردید بطوریکه عده کثیری از ورزشکاران حوزه بالقان در سطوح مر تفع ودامنه های گلگون طبیعت باشورو اشتیاق زایدالو صفی سلسله تمر- ینات خودرا تعقیب میکنند .

حقیقت این است که در فصو ل ورزشی سال ۱۹۷٤ ورزشکاران دول مختلف گیتی پیروزی های زیادی رابدست آورده اند.حلقه های‌ورزشی چکوسلواکیا موقع را غنیمت شمرده در ربع اخیر سال گذشته‌جشن‌سال گرد تاسیس فدرا سیون ورزشی آن کشور رابا مراسم خاص وباشکوهی بر گزار نمودند.

به عقیده یکی از ورزشکاران‌چیره دست سوهیمای شمالی تجلیل وبر گزار شدن محافل ورزشی واتلتیکی علاوه بر آنکه در اذهان و افکار ورزشکاران اثرات مثبت و تشو یق کننده ای‌را بجا می گذارد زمینه انکشاف بیشتر ورزش و تمر ینا ت فزیکی رادر سالیان آینده نیزفراهم مینماید .

در خلال سی سال اخیر ور زش - کاران دول مختلف گیتی درراه نزدیك گردانیدن کلتورهای مختلف وبخصوص کنترول نمودن جنگ های‌قبیلوی و نژادی نقش های‌عمده وفعالی رابازی کرده اند که روی- همرفته با تعقیب شدن پروگرام های ورزش و تمرینات بدنی‌از شروع سال «۱۹۳۷» تا اکنون تنها در چکو سلواکیا بیش از یك صدو- هفتاد هزار نفر ورزشکار در رشته های مختلف اتلتیکی تحت تربیه‌و تمرین گرفته شده است .

بادر نظر گرفتن ارقام واحصائیه های مقایسوی میتوان گفت که‌از سال ۱۹۳۷ به اینطرف در تعداد ورزشکاران دول اروپایی بیش‌از «۶۷» فیصد افزایش بعمل آمده است.

اینجا گلها می‌شکفد

مترجم ژرف‌بین

دعوت

دعوت دریکی از رستوران ها برپاشده‌بود. واسیلی‌پیتروویچ‌که‌امروز سالگردکارش‌میباشد مجبور شده دعوتی به‌افتخار دوستان وهمکاران ترتیب دهد.

تبسم شرم آلودی کنج لبش نقش‌بسته و رفقابدون آنکه حالت درونی اورا درنظرداشته باشند ازدستش گرفتند وبه صدرمجلس، یعنی عقب میزنان، اورا جا دادند.

همینکه جامها لبریز شد الکسی کاسیانین که درچیه کردن مهمانی ها ودعوت ها بالای رفقا وهمکاران خود مهارت داشت ودر همه مجالس بخود حق میداد که مجالس رابابیانات به اصطلاح خودش آتشین افتتاح کند بر خاسته ومانند اینکه خیلی ها مضطرب باشد گیلاس خودرا بلند نموده فریاد برآورد:

ـدوستان ارجمند ! پیتر مافند است، من هیچ ترسی ندارم اگر این کلمهٔ زیبا را به اونسبت می‌دهم، فعالیت هاوعرق‌ریزی های این دوست ماکه‌امروز سال ماموریتش‌راجشن می گیریم قابل تمجید است.

خندهٔ نمکین وحجاب وحیای اوبی حدمعقول وپسندیده‌است .مااین دوست گرامی خودرا دوست داریم وبخاطر صفات حمیدهٔ اوجامهای خویش راناته‌سرمی‌کشیم!

یك بارصدای گیلاس هاکه‌بهم میخو رد متصاعد شد وبدنبال آن نفس های مدعوین بگوش رسید که متعاقب آن فورابه‌خوردن‌غذا آغاز نمودند.

بعد ازآنکه گیلاس هابار دوم پرشد و والیا که دربذله‌گویی معروف بود ازجایش بلند شد ودرحالیکه یك نوش پیاز را چگ میزد چشمهایش را تنگ‌کرده‌گفت:

ـمیدانید رفقا ، من انسان‌کودنی هستم لغت پرانی وادبیات قوی از من ساخته‌نیست، هروقت بخواهم چیز شایسته ای به کسی بگویم از همجوارانم کمك میخواهم، این‌عادت ازدوران مکتب باهن یکجا بوده است ..

آنانیکه دور میز نشسته بودند تبسم کنان بااحساسات خیلی گرم برای والیا کف‌زدند. والیا هم‌سرش رابه‌رسم احترام پائین آورد وبه‌گفتارش ادامه داد :

ـوازین لحاظ است که شعری‌ازیك‌هم‌صنف خود را که درمورد پیتر ماسروده میخوا نم ((عاشقت هستم، پیتر زیبایم...)) بلی او حق بجانب بود آیا پیتر ماارزش اینراندارد که‌اورا دوست نداشته باشیم و حتی‌عاشقش نشویم. شاعر حتی درمورد زن پیتر هم‌اشعار قابل ملاحظه ای سروده ((درهفده سالگی اولگا چون گل‌است ...)) ووالیا باآداب خیلی کلاسیك خویش دست اولگا دیمیترویچ زن پیتر رابوسیده خودرا خم‌نمود وبوسه‌ای هم ازپیشانی پیتر برداشت .

گارسون هابه سرعت ظروف راتبدیل میکردند ومهمانان اکنون ازخوردن ماهی فارغ شده بودند ودست به‌خوردن غذا های دیگر زدند.

معاون مدیر محاسبه ازجایش بلند شده گفت:

ـپیترما ،خوبترین وشریف ترین انسانهاست ماآرزو مندیم تاازین همه صفات خجسته او امشب باکمال دقت و شایستگی تجلیل بعمل آید.

هنوز گفتار معاون محاسبه به اخیرنرسیده بودکه غریوی ازکف زدنها بهواشد. و پیتروویچ ازبس راضی بنظر میرسیدازین احساسات دوستان چشم هارابرای لحظه ای بست وپلك هارا روی هم فشار داد بعدا آنرا نیمه بازکرده بسوی مد عوین نگریست ویگان نگاهی هم‌بطرف خانمش انداخت .

ووقتی گارسون به آوردن قهوه و کیك گلدار وچاکلیت آغاز نمود منیجر رستوران خودش رانزد آقای الکسی کاسیانین که ادارهٔ مجلس رابدست گرفته بود نزدیك شده‌جدولی راباکمال نزاکت به‌اوتقدیم کرد. و به‌ملایمت گفت:

ـبفرمائید، اینهم صورت حساب‌تان!

الکسی باتعجب پرسید: ((صورت حساب چی ؟))

ـدعوت حساب‌دعوت ...

ـدعوت ؟! اجازه بدهید ، اجازه بدهید .

معاون صاحب محاسبه که شخص خودشان‌هم همینجا تشریف دارند .فرمودند که‌نظر به ماده ... تمام مصارف راموسسه ما می‌پردازد...

منیجر هوتل سرپنجهٔ پاوجودش رابلندکرد وگفت :

ـوقتیکه مدیر صاحب محاسبه از مرخصی برگشت وپیشنهاد ماموین را ملاحظه کرد گفت که‌اونمی تواندهمچو خرچ های بی معنی را ازپول دولت منظور کند . بنابران ازشما خواهشمندم تاحساب تانرا خودتان بپردازید.

منیجر بل راروی میز گذاشته و خودش رفت.

الکسی آهی کشید ومتعاقبا شش هایش را ازهواپر کرد ودوباره خالی‌نمود بل رابرداشت ویك‌باردیگر آنرا حساب کرد:

ـدوصدوهشتاد لیره وماهمه بیست وهشت نفریم یعنی فی نفرده لیره خود را به پیتر نزدیك نموده باصدای قاطعی گفت: شماپنجاه روبل باید بپردازید پیتروویچ‌به‌آهستگی گفت :

ـمحترم ،پنجاه روبل‌چی ؟

الکسی جواب داد:

ـ بخاطر دعوت ، فی نفر ده روبل،چون‌شما پنج‌نفرید بنابران پنجاه روبل .

رنگ ازرخ پیتر پرید. روی پیشانیش قطرات عرق‌هویداشد .

پیتر باعصبانیت گفت:

ـا، ا.. اجازه بدهید ...ا.ا.ا.اجازه‌بدهید. مصارف دعوت که‌منظور شده‌است.

الکسی قاطع ترگفت:

ـنه‌منظور نشده‌بود . مدیرصاحب‌محاسبه آنرا منظور نکردوگفت که‌این مصرف بکلی بیجا اسراف تلقی می‌شود . بدینترتیب ازشماخواهش مندم که‌مبلغ پنجاه لیره بپردازید .

ولی این عمل اساسا مجلس ماراتوهین کرده میدانید چه‌میگویم توهین کرده... ماهمه اهانت شده‌ایم .ورو بطرف خانمش کرده‌گفت: ((اولگا جان، باید پول دعوت را بپردازیم .

زنش فریاد بر آورد :

ـبپردازیم ؟! چه‌رابپردازیم ؟

پیترجواب داد:

ـ بخاطر کوفته های خام و ماهی بد مزه و . . .

میبینی عزیزم که‌چه جنجالی رونماگردیده.. خانمش باچشمان اشك آلودش به‌طرف پیتر نگاهی انداخته ودستش بسوی دستکول‌رفته‌به پالیدن پول مصروف شد.

ودراخیر میز دعوای بزرگ وجدی باوالیا آغاز شده وصدای شان سالون رستوران را مغشوش کرده‌بود. والیا بابی صبری گفت:

ـبالاخره بایدعرض کنم که‌بنده بی‌حدزحمت کشیده‌ام وچقدر وقتم راصرف بذله‌گویی و بدیهه سرایی نمودم !

ـوعلاوه ازین همه کارهای تان لطفا ده لیره لطف بفرمائید .

والیا دیری بابندل کاغذ هابازی کرده یکی راتا ودیگری رابالاکرده پولهایش رادومرتبه شمرده بالاخره ده لیره رابه الکسی‌کاسیانین به‌کراهت تقدیم کرد. وگفت:

ـبه‌این حساب شیطان هم نمی تواند رسیدگی کند برای این شلغم بینی بی تمیز من‌باید وقتم راضایع کنم و حتی پول هم‌باید بدهم !... بادست بطرف پیتر اشاره‌کرده‌واز رستوران خارج‌شد.

معاون مدیر محاسبه همینکه اطلاع یافت موضوع ازچه قرار است رنگش سفید پرید وچهره اش به مامور هایی می ماندکه‌گویااز طرف آمرش اخطار شده‌باشدآنهم‌اخطار جدی ودرحالیکه پول هارامی‌پرداخت گفت:

ـدرست است، این حقیقت دارد که‌مصارف این‌دعوت رامدیر محاسبه منظور نکرده است .

سالون رستوران خالی شد والکسی خیلی ها خسته شده بود همه پول هاراشمرده گفت:

ـدوصد وهفتاد لیره آه ...بلی‌بلی خودم هنوز نپرداخته ام. وازجیبش ده روبل بیرون آورده آنرا باپول های دیگر یکجاکرد. گیلاس های نیمه خالی راسر کشیدودرحالیکه نفس عمیقی می کشید گفت:

ـواقعا هیچ حاجتی نیست که‌به همچو جشن‌های مزخرف که‌نه عقل ونه قلب از آن مستفید می‌شود یك مصرف بکلی اضافی‌وبیجا رامنظور کرد. (پایان)



ازدوستان

انتخاب از: فریده سها بخشی

تنها

بکنج عزلت وتنها ره‌فرار ندارم — عنان زکف شده‌ام صبرو اختیار ندارم

بهر که مینگرم در کنار یار خود است — درین میان من‌غمدیده یك نگار ندارم

چه دیده ای زمن خسته ای نگار فریبا — که رفته ای زهجر تومن قرار ندارم

بجز جوانی خودراکه شمع راه‌تو کردم — چی کرده‌ام که بنزد تواعتبار ندارم

تمام عمر شدم‌منتظر که‌نزد من‌آئی

کنون زدوری توتاب انتظار ندارم

حقیقت از نگاه فکاهی نویسان

اگر قصد آزار همسا یگان را دارید،حقایق مربوط به آنها رابه همه بگویید .

(پیتر وآرتینو ایتالیایی)

گرچه حقیقت کمیاب است ولی همیشه عرضهٔ آن‌از تقاضا بیشتر بوده است

(جاش بلنیگر امریکایی)

اگر حقیقتی‌در جهان‌بیان شده باشدبوسیله کودکان بوده است وبس

(دو گلدس جرالد **انگلیسی)**

راه وروش من در لطیفه گویی آنستکه حقیقت را میگویم زیرا خود حقیقت خنده‌دار **ترین موضوع دنیاست واصولا مردم حقیقت به‌آن چیزی میگویند که هیچکس نتواندآنرا** باور کند.

(اولیور هولمنز امریکایی)

به انتخاب شهناز عادل ـ الیاس

از یونس پیشتاز

پیمان

بیا !

بیاو بامن پیمان وفا ببند !

بیا ای معشوقه زیبایم !

مرا بزندگی امید وار بساز ،

* * *

بیا !

بیاو بامن پیمان وفا ببند !

بیاکه پیمان بستن :

عهد بستن باخوشبختی است،

متحد شدن باآرزو است ،

ویکی شدن با سعادت است .

بیا! بیندیش که پیمان بستن گناه نیست!

* * *

بیا !

بیاو بامن پیمان وفا ببند !

بیا غبار اندوه رااز لوح ضمیرت دورکن!

بیا صدای روحم را بشنو !

بیا وعمری رادر کنارم بگذران !

بیا !بیا ای دلدار نازنین !

بیا !بیا قبول کن که پیمان بستن گناه نیست !

از: فضل هادی محصل طب

مهٔ‌مهربان

با فکر وياد يار به کار جهان منم — خلوت در انجمن کنم وشاد مان منم

دیوان من زشکوه جور وستم تهی‌است — شکر خدا بیاد مهٔ مهربان منم

تا درهٔ وفای تو ثابت قدم شدم — سر را همیش برسر آن آستان منم

از جور روز گار توقف نمیکنم — این شوق همرهی کند آنجا روان منم

حقا خیال روضهٔ رضوان شد از سرم — ایندم که خوش به کابل افغانستان‌منم

از نیستی وفقر شکایت چرا کنم — باطبع پاك وروشن وفکر جوان منم

خاموش کی شوم به بهاران آرزو — هم نغمه باترانه این بلبلان منم

دانم که پیش گر نروی وقت میرود — زان در فضای سیر وگذار زمان منم

(هادی) بهار میرسد وبس مگو دگر

بارنگ زعفران وقلب خزان منم

هوس

ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل

تا اینجای داستان خواندید :

(ژان) به خانه دوستش (بیتی) میآید (بیتی) اورا نزد دوستانش میبرد واورا به ایشان معرفی میسازد در ضمن این معرفی (ژان) با (برنادر). دوست صمیمی (بیتی) آشنا میشود. (برنارد) بعد از گفتگو با (ژان)، از وی خواهش میکند که به خانه‌اش برود. اما (ژان) این خواهش رارد مکند. فردای آنروز (ژان) به خانه میباشد (بیتی) نزد وی میاید واز او میپرسد که آیاگاهی عاشق شده است واینك دنباله داستان :

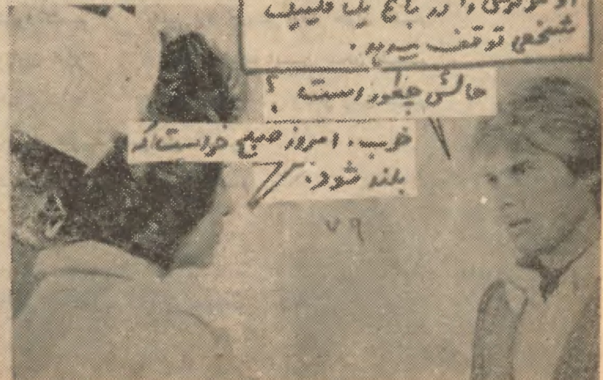


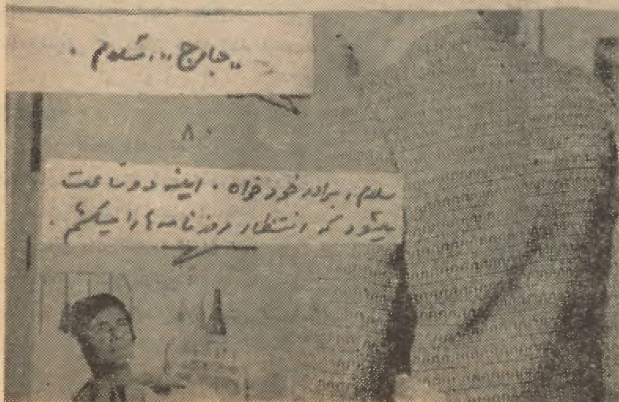


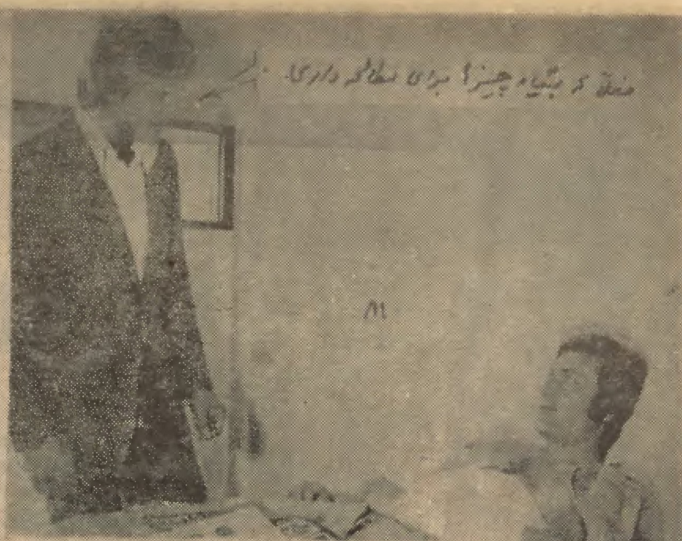








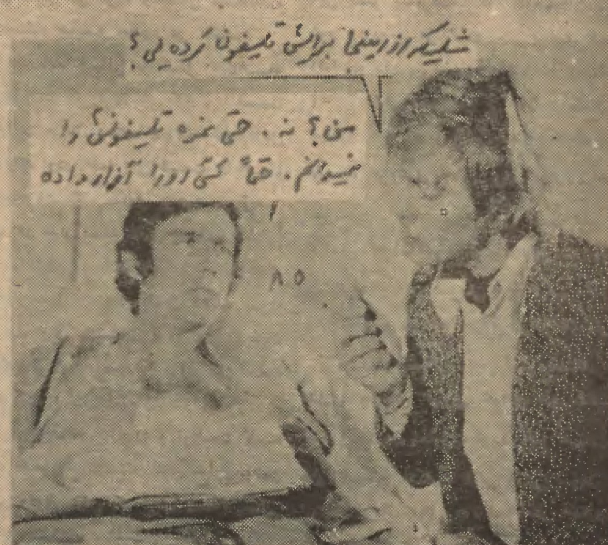


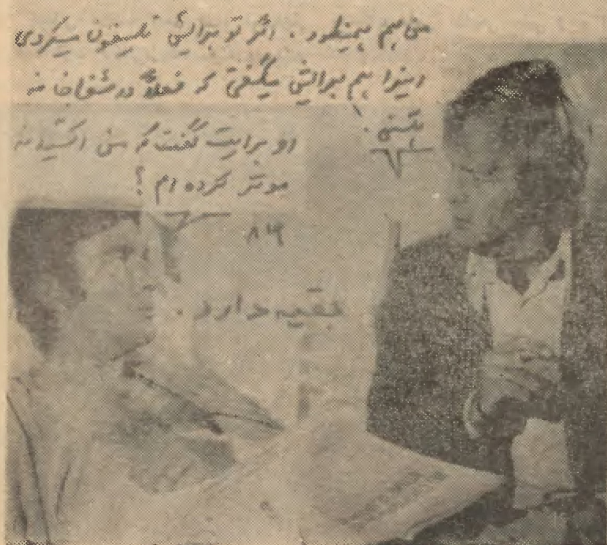

منتظرم که بگوئی چیزی برای مطالعه داری
۸۱


خبر دلچسپ چیست؟
پدر و مادرمان با هم مشاجره کرده اند، پدرمان رژیم غذایی اش را تعقیب نمیکند.
۸۲


مادرمان، یک غذای لذیذ برایش می پخت.
... و بعد با هم آشتی میکنند.
۸۳


بلی، مثل همیشه. آه! فراموشم شد که بگویم یک دختر بنام «ژوان» برایت تیلیفون کرده بود. او گفت که امروز صبح برایش تیلیفون کرده بودی.
ژوان؟
۸۴


شنیدم که از دینا برایش تیلیفون کرده یی؟
من؟ نه. حتی نمره تیلیفونش را نمیدانم. حتماً کسی او را آوازه داده
۸۵


من هم همینطور. اگر تو برایش تیلیفون میکردی دینا هم برایش میگفتی که فعلاً در شفاخانه هستی.
او برایت گفت که من اکسیدنت موتر کرده ام؟
۸۶
بقیه دارد.

دستگا های مداری برای ده سال باتبدیل شدن ۱۲الی ۲۰ فضا نورد درین مدت‌درمدار زمین در آینده فعالیت خواهند کرد .

بوجود آوردن قوه جاذبه مصنوعی دردستگاه های کیهانی ممکن میباشد درمدار زمین‌در بدنه دستگاه های کیهانی برای‌فضا نوردان پناهگاههای مخصوص‌ساخته خواهد شدتاوقت خطر باآنجا پناه برده بعد بزمین مراجعت‌کنند سفاین کیهانی مخصوص درآینده شناخته خواهدشد .

ترجمه از دیپلوم انجنیر سروری

در جهان دانش

انسان‌ودستگاه‌های عظیم‌مداری آینده

ساختن دستگاه های‌مداری (سالوت دراتحاد شوروی وسکای لایب درایالات متحده امریکا مرحله مهم وپر مسولیتی رادر پیشرفت‌فضا نوردی هردو کشور جهان طی کرده ومی‌نماید. این قسم دستگاه های مداری می توانندهم در رژیم اتومات وهم در رژیم پلوت دار فعالیت کنند .درین قسم‌دستگاه‌ها فضانوردان می توانند تحقیقات ومطا لعات‌دوام دار خویش راانجام بدهند بااستفاده ازدستگاه های‌مداری فضا نوردان ودانشمندان می توانند حل‌یك عده مسایل تحقیقات کامپلکسی نزدیك مدار سیاره زمین وذخایر طبیعی آن‌را ازفضاکیهانی می پذیرد ،اجسام بسیار دور عالم افلاك، مطالعه وتحقیقات سیاره زمین ،اتمو سفیر سیاره زمین وذخایر طبیعی آن‌را ازفضاکیهانی بااشتراك انسان محهیا به سازند .

اولین دستگاه آزمایشی کیهانی از طریق اتصال سفاین کیهانی مداری (سایوز-٤ سایوز - ٥) در جهان ساخته شده بوداین سفاین کیهانی اجازه داده است که یك‌عده مسایل مهم فضا نوردی رااز قبیل اتصال سفاین کیهانی درفضا آمدن فضا نوردان‌از طریق فضا آزاد کیهانی‌ازیك سفینه به‌سفینه دیگر کیهانی واداره کاپلکس نو تشکیل‌شده رااز مایش وکنترول نمایند .

در اولین دستگاه مداری طویل المدت کیهانی (سالوت) فضا نوردان دوبرولفسکی، ولکوف ،پاسایف ۲۳ روز تحقیقات خویش‌را ادامه دادند .این‌فضا نوردان پروگرام‌تحقیقاتی راعملا اجرا کردند .معلومات علمی از مدار سیاره زمین از طریق کانال تیلو متری به زمین مخابره گردیده ومعلومات علمی پر ارزشی را آنها باخود بزمین آوردند دستگاه مجهز تروتکمیل تر«سالوت۲»در رژیم‌اتوماتیکی فعالیت کرده واجازه داده است‌که تمام‌سیستم های جدید آن‌را معاینه کرده‌ویك عده‌تحقیقات علمی راانجام داد تاچند ی‌قبل دستگاه مداری (سالوت -۳) در فضا کیهانی مشغول اجرای وظایف محوله خویش بوده وفعلا تحقیقات علمی خویش راموفقانه‌بپایان‌رسانده است چندی قبل فضا نوردان اتحاد شوروی پاپوویچ وارتیو خین از سفر کیهانی بزمین باز گشت کرده ودرمدار زمین‌در بدنه دستگاه کیهانی مداری سالوت -۳ کامپلکس زیاد تحقیقات علمی تخنیکی ،طبی وبیو لوژیکی‌را انجام دادند .

فعلا سفینه کیهانی سایوز -۱۷ بادستگاه مداری سالوت -٤ یکجا در فضا کیهانی گردش نموده وفضا نوردان اتحاد شوروی تحقیقات علمی خویش را در بدنه لابراتوار کیهانی سالوت ٤ انجام میدهند . به کار های‌فضا نوردان وزحمت دانشمندان،طراحان ،انجنیران ،تخنیکران ،کار گران وتمام موسسا تیکه در آماده ساختن وعلمی ساختن پرواز دستگاه مداری علمی سالوت -۳ وسفینه ترانسپورتی (سایوز -۱٤) حصه گرفته بودند حزب‌و حکومت اتحاد شوروی اهمت زیادی قایل‌است

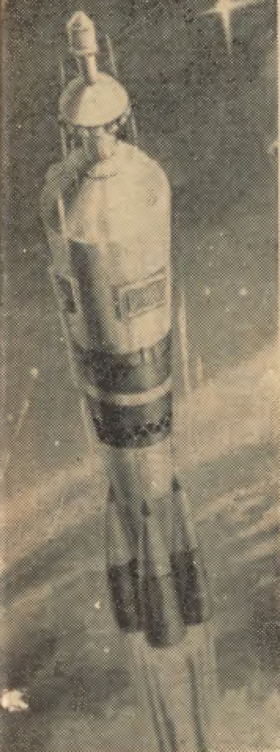
در پهلوی دانشمندان ومتخصصین یك عده کشور های جهان پرابلمی را طرح می سازند که باساختن دستگاه های بزرگ‌وعظیم مداری ارتباط محکم دارد واینجا سه راه‌موجود است .

اول :دستگاه رامی توان بصورت بسته ومانتاژ شده بمدار زمین داخل ساخت وفعلا هم‌از ین طریقه استفاده می گردد طبعا‌اندازه ووزن دستگاه نظر به قدرت راکت انتقالی دهنده آن تعیین می گردد وبه‌همین علت‌اندازه ووزن دستگاه همیشه محدود می باشد.

دوم :دستگاه کیهانی به شکل بلاك‌هاو قسمت ها تهیه می گردد هر بلاك ویا قسمت ذریعه راکت انتقال دهنده جداگانه بمدارداخل ساخته شده ودر فضا این قسمت هاباهم وصل شده ودستگاه مداری بوجود می آید.

سوم :در مدار بسته کاری در فضا کیهانی عناصر ساختمانی دستگاه وسایط وبلاك های دستگاه ذریعه راکت های انتقال دهنده برده میشود بعد ازآن بااشتراك فضا نوردان‌وبکمك سفینه کیهانی مخصوص که برای این مقصد مجهز گردیده است بسته ومانتاژ می گردد.

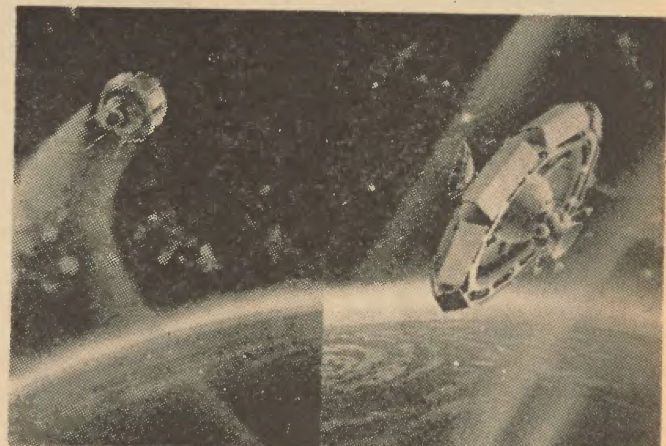
در آینده نزدیکی ماخواهیم توانست که راجع به طرح وتهیه‌دستگاه های مداری‌چندین مقصد یی وفوق عظیم که برای عمله‌کیهانی ۵۰الی ۷۰ فضا نورد تشخیص داده شودبحث کنیم .



دستگا ه های کیهانی درفضا تحقیقات می نمایند.

البته باگذشت زمان تعداد عمله کیهانی درین قسم دستگاه ها رو بتزاید بوده وبه ۱۰۰ ویا زیاد تر از آن خواهد رسید راجع باین قسم پیشرفت‌ها فعلا درصفحات‌مطبوعات غور وبررسی می گردد .در پهلوی همه اقدامات دلچسپی زیاد به ساختن دستگاه‌های مداری علمی مخصوص بی پیلوت نشان داده میشود البته درین قسم دستگاه هافضانوردان نظر به پروگرام معین برای عیار ساختن‌و معاینه وسایط علمی ،تبدیل کردن فلم های عکاسی که در آنها معلومات علمی ثبت‌وذخیره می گردد وبرای تبدیلی ویا ترمیم کدام‌بلاك ویا سیستم در آنجا مسافرت خواهند کرد .

آیا عمله کیهانی درین قسم دستگاه های مداری به‌زودی تبدیل خواهد شد ؟البته‌این موضوع هنوز تحقیق میشود .چیز مهم‌درپرواز های کیهانی عبارت ازبی وزنی بودن فضا نوردان میباشد اگر به‌گذشته نظر اندازی‌کنیم دیده میشود که شانزده سال قبل بی وزنی

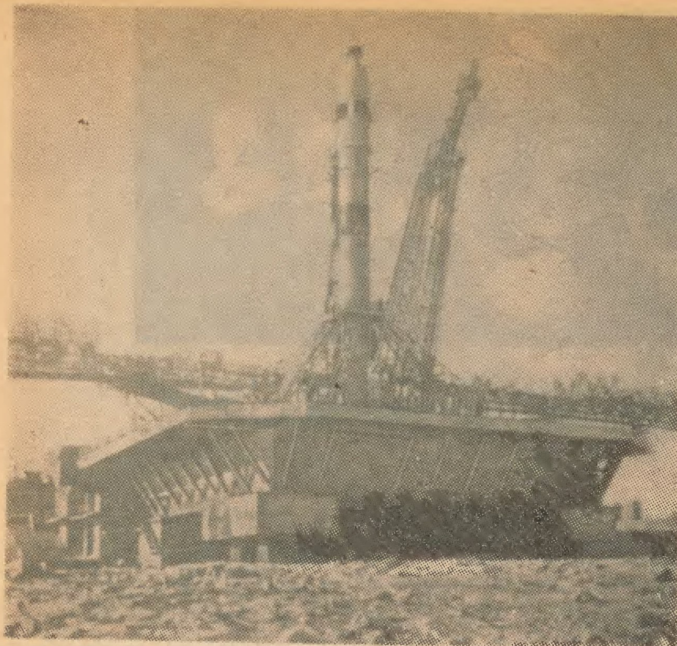


دستگاه مداری بین‌المللی «فانتیزی» وقمرمصنوعی انتر کوز موس درجریان پرواز

ازجمله اثرات اسرار آمیز محسوب می گردید وواضح نبود که آیا انسان می تواند حتی‌در ظرف ده دقیقه این بار عظیم را متقبل شود بعداز اولین پرواز های پیلوت دارپرواز طویل المدت فضا نوردان اتحاد شوروی‌در سفینه کیهانی (سایوز -۹) ،در دستگاه‌مداری (سالوت) وهم چنان در دستگاه کیهانی «سکای لایب» ما دانستیم که انسان بدون از دست دادن صحت خود می تواند در فضا کیهانی هفته ها و ماهها باقی بماند .طوریکه فکر میشود میتود های‌مخصوص مشق وتمرین استفاده از وسایط مختلف‌بار فزیکی درجریان پرواز های مداری ترتیبات برای دقیق ساختن وبالا بردن خون از پاهای فضا نوردان‌اجازه خواهدداد که این مدت رازیاد تر سا خت. ارگا نیزم انسان به طرز حیات کیهانی آن‌قدر شدید عادت می گیردکه برای باز گشت‌کردن به شرایط زمینی‌بایدآزمایشات زیادی‌رامتقبل شود پرابلم عادت کردن آن‌به شرایط زمینی دقت وتوجه زیاد را تقاضا می کند بدین لحاظ در شروع فضا نوردان در لابراتوار کیهانی بزودی تبدیل خواهند شد .

البته ازآن درسفاین پرواز طویلالمدت عظیم البسه مستریح قوه جاذبه مصنو عی ساخته خواهد شد این قسم‌طرح‌هاازطرف دانشمندان یك عده کشور های جهان فعلا مطا لعه قوه جاذبه مصنوعی فقط ازیك طریق ممکن میباشد و آن را هنوز بوقت خود سایکو فسکی فکر کرده بود واین قوه فقط از طریق حرکت دورانی دستگاه‌میسر شده میتواند باپر نسیپ ساختن قوه کشش«جاذبه» مصنوعی هریك از شما خوانند گان محترم روبرو شده اید اگر موتر سرویس ویاتکسی باسرعت زیاد حرکت کرده وباهمین سرعت دور بخورد قوه فرار از مرکز شما رابه بادی خارجی موتر تیله می‌کند وواضح است که‌هر قدر سرعت موتر زیاد باشد به همان اندازه این تاثیر زیاد تر می باشد. به‌نظر اول این قسم معلوم میشود که برای حس کردن قوه جاذبه نزدیك به‌قوه که‌مادرزمین عادت گرفته ایم دستگاه کیهانی باید به‌شدت دور بخورد .

از تجارب روز مره واضح گردیده است که گردش بسیار تیز در ابتدا سبب سر چرخی شدید می شود درین شرایط عمله سفینه کیهانی قادر به اجرای فعالیت صحیح نخواهند بود برای اینکه ازین تاثیر ناگوار جلو گیری کنیم لازم است‌که گردش لابراتوار بطی باشد مگر درین شرایط ساختن قوه جاذبه قابل تاثیر فقط در مسافات زیادازمحور گردش ممکن میباشد یعنی دستگاه باید دارای ابعاد عظیم باشد بدین‌صورت خواص مشخصه ودور نمای دستگاه های مداری آینده که‌عبارت از عظیم بودن وحرکت دورانی بطی آن‌میباشد بوجود می آید .درین قسم دستگاه هاباقوه جاذبه مصنوعی انسانها بصورت عمومی می



درگردش بسیار تیز سفینهٔ کیهانی قادربه اجرای فعالیت صحیح نخواهد بود

توانند حتی بسیار ماهها فعالیت نمایند .

نجات دادن عمله کیهانی در اثنای بروز خطردر فضا یکی از جمله پرابلم بسیاربا اهمیت میباشد .در بدنه دستگاه شاید پناگاه های مخصوص ساخته خواهد شدو درین‌پناه گاه ها فضا نوردان به انتظار سفاین ترانسپورتی خواهندبود.ازسفاین ترانسپورتی جدید وقتی استفاده خواهد گردید که دستگاه نوکر یوال که با لابرا توار کیهانی وصل می باشد قادر به نجات ورساندن فضانوردان به ستاره زمین نباشد .

موافقت نامه لدولتی ایالات متحده‌امریکا واتحاد شوروی برای حل این پرابلم وبلند بردن درجه امنیت پرواز انسانها به فضا کیهانی دارای اهمیت زیاد میبا شد ازین موافقت نامه ساختن ترتیبات اتصالی وجهاز نزدیك شدن مشترك برای سفاین کیهانی ودستگاه ها شامل میباشد .

د۱۵مخ پاتی

دیانااوپاین

دواړه غلي وو دیانا پرته له‌دی چه هغه ته وکوری چوپه ولاړ ؤ،له هغی پیښی‌نه‌وروسته دیانا نور داجرات نه درلود چه چاته وگوری.

په پای کښی المر ورنژدی شو او په ډیره مینه یی ورته وویل :

-دیانا !زما گرانی دیانا !

دیانا منه‌ه کړه اوپه څوکی کښیناسته‌المر ورغی او دهغی څخه دیر مینی دراز او نیاز غوښتنه وکړه .

په‌دی‌ی وخت کښی دیانا ډیره په غوسه شوه او ورته یی وویل :

-زه داکا رنه شم کولی حتی ستا سره هیڅ مینه نه لرم .

دیانا هغه ټیل واهه او ورته یی وویل

-ته زما ،سره مینه نه لری اونه شی‌کولی چه‌زما مینه وساتی نوزه به څنگه ستا سره مینه ولرم ته وگوره چه دلته څه پیښه شوی اوته دعشق خبری کوی ؟

په دی وخت کښی المرورنژدی شو اوورته یی وویل :

-ښایيی چه دغه پیښه ستا سره زمادمینی داعتراف مقدمه وی‌ته نه پوهیږی چه‌دمینی اوردمینانو په زړو نو کښی هغه وخت بکی پیدا کوی چه دغه راز ناوړه حوادث دهغوی لمنه ونغاړی تاخوزما سره مینه درلود نوداولی اوس زما مینه غندی ؟

-ته بایدو پوهیږی چه سبا، زماد محاکمی ورځ ده .

-گرانی محاکمه زمونږ دمینی سره څه ارتباط لری رښتیا ماوویل چه زمونږ دمینی سره ..... آیا داحق می درلود چه داسی می ویل وای اوکه نه باید ویلی می وای چه‌زما، دمینی سره ؟

-المر زمونږ دمینی سره

-نو په دی ډول ته‌زما محبوبه یی‌او تل به زما، وی ؟

-حتی که په‌محاکمه کښی څرگنده کړی‌چه مادروغ ویلی او څرگنده کړی چه مادپاین سره لاس اچولی او څرنگه چه هغه زما، بدایسید ه‌اونه می غوښتل چه زمادمورخواته لاړشی هغه می له زینی څخه غورځولی اود مړینی سبب یی زه شوی یم .

-هغه وخت به هم ته زما سره مینه‌ولری؟

که څه هم ډاډ درکوم چه‌کار به دی اندازی نه‌ونه رسیږی څکه چه داخبره څرگند ولی نه شم پاین دناځاپی څراغ دروښانولو په‌اثر واخطا شوی بس همدو مره المره له ماڅخه لری شه زه نشم کولی چه ستا سره واده وکړم .

-تازمامینه ومنله نوردنه‌منلووړخای‌نه‌دی پاتی ستا دراتلو نکی میره لوړی امر دادی چه‌دافکر ونه له‌سر څخه لری کړی .

بقیه صفحه ۳۱

قصه از غصه ها

توجه شو هر تان را به حال خود وفر زندان تان با زبانی که بتوا ند او را و آگاه سا زد و در دلش اثر بگذارد جلب کند و از عاقبت کا ری که جز ندا مت ثمری نخواهد دا شت او را آگاه بسازید فکر میکنیم این بلای نیامده از شما رفع خوا هد شد، در غیر آن مراحل قانونی هم است که امروز میتواند بیاری و دستگیری شما و فر زندان تان بشتابد.

بامید کو تاه شدن‌عمر غصه هایتان

بقیه صفحه ۸

مکاتبه اسکندر

از ایشان مشوره مخوا وفوری‌در بنای حصاری که در نظر داری اقدام‌کن سپس اسکندر به اعمار حصار شروع کردو بدین ترتیب اولین دژ مستحکم یونانی رادر خاك های افغا نستان‌ودر حوزه هری رود بنانهاد که‌در ماخذ یونانی بنام (اسکندر یه‌هریوس)یا (اسکندریه هریون)شهرت داردومیتوان آنرا اسکندریه حوزه هری رودخواند.

این حصار مستحکم کانون تمرکز دسته ای از سپاهیان یونانی گردیدو مدتی مشاور نظامی اسکندر (اناکمند یپوس) درآنجا تقرر داشت تاروزیکه اسکندر از حوزه هری رود بطرف‌فراه روان شده‌مشاوری‌وی‌دراثر عکس‌العمل معلیون هرات بقتل رسید.

وثابت شدکه طبق تاثیر خاك‌که نمونهٔ آن‌به یونان فرستاده شده‌بود باشند گان‌حوزه هریرودبه استقرار بیگانگان دردیار خود راضی نبودند ویا تهاجمین به تکرار جنگیدند .

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ شاعری بزرگ از بلخ ـ راکت ـ واین هم یکی دیگر از شعرای بلخ است که درین هفته سیمیناری راجع به زندگانی او دایر شده است اما در اینجا یك حرف از نامش کم شده است ـ۲ـ کار ناقص ـ ناظم کلیله دمنه ـ عددی است ـ یکی از فرایض دینی است اما بشرط استطاعت ـ۳ـ مشهور ترین مایعات ـ درین روزها وقت کاشتن آن است ـ حشره‌ای که پشتکارش ضرب‌المثل شده است ـ روز نیست ـ٤ـ یکی از فلاسفهٔ مشهور فرانسه ـ عبادتگاه هها از مثنویهای داستانی امیر خسرو ـ٥ـ مفهوم لفظ ـ عیب ماراوبرو میگوید ـ امر از رفتن ـ چه وقت؟ ـ٦ـ تنکه ای مشهور است ـ زندگی بدون آن از مرگ بدتر است ـ۷ـ مرکز یکه از کشور های بزرگ غربی ـ جمع اداره ـ معکوسش در امان است ـ۸ـ خمرهٔ چپه شده ـ ازعشاق افسانه ای ـ بر گردن اسپ دیده میشود ـ۹ـ ابن سینا علوم علیه رابه این نام نامیده است ـ چوب (عربی) حیوانی اهلی است ـ رنگ (عربی) ـ۱۰ـ در داخل مسجد دیده میشود ـ بدون خار نیست ـ اثر ـ درممکن است یافت شود ـ حافظه ـ۱۱ـ هوش مختصر ـ نطق و گفتار (پشتو) ـ آب میوه (عربی) ـ شیخ اشراق منسوب به آنجا ست ـ۱۲ـ گریهٔ ابر ـ از ممالك عربی ـ موجود است ـ پشت دست نیست ـ۱۳ـ توانگر ـ از ماههای رومی ـ مقتدا ـ معکوسش را نمك زندگی خوانده‌اند ـ ١٤ـ هنر وصنعت ـ در ختی که شاعران ازآن بسیار یاد کرده اند ـ ازحروف الفبا ـ هنر خارجی ـ۱۵ـ از غذاهای وطنی ـ جامش معر و ف است ـ آن گرفت جان برادر که کار کرد ـ کار درویش ..... برادکه ترانیز نارها باشد ـ١٦ـ همیشه ـ از آنسو رود ست که رودکی ریگش رابر نیان خواند ـ۱۷ـ از آ لات دیمی موسیقی ـ۱۸ـ تنها ـ صد (پشتو) ـ۱۹ـ نامور بی نام ـ تفکر بی نظم وترتیب ـ۲۰ـ کهنه نیست ـ علامت مفعول صریح ـ۲۱ـ کمك ـ کسی که کار دیگری رابر عهده میگیرد ـ۲۲ـ به معنی (اگر) می آید (عربی) ـ نام دو صورت فلکی است که به اکبر واصغر از یکدیگر امتیاز داده میشوند ـ۲۳ـ نصف ایمان خوانده شده ـ گل نو میدی ـ٢٤ـ ... ـ۲۵ـ پهلوان ـ خانهٔ شعر ـ یکی از خزندگان ـ قدح میانی ـ٢٦ـ دوستی ـ رومانیست از استاندال ـ این نیز ازفلا سفهٔ معروف فرانسه است .

عمودی :

۱ـ شهر ومملکت ـ شکستنش هنر نیست ـ از ادات کفایت ـ مرکز یکی از ممالك عربی ـ تخلص دیگرنوائی است ـ با حکمت سروکار دارد ـ۲ـ مرغی است مفید ولی منفور ـ از زنان شاعره ـ شعرمی گوید ـ رئیس ولایت ـ از آنسوحل میشود ـ۳ـ عدد اول ـ خوشبخت ـ اصیل و شرافتمند ـ عدد دوم ـ نفس ـ٤ـ اطاعت واجرای آن وظیفه همگان است ـ از حیوانات بحری ـ از داستانای مبتذل عامیانه ـ یکی از فلزات ـ لقبی که شاعران گاهی به معشوق خود میدهند ـ٥ ـ در زمستان بی قدر است ـ از سفینه‌های فضائی ـ٦ـ منارش معروف است ـ خیمه های بی ترتیب ـ بس است ـ از آنطرف شش است (عربی) ـ۷ـ شعرالب یار را به این سنگ تشبیه کرده اند ـ از رمیدن گرفته شده ـ۸ـ دروازه (پشتو) ـ راه بی انتها ـ روز حاضر ـ۹ـ سوپ محلی ـ دخترش در دیوان شاعران تو صیف شده ـ مجذور سه ـ۱۰ـ زحمت ـ از پارچه های گرانبهای قدیمی ـ دو شیدنی ـ دیگر (پشتو) ـ۱۱ـ بسیار نیست ـ از میوه‌های بهاری ـ سیاره مریخ ـ۱۲ ـ از منابع ویتا مین صنعت آر تستها ـ دردکان مسگری بجو یید ـ ۱۳ـ معکو سش بداست ـ میز وارونه ـ از میوه‌های کوهی ـ ماه کو چك ـ١٤ـ ضد قبول ـ. تیشه دادم که هیز م شکن نگفتم که دیوار مردم بکن ـ امر از گفتن (عربی) واحد پول در ا یام قدیم ـ۱۵ـ سرور ـ خراب ـ یکی از مناطق زیبای کوهستانی در کنرها ـ روز ناقص ـ١٦ـ نیك ـ دست راست او ـ خدمتگار ـ به معنی صدهزار مستعمل است ـ اهل ادب ـ۱۷ـ مخفف زحمت ـ تردید ـ حرف عطف ـ در یافتن ـ شاد باش ـ فریبنده ـ قوت میان خالی ـ۱۸ـ ازستار گان سینما ـ دفتر ها ـ موطن ابو نصر فارابی ـ جادو گر

طرح کننده : صالح محمد کهسار

سرگرمی ها

م. روحانی

قیمت حروف را تعیین کنید

در شماره گذشته این معماطرح‌شده بود اماً متاسفانه بر اثر غفلت مصحیح حروف لاتینی که اصل‌معمااست از نشر باز مانده‌بود، نا چار درین شماره مساله رامجد دا طرح‌مینما ییم .

هریك ازین حروف از لحاظاعدادقیمتی دارد که از جمع آنها عددی که‌بعد از علامت تساوی آمده است‌حاصل میشود . ترجمه تحت‌اللفظی جملهٔ لاتینی اینست :

چاچاچا جمع تو یسـت مسـاویست به دانس .اما معما سـاز فرانسوی که در شماره گذشته‌بـه‌خطا(ماساز) فرانسو ی چاپ شـده است، منظورش همان اعدادیست‌که‌هر کدام قیمت یکی از حروف مـی باشد ،آیا میتوانید قیمت حروف‌راتعیین کنید ؟

CHA+CHA+CHA+TWIST=DANCE

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
X	ن	ا	ر	ی	ا	X	ر	و	گ	ن	ا	X	۱
ا	X	ش	ی	م	X	پ	X	ا	ل	م	X	م	۲
ب	ن	X	ف	X	خ	ا	ش	X	گ	X	ش	ش	۳
ر	ک	ب	و	ب	ا	X	ت	ی	ل	ب	ا	ت	۴
ا	م	X	ر	X	م	و	ر	X	ا	X	پ	ر	۵
ر	X	ه	م	ر	X	ی	X	ت	ب	ر	X	ی	۶
X	ا	ج	X	و	ا	X	م	ا	X	ص	ن	X	۷
ش	X	و	ر	س	X	ش	X	ر	ک	پ	X	ا	۸
ا	ه	X	و	X	ا	ن	ش	X	ا	X	م	ع	۹
ه	م	ا	ن	ا	پ	X	و	ک	ن	آ	ر	ف	۱۰
ر	ه	X	ت	X	ل	ب	ر	X	ک	X	د	ر	۱۱
خ	X	ر	ک	ج	X	ط	X	م	و	ش	X	م	۱۲
X	ه	ت	ن	ا	د	X	س	ی	ر	ا	پ	X	۱۳

صورت حل جدول متقاطع شماره‌گذشته

معمای منظوم

بطوریکه درشماره گذشته گفتـه شد، کلمات بیتی که تحت این عنوان آمده است ، اصلا دری است کـه بشیوهٔ عربی ترکیب شده است‌ازین قرار :

اناگیر جمع انگور ، ساهت، فعل ماضی از سیاه شدن ، سبزت فعل ماضی از سبز شدن، و اشرورنـت فعل ماضی از شیرین شدن، تراشیش جمع ترش. بنا برین‌معنی« ان‌الاناگیر ساهت بعد ما سبزت واشرو رنـت بعد ماکانت تراشیشاً اینست کـه انگور ها بعد از آنکه سبز شده بود سیاه شدند و بعد از آنکه ترش‌بودند شیرین شدند .

جواب پرسشها

نویسده معروف :

عزیز نسین طنز نویس ترك .

نود درنود :

۹۰	۳۶	۶	۴۸
۹۰	۴۳	۳۰	۱۸
۹۰	۱۳	۵۴	۲۴
۹۰	۹۰	۹۰	۹۰

(قطرها: ۹۰ ، ۹۰)

قصه نویسان

– شمااز‌قصه کوتاه با ندازه کافی سخـن گفتید، اکنون میخواهم بپرسم ازنظر شما چه تفاوت هایی میان قصه کوتاه ورمان وجوددارد؟

– من تاکنون رمان ننوشته ام کـه بـدانم نیازمندی های یك رمان درچیست

– نقش هاوپندار ها چطور ؟

– فکر نمیکنم خصوصیت های یك رمان را دانسته باشد. این قصه فقط ازنظر کمیت زیاد است .

– بالاخربه قول خودشما رمان خصو صیت هایی دارد که نقشی وپندار ها فاقد آن‌است، این خصوصیت ها کدام اند ؟

– خصوصیت بارز یك رمان کمیت است ، بکاربردن کلمات زیاددر قصه . بعد کثـرت آدمها وگنجانیدن بیشتر ازیـك انـدیشه در محتوای قصه.

ازاین هاکه بگذریم در رمان زمان نسبتـا طولانی‌است، محتوای آن وسیع وگسترده است وجزئیات حوادث و حالات آدمهای قصـه در برخورد باهمدیگر شان به تفصیل تو ضیـح میگردد. درحالیکه درداستان کوتاه غالبا یـك آدم دریك مقطع زمانی کوتاه ودربرخورد بایك حادثه مشخص توضیح میگردد .

– وحالا باجازه تان آخرین پرسش رامطرح مبکنم :

– شمادر جریان صحبت خود در پیرامو ن قصه های خودتان گفتید که داستانهای شمادر محتوی خود شورانسانی رامی پـرورانـد و انساندوستی را ودرجای دیگرنیز اشاره نمودید که در داستانهای روانی شما آدمهای قصه‌خود انسانیت هستند ویابخشی از انسانیت، حالا میخواهم خواهش کنم ازمیان تمام کار هـای خود قصه یی راجدا نمایید وزآن دفاع کنبد ونشان دهیدکه همه آنچه راکه گفته اید واقعا درقصه پیاده شده است ؟

– به نظرمن این درست نیست که یك‌قصه نویس وقتی قصه یی رامی نگارد، در پهلوی آن دفاعیه یی هم بنویسد .

دراین صورت اودر وقت نگارش قصه بیشمر به فکردفاعیه خواهد بود تاخود قصه .

به این دلیل شخصاازهیچ قصهٔ خودم دفاع نمیکنم وحتی اگر کسی به هرسویه یی کـه باشد، از قصه های من انتقاد نماید ویکسره آنرا ردکند، من هرگزبه عنوان جواب هم اگر باشد ازقصه هایم دفاع نمیکنم .

– تشکر آقای رهنورد ازجانب ژوندون از شماتشکر میکنم‌که حاضر شدید در بحـث ماشرکت جویید

– من هم ازشماوژوندون متشکرم .



دزد دزد!

دزدی جامه کسی بدزدید وببازار بـرد وبه دست دلال داد که بفرو شد . جامه‌راآز دلال دز دیدند و دزد دست خا لی نـزد یاران آمد، گفتند :

ـجامه رابه چند فرو ختی ؟

گفت : به آنچه که خریده بودم !



زن ـ مه نمی گفتم که کوهگردی بـدردت میخورد اگرنی حالـی تره به کتابـداری کـی استخدام میکردن!



بدون شرح

ظرافت

دورفیق که در ظرافت مشهور بودندروزی هنگام تفرج و تفریح از جوار قبر ستانـی گذشتند رفیق او لی از دو می پرسید :

آن مقبره که سقفش افتاده از کیست؟

ـقبر پیر پالان دوز است !

اولی ـ بیچاره خیاط خا نوادگی‌شمادرهمین محل‌خوابید ه ؟

اززرنگی تا زرنگی

خانم به مامور اخذ احصاییه و ثبت‌نفوس گفت .

شوهرش چار سال است فو ت کرده.

مامور پرسید : چند تافر زند دارید !

ـسه پسر

ـبچه هایتان چندساله اند !

ـیك‌سا له ، دوساله وسه ساله :

ـشما که گفتید شو هر تان چار سال‌است مرده ؟

ـولی من که نمرده ام :



آمر ـ فعلا کمبودنداریم.

مراجع ـ صاحب‌به معاش پیشکی‌خواستیم!

خواب بخیل

بخیلی حاتم طایی رابخوا ب دید که‌نان‌به مردم م‌داد گفت :

ای بی تمیز !در دنیا اسراف میکر د ی، درآخر ت نیز :

سلمانی و مرکب

مردی دهاتی میخواست سر ش رابتراشد چون درده خودشا ن سلما نی نبود ، مرکبش را سوار شدو به‌قریه مجاور رفت و آنجـا زیر دست سلما نی نشست . ولی سلمانی موقع تراشید ن سر او رامر تب خون میکرد ودهاتی بی چاره ازشد ت سوزش جرا حات پیهم اشك در چشمش حلقه زده بود

درین موقع مر کب دهاتی رم کرد وسردر بیابان گذ اشت.

سلمانی باسادگی از دهاتی پرسید :

چرا مرکب شما رم کرد ؟

مرددهاتی گفت : بیچاره خیال کرد که‌شما بعد از من‌سراورا نیز خواهید تراشید:



پیش بینی منطقی برای باز گشت ازتصمیم انتحار!

در نمایشگاه رسامی

خانمی‌که به تماشای نمایشگاه رسامی مدرن رفته بود، مدتی مقابل تابلویی دقیق شد بعد خیره خیره به تماشاگردیگر گفت :

این نقاش های امروزی چقدر بـی ذوق بی سلیقه هستند! ببین بجای زن، چه غول نخراشیده وقیافهٔ مسخره ای رسامی کرده‌اند

آن دیگر که به اشتباه خانم پی برده بو خنده کنان گفت :

خانم اشتباه میفرمایند، این تابلوی نقاشی نیست ، آینهٔ قدنماست !!



متصدی : ز.س

ناز ولی

دنازولو مینی یم پرزړه نتلی
په‌نازونو یی بی انگاره سو ځولی
نوره نه‌کړم اشنایی دنازولی
که‌هر ځووی ښایسته په ځوی ښاغلی

«غنی»

دزره بلبل

ای دزړه بلبله مه پرېږده کوکار
ترانی وایه په شان دموسیقار
رڼا یی ده پښتو نخواکی گښته‌پورته
دآرزو لمر وچت شوی‌په کهسار

(پوهاند الهام)

اولسی ادب:

دماذیگر اوبه

دمازیگر اوبوته ځی په سامانه
وړوکی جلی‌مه کوه بانه

• • •

وړوکی جلی زه‌دی رنځور کړم
په سرو لمبودی لکه تنور کړم

داستاله لاسه می زړگی دانه دانه
وړوکی جلی می کوه بانه

***

وړوکی جلی زه‌دی رنځور کړم
طاقت می‌نه شی اوس څه دستور کړم

چی مازیگر گودرته ځی اوربل شانه
وړوکی جلی می کوه بانه

• • •

شین‌خال دی اینبی پاس پرجبین
نامردی جلی زه‌شوم غمگین
اوس دمجنون په شانی گرځم دیوانه
وړوکی جلی می کوه بانه

• • •

جمیله یاره جلی ده سخته
یاری یی مه کړه واوره کمبخته
آخر به سرشی په‌بیابان ویرانه
وړوکی جلی می کوه بانه

ملاعبدالجمیل لغمانی اولسی شاعر

اوسنی ادب:

دمینی شهادت

قاصده ! سلاه‌ونه ترجانان یوسه زما
دوصل ارزوگانی ارمغان یوسه زما
دمینی شهادت چی می باور کړی نازولی
په وینو سری جامی ورته نښان یوسه زما
له‌لاسه درقیب دکامیاب عشق سند
پرچی پرچی دزړه دا امتحان یوسه زما
اثر دلیونی مینی له ښارنه زه‌بهر کړم

لیلی ته‌خاطری دبیابان یوسه زما
له‌سترگوبه‌دی جارشم‌په‌پښوکی‌به‌دی‌خا وری
له‌سوزو سازه ډك دغه بیان یوسه زما
لمبه‌شوم ننگرهار کی دبیلتون له‌گرمی‌زیاده
حضورته یی داغمونه دهجران یوسه زما

دوکتور مجاوراحمد زیاد

دقمر مخ

څوك چی وويني دلبره‌ستاانور مخ
ورته هیڅ‌شی ستاپه سرږ ودقمر مخ
ستادمخ نمربه‌یی مات یو نفس کا
دقمر ښایست که‌هم واخلی دنمو مخ
تاچی سیر دباغ کاوه مخ دی‌یی‌ولید
له حجابه همه زړه شه دگل مرمخ
هم‌هغه‌ورځ دی‌خوبی دزینت‌مات کړو
څکه سپین شودیږدی گلاب احمردمخ

چی‌یی تل‌برابری کړه ستاله سترگو
دایم زیړلکه غماز وی، دعبهرمخ
څودمخ بریښنا دی غوځ دسړی زړه کا
هومره کله په‌چا کار کادخنجر مخ
ستا جناب زماوطن پری معتکف یم
داښکاره مه‌شه هرگز دبل بشر مخ
دوصال‌ورځ دی همیش په ماجنت وی
خو هجران دی راته سم کادسقر مخ

(اشرف خان هجری)



لری که‌نه

پدی چوپه چوپتیا کی په ماخیال لری‌که‌نه
دیدن ته‌دی راغلی‌یم وصال‌لری که نه

• • •

مدهوش اولیونی یم ستا دمینی ای‌نگاره
دزلفو په‌ول ول کی‌دی کوم تال لری‌که‌نه

• • •

خاریمه نیشه می‌کړه قربان ستاله پیالونه
ناپوهوته دپوهی څه کمال لری که نه

• • •

دشپی خوبونه وینم اودورځی ناقراریم
دی خوب ته‌می یوکلك تعبیر اوفال‌لری‌که‌نه

• • •

لیدوته دی‌راغلی دی (شپاند)له ننگرهاره
پیزوان‌که غاړکی االویامدال‌لری که نه

(شاه علم شپاند

خوب لیدل

بیگا می داسی خوب لیدلی
ترڅنگانه‌پوری انگار کی‌و ختمه
بیگا می داسی خوب لیدلی
چی ترلمنی می گریوان شلیدلی وینه
بیگامی داسی خوب لیدلی
زما دتورلونگین وشلیدل لړونه
بیگامی داسی خوب لیدلی
دلاسی بنگړی می یارپه ډانگ‌وهلی دینه
بیگامی داسی خوب لیدلی
زما دمینی‌په کور اوورولگید نه

ترجمه: گاو شگر

بخش ششم

شمع ها یکه در قلبم میسوزد

نوشته: الکساندر مزرس

موافقه گردم ولی تشابه نام مادونفر — تفاوت کمی از لحاظ هجا داشت.

بعد ازآنکه لنوکس مرا اطراف جنگل رانشان وتوجه که درمورد نگه داشت (جنگل سیاه) میشد مرا به شدت تحت تاثیر قرار دادفقط درخت های معین قطع میشد وبجای آن نهال های جدید کاشت میگردید واین یك فکر بسیار عالی بود وزمانیکه نظرم را با لنوگس در میان گذاشتم او خیلی از این مطلب شادشد.

بعد ازآنکه بخانه برگشتم مردی فوربس که همیشه لوسی را دوست داشت منتظرم بود هنوز موی هایش سرختر از خواهرش ایزابل بود. احساس کردم که نگاه متمرکزو دقیقش برای او مطالب زیادی از پریشانی اعصابم گفته باشد. راستی این بود که من هنوز از مهمانی لنوکس بر اعصاب خویش کنترول نتوانسته بودم زیرا احساس نمودم که او به شدت بمن جذب شده است.

دوشیزه ای چای رابه اتاق سالون ماکه خیلی زیبا بود آورد.

شروع بهصحبت کرد.

(ایزابل برایم گفت که شما مهمان گرانت ها بوده اید. از صحبت شان لذت بردید؟)

بین حقیقت وادای احترام دودل ماندم. بالاخره گفتم: (من آنهارا کمی تشریفاتی یافتم. هر کس سعی میکرد بیشتر خودرا مودب بنماید ولی خواهر تان زن زیبایست). چشم های مردی کمی بدور دست هاراباز کرد:

(او را همیشه چنین می گویند. ولی شما لوسی را دیدید؟)

(بلی، لوسی بیچاره من راجع بهاوشگفت زده شدم. چرا چنین شد؟)

(او ضربه شدید و سنگینی را متحمل شده است. مانمی دانیم این ضربه چه بوده ولی چنان ضربه سنگینی که او بدوران کودکی پناه برده است.

جهان آرام کودکی! راستی این عالمی بودکه انسان را از حوادث دیگر دور میدارد، مانند من یا اینکه اسیر میشود، فرار میکند ویازیر سنگ بنای قلعه ای بخاطر راضی ساختن، ارباب النواع دفن میشود.

مردی ادامه داد:

(این حادثه دریکشبهاهالووین اتفاق افتاد. خانواده گرانك همیشه این جشن رابه بزرگی بر گزار می کنند. شبی که هیچکس نمی دانست چه اتفاق خواهد افتاد. و حتی ایزابل تکان سنگینی خورد زیرا مدتها پیش از او خواسته شده بود تا در ب (قفل باکره) راباز کند ودر درون آن کدام کسی یك مجسمه ساختگی مقتول راگذارده بودواین شبح به شدت واقعی بود. و من فکر میکنم که ضربه لوسی نیز از همینگونه بازی های بی معنی سرچشمه گرفته باشد.

بار دیگر آن شب مخوف و هولناك به وضاحت در برابرم قرارگرفت: صندوق — خاکستر رنگ (قفل باکره) ایزابل با لباس سبزش که که حواشی آن باپوست پشك دوخته شده بود، ودینس که می گفت اوباید درب قفل راباز کند. وجیغ های خودم..

مردی ادامهداد.

(دینس بود که او را واداشت تا قفل راباز کند)

(دینس همان برادر زخمی)

(بلی یکی از قربانیان جنگ کریمیا اواز کابوس های وحشتناك رنج میبرد. من همانجا بودم که اوبا وحشت از خواب پرید و نمی دانست کجاست و زخمش های سخت اورا رنج میدهد. کسی آنچه میکند که می تواند) در حالیکه او صحبت میگرد و من دانستم که مردی تمام مسوولیت حادثه لوسی را بگردن دینس می اندازد. ولی مردی طبیب بود واین مسوولیت او را اجازه نمی دادکه دینس از زخم های خودش بسیاررنج ببرد. وبه همین سبب به دینس لوو انوم یك مخدر قوی میداد تا درد بیشتر را احساس نکند مردی اضافه کرد.

(ببخشید که اینقدر آزادانه اظهار عقیدهمی کنم. ولی من عقیده دارم که نظرم راست است، بگوید بعداز آمدن تان دیگر اینجا گردید؟)

ازتغیر صحبت آسوده خاطر شدم.

(خوب، امروز درکلبه چوبی گرانت لنوکس دعوت بودم)

مردی ابرو هایش را بالا کشید.

(اوه؟ من باید اعتراف کنم که شگفت زده هستم از اینکه لنوکس شما را در آن کلبه پرارزش دعوت کرده باشد تاکنون بههیچکس اجازه دیدن آنجا رانداده است.)

موجی از خوشی بوجودم راه کشید.

گفتم:

(ازهمین سبب بود که جنگلبانان ازدیدنم تعجب می کردند)

مردی خندید:

(من شك دارم که آنها از حرکات لنوکس متعجب شده باشند لنوکس نیز مانند دینس به شدت تغییر یافته است. پدرش سعی کرد روح او را خفه کند ولی موفق نشد. لنوکس یگانه کسی است که...)

(یگانه کس؟)

مردی ادامه داد.

(... است که فرار کرد. حالاراجع بهدامادم باشما خیلی حرف زدم آیا بار دیگربه گاللو مردی می روید؟)

(فردا من به نان شب دعوت هستم)

(و من هم دعوت هستم. پس شمارا آنجا خواهم دید)

یك ساعت بعد، در حالیکه مصروف مطالعه بودم احوال دادند که دینس گرانت آمدهاست.

اوبا شرمندگی بهداخل آمد، با کمك عصاراه میرفت. او لنگ ها باز نشستو پای چپش را هما نطور شخ درازنمود. برایش گیلاس شراب ریختا ندم وگفتم:

(تمام راه راپیاده آمدید؟)

چهره اش در هم پیچید وگفت .

(بلی.. خواستم تمرین کنم تا فعال بمانم هیچکس‌نمی خواهد به دیگران متکی باشد).

(البته درست است)

(شما اینجا کتاب های کمی خوا هید داشت. اگر کتاب دوست دارید چرا ازگاللو مرری انتخاب ننمودید ؟)

(چقدر مهربان هستند . من کتاب‌را دوست دارم. برادر تان امروز راجع بیك کتاب قدیمی حرف زد. یك کتا ب که درآن حوادث کلیساثبت میشود . ودر آن افسانه ای‌از قلعه شماوجود دارد. راجع به طفلی که‌گم شد. هلن ، هلن کمین)

کنده چو ب در بخار ی جرقه نموده‌وشعله کشید.

دینس گفت:

« حقایق درست بنظر می آید . این‌وقت درست بود وبعد از آن حادثه دیگری مبنی برگم شدن بوقوع نپیوست . بجز ازحادثه غیبت‌پدر دختر . او کمی بعد تر از د ختر گم‌شد. نسخه‌قد یمی می گوید که‌به شدت خشم گر فت و آرام نگر فت تا طفلش‌راپیدا نماید. او حتی صحنه های خو فناکی رابه وجود آورد. فکرمیکنم‌اودر نزدیکی های قلعه جاییکه گلکاران و نجاران کار میکردندوتوسط گرانت تحت نظر بودند رفته واز غضب‌که داشته فریاد نموده که همه‌چیز را میداندو بعد...» درچهره اش نه نفرت و نه ترحم خوانده میشد ولی پیشا نیش مملو ازدانه های‌عرق بود. چنین معلوم مشد که بر چهره اش درد سختی راه یا فته است او ازمرد شر منده وسر بز یرکه‌چند لحظه پیش‌بداخل اتاق درآمد، تبدیل شد حتی تبسمش رنگ خشونت داشت . میدیدم که دستش هایش‌از دردفشرده میشوند و غضب خود رابوسیله آنها تسکین میدهد . چنین احساس که‌نبرد سهمگینی در درونش براه افتاده وراه خروج می‌طلبد . کمی سردی و حتی ترس ا حساس کردم.

وبعد از او یك بچه رنجدیده بجای ماند. مرری برایم گفته بود که دینس درد طاقت فرسا یی دارد و ممکن این یکی ازهمان درد هاباشد.

نگاه اش نا مطمین ،بید فاع وخالی بودولی سعی میکرد احساسی نشان بدهد. وبعد احساس خو شی آور ی برایش دست دادوگفت .

(شما محتر م ترین کسی هستیدکه‌من تاحال دیده ام).

(من رامی گویید ؟) وجودم راموج تر حمی فراگرفت .جنگ کریمیا دینس رابه این‌روز آورد ه‌بود یك لحظه پیش اوکا ملا دگرگون شده‌بود.

گفت:

(فکر میکنم برو م،بهتر ست)

(فردا همد یگر راخوا هیم دید)

(فردا؟)

(من برای نان شب گاللو مرری می آیم).

او دستش رابرسم تعجب به سرش‌کشید (بادم نبود) بعد سر ش راخم کرد وخداحافظی نمود.

طی چند هفته ، چندین بار به قلعه گاللو مرری نان خوردم.

هر بار لننو کس مرابه دید ن جاهای‌نو قلعه می برد ولی یکبار سعی نکرد مرابه اتاق شکنجه ببرد .

فکر کردم که این کار را برای جشن ها لووین مانده است . خانواده گرا نت تصمیم گر فتند تایکی از جشن های غیر معمولی رابخاطر خو ش نگه داشتن من‌برپا کنند وبایست لباس های عجیب و غریب مانند روز های گذشته پوشیده می شد.

دینس گاه گاهی به دیدنم به‌دون هوز می‌آمد وباخود کتاب می آورد .

او همیشه شاد بنظر میرسید و من‌نه خواستم ترس آنشب رابرو یش بیاورم.ممکن آن حادثه زاده تصورم ، باشد . دینس به وضاحت بمن علاقمند شده بود و اشتیاق - قدیمی من که باید جز قلعه گاللومرری‌باشم باز در وجودم زبانه میزد و فکر میکردم‌که سرگریك بزودی از قلعه رخت بر خواهد بست وهمه چیز به دینس‌خواهد رسید.سعی میکردم تصور نمایم که باد ینس ازدواج‌کرده ام‌ولی دراین تصور فقط ترحم وجود داشت وبعدچهره روشن و تمسخر آلود لننو کس جای قیافه لگان برادر را می گرفت.

بالاخره شب جشن ها لووین آمد.

فکر کردم‌که سنن و آدا ب‌این‌جشن رابمن لیدی گرا نت نشا ن خواهد داد و خوا هد فهمید م که بسیاری‌لباسها را می شناسم. برخی کهنه و حوزه خورده شده بودند ولی شکل آنها همچنان خواهد معلو م میشد. من کلاه گرد خز طلا یی که زیر آن موی‌هایم‌را پنهان‌کردم بسر داشتم و رفتم .

خانواده را در اتاق سالون یافتم و لی‌بر خلاف مردان لباس‌سیاه بابو های سپیدوپراهن سپید بتن داشتند. مهمان های متعدد آنجااز قلعه‌های دیگر هم آمده بودند و درجمله آنها مرری برادر ایزابل هم بود.

لننو کس بسوی من آمد و دستم‌راگرفت.

(تو باور ت نمی شود ، من از مدتهاپیش آن‌لباس رامی پوشید م. بین تو کمی عقب مانده بنظر می آیی مثل دوران کودکی.)

(چرالباس های قدیم رانپو شید ی؟)

(ساده است بخاطر اینکه هیچکدام آنها بجان من برابر نیستند . من بسیار کلان شدم.)

(دینس‌کجا ست ؟)

(بار دیگر در دبه اوحمله نموده است- مرری برایش دوای زیاد تر آورده‌است.فکر میکنم‌چند روز بعد او خو ب شودو هیچ‌چیز بیادش نباشد .ولی تو اینجا نیا مدی تاتمام شب راجع به دینس گپ بزنی. بیاپیش‌ازنان شکار ارواح کنم)

او دستم راگر فت واز درون دروازه باز بیرون کشید.(من فکر میکنم که‌اگر تونمی- بودی ماجشن نمی گرفتم. و لی می دانی من‌فکر میکنم که این حادثه یك بار دیگربرای من و تو اتفاق افتاد. ولی این یك احساسی است که ابراز آن خیلی مشکل است.)

درگردشی یی گذشتیم و من خاموش‌بودم به‌آنسو چشمم باز بکدوی خا لی‌یی افتادکه مانند جمجمه سر انسا ن درست کرده‌بودندو بدرون آن شمع ها می سوخت .بادسردی‌از زیر دامنم راه کشید و تمام وجود م را - لرزاند.

(ادامه دارد)



زندگی نودرسومالی
درپرتومساعدت های ملل متحد



یك دسته از رضاكاران باشور وشوق‌درحال كار برای تسخیر ریگ زارها

تسخیر ریگزار ها :

اخیرا دریك روز جمعه من بتعداد ۵۰۰۰نفر رضاكاری رادیدم كه درناحیه شلمبادردر جنوب پایتخت در مهار كردن ریگزار مصروف اند. شخص رئیس جمهور محمد زیاد باری كه مرد تنومندی بعمر پنجاه سالگی قرار دارد در آنجا دیده شدكه بیلی دردست كار مینماید. ریگزار مزارع، سركهاوخانه های روستایی راتهدید میكند. بته هایی غرس گردیده تاجلوباد را بگیرد وكاكتی (یكنوع بته) درسراشیبی های نشانده شده تاآز پیشرفت ریگ جلوگیری نماید . این یك ابتكار سومالی بوده وكاملا موفق هم میباشد .

اعتماد بخود قسمتی ازفلسفهٔ رژیمی‌میباشد كه درسال ۱۹۶۹ درسومالیابه اقتدار رسید وبرخود میبالد ازاینكه اولین كشور آن قاره میباشدكه راه سوسیالیزم علمی را برگزیده است. صرف نظر ازایدیولوژی مفكورهٔ كمك بخود چیزیست كه بطرز تفكر جاری در ملل متحد سازگاری دارد .

این چیزیست كه سبب ا یجا د روابط فوق‌العاده خوب بین پروگرام (كمك بخود) سومالیا وپروگرام غذایی جهان در چند سال گذشته گردیده است . شكی نیست كه دادن غذابصورت رایگان برای رضاكاران مشوق‌و انگیزهٔ مهمی بوده است . درصورتیكه شكم گرسنه ویانیمه گرسنه باشد حتی با حرارت ترین احساس وطن پرستی هم كفایت نمیكند. كالوری كه فی نفرروزانه درسومالیا میگیرد كمتراز ۱۸۰۰ میباشد .

درجریان كار نخستین پروژه پروگرام‌غذایی جهان كه ازسال ۱۹۶۹ تا۱۹۷۲ ادامه داشت به‌تعداد ۳۷۷ صنف درسی، ۴۵ معاینه خانه ، ۴۰۰ تانك آب و۱۹۰ چاه آب توسط رضاكاران تحت یك پروگرام (كمك بخو د) آباد گردیده است درحدو د ۱۵۰۰ نفر جوانان درمكاتب ومراكز تربیوی نیزاز امداد پروگرام غذایی جهان مستفید گردیده اند . مصارف پروژه برای پروگرام غذایی درحدود نهصدو پنجاه هزار دالر تمام شد. پس ازاكمال آن در سال ۱۹۷۲ پروژهٔ مذكور برای سه سال دیگرتمدید شد ومصارف این سه سال بالغ بریك ملیون وسه صدوچهل هزاردالر گردید . این باربه سه هزار كارگری كه دراعمار سرك هاكار میكردند نیز برای مدت یكسال سهمیه غذایی داده شد .

تاسال ۱۹۷۳ ده فارم دولتی بوجود آمده بودكه ۲۲۵۰۰ ایكر (۹۰۰۰ هكتار) زمین رادر برمیگیرد ورضاكارانیكه درین فارم ها كار مینمودند برای خود لیلیه ها، صنف ها ی درسی، شفاخانه ووسایل آبرسانی وگدام نیز ساخته بودند .

انكشاف چراگاهواحیای جنگلات :

كمك دیگر بشكل موادغذایی برای سومالیا به ارزش ۱۸ر۱ملیون دالر برای سه سال آینده درنظر گرفته شده‌كه هدف آن انكشاف چراگاه هاواحیای جنگلات میباشد .

اكنون پیشنهاد شده تابیست ویك هزار كیلومتر مربع درمناطق مختلف قسمی ذخیره گرددكه دروقت بارش زیاد بروی حیوانات بسته شوند . درمدت مذكور چراگاههای مورد نظرباكتاره ها احاطه گردیده وتوسط نگهبانان محافظه شده وفقط درفصل خشك دو باره گشوده شوند . دربین ذخیره هاتراش های سنگ دیوار ساخته شود تااز فرار آب باران جلوگیری نموده وگلكاری طوری شودكه آ ب راگسترش دهد یانگهدارد . شش صد هكتار زمین درخت وبته هاغرس خواهد شد . درین جانیز رضاكار انیكه سهمیه غذایی ازپروگرام غذایی جهان دریافت میدارند كاررا انجام میدهند .

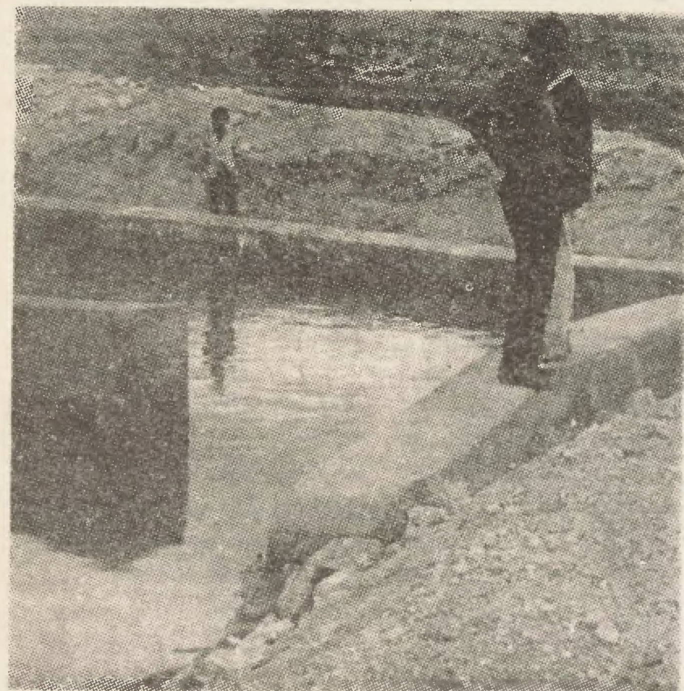
درجاهای دیگر بتعداد ۳۱۶۰۰ كارگر وفامیل های شان باساس همین پروژه مواد غذایی دریافت میدارند تاجنگلات موجوده را نگهداری ودر جاهائیكه جنگل قطع شده دوباره آنرا احیا نمایند .

كوپراتیف های ماهیگیری :

یك پروژه پنجسا له انكشافی كه بكمك پروگرام انكشافی ملل متحد وسازمان جهانی زراعت وموادخوراكه پیش برده میشد اخیرا خاتمه یافت . پروژهٔ مذكور دریافت كه در سواحل سومالیاكه طول آن ۳۲۰۰ كیلو متر میشود ذخایر بزرگ ماهی وجود دارد كه استفاده ازآن حاصلات ماهی آنكشور رابمراتب افزایش خواهدداد. ماهیگیری آن درحال حاضر سالانه به ۵۰۰۰ تن میرسد .

دولت سومالیا اكنون پروگرامی رارویدست گرفته تاغذاهای بحری رادر میان مردمیكه به خوردن‌گوشت گاو وگوسفند عادی اند بیشتر رایج سازد. گنجاندن ما هی درغذای روزانه مكاتب، كانتین های دوایر وبارك ها اجباری شده وآگهی های بیشماری ارزش غذایی ماهی راتشریح میدهند. ولی همراه بااین پروگرام برای مقابله باتعقیب بی جهت‌كوچی ها دربرابر غذاهای بحری حكو مت به ماهیگیران جوان قایق های موتوری و وسایل بهتر ماهیگیری فراهم آورده است .

سومالیا كه عاید سرانهٔ آن بین ۵۰ تا ۶۰ دالرقرار دارد درجملهٔ فقیرترین كشور ها بشمار رفته وممالك انگشت شماری در جهان وجوددارد كه نسبت باین كشور به امداد بیشتر جهانی نیازمند باشد .



صدها تانك ذخیرهٔ آب توسط رضاكاران‌آباد گردیده است .

بزکشی

باین شرح مختصر واضح میشود کــه از روزگاران پیشین اسپ وتربیهٔ اسپ وسـواری وسوارکاری چقدر به باختر وبه آریا هــای باختری ارتباط داشته وداشتن اسپ‌های تندرو وخوب ودرخشان وبراق باعث‌تمیز خانواده‌ها ورجال ازیکدیگر بوده .

درعصر ویدی اسپ دوانی واسپ ســواری درمیان آریاهای افغانستان رواج‌خاصی داشت. درسرودهابه کرات به اسپ واسپ های‌سواری وبه عراده های جنگی که بااسپ کشیده میشد اشاره شده ودریکی ازسرود ها چنین آمده : (پهلوانان مابااسپ هاپرواز کرده یکجا آمدند) ازین اشاره مفهوم اسپ های بالدار و تندی حرکت اسپ هاهردو درنظر مجسم میشود .

اسپ دوانی ازساعت تیری های اجتماعــی آریاهای افغانستان بود. درجنگ ها عراده های استعمال میگردند که درآن پهلوی عراده ران یك نفر تیرانداز هم می نشست و کــامیابی تیرانداز تاحد زیاد مربوط به مهارت عراده‌ران بود

دراوستا وعصر اوستایی دخالت اسپ‌در خاندان ها ودر زندگانی اجتماعی باختری هــا بیشتر محسوس میشود روسای خانواده هــای بزرگ گله های چندین هزاری اسپ داشتند وتربیه وسلیقه تربیه‌اسپ عامل شهرت مالکان آن محسوب میشد .

پیشتر گفتیم که منابع یونانی در جوار بلخ ازشهری بنام (آذراسپه) یا (زاراسپه) (شهر هزاراسپ) یا (شهراسپ طلائی) یادکرده‌اند. درزمان هجوم اسکندرمقدونی درتمام افغانستان مخصوصا درصفحات باختر تعداد سوار کاران ماسیار بود ویکی ازعلل توقف اسکنـدر در حدود دو سال در صفحات شمال افغانستــان همین بودکه پیوسته وبصورت غیر متر قبــه وناگهانی مورد حمله‌ی دسته هــای بزرگــ سوار کاران قرارمیگرفت . این سواران تندرو به‌سرعت برق به‌یکی ازگوشه های افق‌وسیع باختر حمله می آوردند وبعداز دستبرد هــای شدید به‌دشمن درحا لیکه سپاهیان یونانی‌را زنده میگرفتند درگوشهٔ نامعلوم دیگر ناپدید میشدندیونانی هاکه بااین تکتیك حمله وجنگ آشنا نبودند سخت دچار پریشانی‌شده بودند. المان (اله مان) های باختری که تااین اواخر اطفال راازآنها میترسانیدند سوار کــاران ، پهلوانان قوی پیکر وتیز چنگال وباد پیما بودند که با هیکل درشت خــویش واسپان عظیم الجثهٔ خود بردشمن شبخون میزدند .

درین شبهه نی نیست که اصل مبدابزکشی نه بازی بوده ونه ساعت تیری ، بلکه جنبــه حربی وتکتیك حمله‌جنگی داشته وهمانطور که گفتیم اولین مظاهر آنرادر جنگهای سوارکاران باختری وحمله های ایشان علیه سپا هیــان مقدونی میتوان یافت .

این روش بعداز زمان اسکندر دردوره های بعدکماکان درباختر معمول بودوهمیشه سواران مادرمقابل تهاجمات بیگانه به حمله های دسته جمعی مبادرت کرده ودشمن رازنده از میــدان نبرد باخود می بردنداین حمله های متهورانه درمقابل هجوم آوران مغلی چنگیزی هم بعمل آمده است . برای اینکه جوانان وسوار کاران مشق وتمرین پیدا کنند درزمان صلح هم این حمله ها بشکل نمایشی صورت میگرفت و به جای دشمن نعش حیوانی رااز نقطه معینــی برداشته ومی بردند وبرای اینکــه شطارت سوار کاران خوبتر معلوم شود دسته جمعی بدان مبادرت میکردند و طبیعــی برندهٔ نعش حیوان، برنده وفاتح شناخته میشد. بااین‌ترتیب این تاکتیك جنگی ازراه مشق وتمرین شکل بازی ملی بخود گرفت وچون با جــان انسان بازی نمیشد بجای آن طوریکه درتمرین هــا معمول شده بود ازنعش گوساله یابز کــار میگرفتند وقراریکه معمولا مشاهده میکنیم الان هم تمام کامابی سواران دربزکشی منوط به سه‌کلمه‌است که عبارت از: گــر فتن نعش برداشتن نعش ورسانیدن آن دریك نقطهٔ معین میباشد .

همانطوریکه نیزه بازی ازروی اسپ وزدن میخ وکندن آن ازمین بانیزه درحال‌دوش‌اسپ ویابریدن نادلچ باشمشیر بدست سوارکاران بشکل بازی درآمده ودر افغانستان هنوزمعمول است‌بزکشی هم‌به‌تدریج شکل بازی‌دسته‌جمعی اختیار گرد ولی روح پهلوانی وسلحشوری در سوارگار وغایهٔ تربیه نژاد اصیل در اســپ مدنظر است وقراریکه امروز هم ملاحظه‌میشود کسانی اساسا درمسابقه بزکشی شامل شــده میتوانند که چندین سال پهلوانی کرده ودست وبازووپنجه خویش راقوی سا خته باشنــد چنانچه علی العموم همه سواران بازی مخصوصا چاپ اندازان رابه لقب (پهلوان) هم‌یادمیکنند. چاپ انداز یعنی برنده وفاتح کسی است کــه بزیاگوساله رااز پهنای میدان به دائر حلا ل میرساند واورا درصفحات شمال (چرانداز) هم میخوانند تعبیر این اصطلاح چنین است کــه سواران عوض اینکه بزرا ازنقطهٔ حلال‌بردارند ازنقطهٔ بلندی (مثلا سرتپه‌ئی) میبرداشتند و علت‌ماندن بزروی بلندی وآوردن آن در اینجا این بود تاتماشا کنند گان نقطه حلال را خوب تردیده بتوانند . چاپ اندازان امروزی کــه درعین زمان پهلوان وورزشکاربوده ودرسواری وسوار کاری مهارت زیاد دارند یادی ازهمان اسواران سلحشورو(شهسواران) و(آریاسپه) های قدیم میدهند که شمه ئی ازتاریخچه‌ظهور وتحول اجتماعی ایشان رادر جریان ادوارتاریخ شرح دادیم .

همانطور که سوار کاروچاپ انداز تر بیـ مخصوص میخواهد اسپ های بزکشی هم‌تو وتربیه خاصی بکار دارد. اصلا در صفحـا باختر ازبدخشان تامیمنه وشبرغان علی‌العمو دونوع اسپ داریم . اسپ های قطغـــنی بدخشانی که دردامنه های‌کوه هاوتپه هاترب می‌شوند ازحیث جثه کوچکتر ولی محکم وپـ استقامت میباشند واسپ های مزار شریـ ومیمنه وشبرغان که بیشتر دردامان دشت ها بیکران نشو ونما میکنند علی العموم جثهٔ قو وبزرگ دارند. تاجائیکه ملاحظه شده هر نوع اسپ در مسابقه های بزکشی هر کــ بجای خود صفاتی دارند .

باساس عنعنه ئی که ازروزگاران قد یـ بصورت تجربه ملی باقی مانده مو سم باز ومسابقه های بزکشی درباختر نیمه دوم‌س وفصل زمستان است زیرادر تابستان اسپ رابه گله می فرستند به نحوی که اسپ هـ درماه میزان زیرمشق وتمرین میگیرند ودر عقرب تمرین بیشتر میشود ودر جریان مــ قوس‌وجدی ودلووحوت بازی هامتداول میگر درصفحات شمال میدان های معروفی است علی‌العموم طور عنعنوی بــازی های بــزکـ درآن جاصورت میگرفت . مثلادشت شاد درمزارشریف وجم قلعه در قطغن وغیره .

مسابقه های بزکشی درتربیه اسپ ودرب بردن قیمت آن دخالت زیادداشته ودارد . اسپ های که مخصوص این بازی تربیه‌میشو بامهارت فوق‌العاده سوار کار خود را بهـ رسانیده ودرموقع لازم بزمین زانومی زنند می‌خیزند وسوار کارخویش رابه نقطهٔ مطل میر سانند.

اسپ های بزکشی از ۲۰تا۳۰ هزارافغ وبالاتراز آن خریدوفروش میشود . روی اس های خود علی العموم نام‌هم میگذارند مان (اسپ ببر) و«اسپ‌پنج‌پای» که دریــن ســ های اخیر درقطاراسپ های قطغن ومیمنه‌شهـ یافته بودند .

بزکشی درولایات‌شمالی افغانستان درقط مزارشریف ، میمنه، شبرغان وسایر نقـا بیشتر معمول است ومانند سایر بازی هـ نمائشی ازقبیل پهلوانی، اسپ دوانی، نیـ بازی وغیره علی‌العموم‌درعروسی هاوختنه‌سو وغیره صورت میگیرد وانعامهای ازطرف بزر قومی یاداماد ازقبیل اسپ ، شتر، تفنگ، بول نقد به چاپ انداز برنده داده میشود

زبان شعر

آرزوی جوان

دلم خواهد که مانند عقابی
زنم پزبر فراز آسمانها
بخوانم با صدای آتشینم
سرود فتح اوج کهکشانها
دلم خواهدکه هم چون خندهٔ رعد
بلرزانم جهان راlاز نهیبم
بسوزم خاره زار دشت شب را
ز برق خانمانسوز لهیبم
دلم خواهد که هم چون اختر صبح
شوم چشم چراغ جستجو ها
دلم خواهد که هم چون بذر امید
برویم در زمین آرزو ها
دلم خواهد که چون آهوی وحشی
بیابان در بیابان در نور دم
چنان تند وسبکخیزانه ومست
که نتواند رسد توفان به گردم
دلم خواهد که هم چون موج سرکش
بغلتم مست در آغوش دریا
پیام لاله های تشنه لب را
بگویم هرنفس درگوش دریا !
دلم خواهد که هم چون دود مجمر
بدور شعلهٔ سرکش برقصم
دلم خواهد که مانند سمندر
به بزم خلوت آتش برقصم
دلم خواهد که مانند پرستو
شوم پیك بهار جنبش آئین
زساز مژده بخش چهچهٔ من
برقص آید همه گلهای رنگین !
دلم خواهد که هم چون لاله سرخ
چراغی دردل صحرا فروزم
زبرق داغ آتش خیز قلبم
خس وخار بیابان رابسوزم !
دلم خواهد زساز تار احساس
به ساز آرم نوای تازه‌ای را
به بازار دیار ناشناسی
کنم یکدم بلند آوازه ای را !

عشق

عشق محبتی راکه نسبت به باز ماندگان خود در قلب خویش‌متمکن ساخته اند،همیشه ازپرتو افکار پریشان آنها عرض وجود مـی نماید وعلاوتا آنها از فرط محبت زیادی‌کـه به‌جسم دارند ،در آغوش عریان شده خودکه به‌جز ازاسکلت بندی ماده دیگری را مالك نمی باشد ،فشار داده وبواسطه آواز دلخراش خود آنرا فریاد می نمایند .ولی آن فریادهـا مانند یك فزای سنگین در روی آبهای بحـر بخواب استراحت‌رفته ودر نتیجه آن‌بیچاره‌گان برای همیشه از مراحم خداوندی محروم مـی شوند ونیز این نفیر های حزن انگیز درمیان ظلمت های تیره‌منتشرگردید وبا آوازپرندگان شب گرد توام شده نداهای شوم شان روی فضا رامی پیچد وبجای میرسد همه وقـت بالبا سهای ژنده وفرسوده در اکناف‌برمقا وخرابه ها گشت وگذار گرده ،حیات بـرای شان بارو از پرتو ضیا شر مسار می‌باشند. ودر آن ساعتی که بیچاره گان چشمان خودرا بسته نموده واز کلبه ویرانه تنگ وتاریك خویش بدون صدا وندا افرارمی‌کنندبه مثابه‌آن جانیست که تمام شب رادر کنار ساحل بـه تماشای امواج بحربسر برده‌وانتظار برخاستن سفقی راداشته که در روی کوهای بلنداثرات رنگ آمیزی کمرنگی راتولید می کندوافکار گوناگون قوه مخیله وقابلیت های‌حواس‌خمسه رامغلوب ومنکوب خویش مگرداند .

از همدم

رهروان مست

این چه شوریست که‌در سینه سرایت‌دارد
این چه دردیست که رنجش هم راحت‌دارد
این چه‌رازیست که‌بنهفتن آن‌رسوائیست
وه چه رسوا که دو صد پرده حجابت‌دارد
دور زین آتش سوزنده پنهانی دل
بکن این دشت پرم راکه حرارت دارد
این چه راهیست که هر رهرو آن‌مست‌و
خراب
این چه مست‌مست‌که صدخانه شهامت دارد
رنگ افسانه نگیرد چمن هستی ما
زانکه در هر قدمش عشق عمارت دارد
همدم کیست که صد نالهٔ جان سوزکشد
ناله اش چیست که اینگونه ملاحت دارد

از لسان اللغیب حافظ شیرازی

زلف آشفته

زلف آشفته وخوی کرده وخندان لـــب ومست
پیرهن چاك و غزلخوان و صرا حی در دست
نرگسش عـربده جـوی ولبش افسون کنان .
نیم شب دوش ببالین من آمد بنشست
سر فـرا گـوش مـن آورد بـا آواز حزین
گفت ای عاشق دیرینه من خوابت هست
عاشقی راکه چنین بادهٔ شبگیر دهند
کافـر عشق بود گر نشود باده پرست
برو ای زاید وبر درد کشان خرده مگیر
که ندادند جز این تحفه بما روز الســـت
آنچه او ریخـــت به پیما نه مـا نوشیدیم
اگراز خمر بهشتست وگر بادهٔ مســـت

۷۷ پروژه برای انکشاف

آیاشما درد سر های بیشتری را بشکل مواجهه نظامی باپاکستان انتظار میبرید ؟

جواب- راجع به اینکه دردسایسیکه در افغانستان کشف گردیده د ست پاکستان دخیل بوده جای شك نیست البته همه آن هارانمیتوانیم کودتا بنا میم این دسایس به شکل جاسوسی قاچاق اسلحه وغیره کشف گردیده که درا ن پاکستان بصورت مستقیم د ست داشته است. پاکستان درسرحدات استحکامات وتهانه جات سابق انگلیس راتقویه میدارد . این همه حرکات بمنظو راین است که افغانستان را عصبی نما ید ومجبور به رویه متقابله سازد اما ماا ین همه حرکات را باخون سردی نگران بوده واز حوصله کار میگیر یم. اینکه آقای بوتو وجنرال های پاکستان آرزو داشته باشند تجاوز نمایند به خودشان معلوم است اما در حال حاضر بااین فضایکه دردنیا موجود است حر کا ت نظامی به نفع هیچ طرفی نخواهد بود البته این طرز تفکر مربوط به اشخاصی می باشد که باچنین ماجرا جو یـــی میتوانند دست بزنند ورنه حر کاتیکه درمقابل نیشنل عوامی پارتی ولیدران پشتون وبلوچ اتخاذ گردیده منطقـــی نبوده ونمی باشد . بوصف این همه دسایس مامیخواهیم که با همـــه کس مشکلات خودرا ازطریق مفاهـــمه و شرافتمندانه حل نمایم .

سوال- ښاغلی بوتو میگوید که از جلالتمآب شما بمنظور مذاکره را جع به مشکلات فیمابین دوکشور جهـــت مسافرت به اسلام آباد دعوت بعمـــل آورده بوداما هیـــچ جواب مثبت از کابل واصل نشد.

جواب- قسمتی از اظهار آقای بو تو راست است حقیقتا به شارژ دا فیر ماگفته بودکه میخواهد مرادعوت نمایند باگرفتن این اطـلاع مو ضوع تحـت مطالعه ماقرار داشت امااقبل ازاینکه جواب مثبت ویامنفی داده شود آقا ی بوتو شخصا این مساله را افشا نمود واگرآقای بوتو د ر ایـــن مـو ضوع حسن نیت میداشت وصمیمانه میـــبود یقین جواب مامثبت می بود وبهتر آن بود که این مساله درابتدا به سویه پائین شروع میشد تازمینه به سویه بلند تر مساعد میگردید امااقبل از اینکه جوابی ازما بیابد موضوعرا افشا نمودواینکه میگوید جواب ا ز طـــر ف کـــا بل نرسید درست نیست زیرا به آن مرحله نرسیدیم .

سوال – ازموقعیکه انفجار یـــك بم درپشاور منجر به قتل حیات محمدشیرپاو گردید ولایات سرحد وبلوچستان مورد ستم وتعدی عمومی قرار گرفته است . حزب عوامی ملی منحل گـــردیـــد و رهبرانی ازقبیل ولی خان توقیف شده وحتی مصئونیت اعضای پارلمان باوضع محولانه قوانین سلب گردید . کابـــل این حوادث را چگونه تلقی میکند ؟

جواب – دراین قسمت نظر حکومت افغانستان ذریعه نشریات واعلامیه ها توضیح گردیده تمام این واقعات یك دسیسه ساخته وبافته پاکستان میباشد وهدف ازآن این است که افغانستان را درآن دخیل سازدقتل شیرپاوخاتمه دیموکراسی پاکستان میباشد که آقای بوتو به آن افتخار مینمود .

سوال – آیا ښاغلی رئیس دولـــت فکرمیکنند که بین خصومت روز افزون حکومت بوتو با نهضـــت پشتـــون و افغانستان ورفع قیود امریکا بر صدور اسلحه به پاکستان رابطه ای موجـــود باشد . آرزومندیم ازنظریات شمارا بع به عراقب این اقدام امریکابرای صلح نیم قاره اطلاع حاصل کنیم ؟

جواب – دراین قسمت نظر ما وشما مشابه است برداشتن قیـــود اسلحـــه امریکا به پاکستان چنانکه برای شما خوشگوار نیست برای ما نیز گـــوارا نمیباشد خصوصا دراین موقعیکه برای ازبین بردن نهضت آزادیخواهی پشتون وبلوچ به کار برده میشود

بااینکه امریکایی ها میگویند کـــه پاکستان اسلحه راباپول نقد خریداری میدارد اما همه میدانند کـــه در این منطقه کدام کشور میتواند ا سلحـــه خریداری نماید لهذافکرمیکنم برداشتن محدودیت وارسال اسلحه به پاکستان موازنه قوارا دراین منطقه بهم میزند وسبب نارامی وتشویش این حوزهٔ که همه مادرآن زندگی میداریم خواهدشد.

سوال – شمافکر میکنیدکه پاکستان بتواند اسلحه خریداری نماید ؟

جواب – من یقیـــن ندارم پاکستان بتواند پول اسلحه را تادیه نمایـــد ولی پاکستان این پول راشایدازطریق دیگری بدست آورده وقیمت اسلحه را تادیه نماید .

سوال – درنتیجه اقدامات عسکری پاکستان آوارگان پشتو ن هم اکنـــون به افغانستان پناه آورده اند . ما در هندوستان ازعواقب یك حادثه مشابه درپاکستان شرقی آگاهی داریم . شما چگونه این بحران راکـــه در پهلـــو ی افغانستان توسعـــه میابد ارزیا بـــی میکنید .

جواب – پناهندگان پشتون هنوزمثل بلوچ ها به افغانستان زیاد نیامده اند اماازوضعیکه پاکستان در پیش گرفته احتمال آن میرودکه پښتون ها نیزبه افغانستان پناهنده شوند .

سوال – افغانستان برای پناهندگان بلوچ چه ترتیب گرفته ودر آینده اگر تعدادآن ازدیاد یابد چـــه تدابیر اتخاذ خواهد شد ؟

جواب- یگانه کاریکه افغا نستان میتواند اینست که برای این اشخاص جای دهد وآنهارااعاشه نماید و اگـــر تعداد آنها درآینده ازدیاد گردد در آن صورت مجبوریم بموسسات بین المللی مراجعه واستمداد نمائیم .

سوال – شاهنشاه ایران اخیرابرای انجام مذاکرات خصوصی با ښا غلـــی بوتو از لرکانه دیدن نمود . ښاغلـــی رئیس دولت رول تهران رابرای بهبود اوضاع وکمك جهت حل اختـــلافـــات افغانستان وپاکستان چگونه ارزیا بی مینمایند در اینجا باید این حقیقت را تذکر دهم ، اعلیحضرت شان به مـــن گفت هرگـــاه کابل و اسلام آباد هردو آرزومند باشند و ی میخواهد چنیـــن رول دوستانه ای رابعهده بگیرد ؟

جواب – ازاینکه اعلیحضرت شـــا ایران به پاکستان مسافرت نموده اند خبرداریم اما اینکه چه گفته اند هنوز کدام راپوری نرسیده است .

آنچه در جر ا ید خارجی تبصـــره گردیده یکی ازآجندای مذاکرات شان موضوع اختلاف افغانستان وپاکستان بوده تفصیل مذاکرات تاکنون معلوم نیست .

راجع به اینکه شاهنشاه ایـــران برای حل اختلاف بیـــن افغـــانستان و پاکستان نظرنیکی دارند ازامروز نبوده بلکه از شانزده سال قبل میباشد فکر میکنم که این آرزوراامروز نیزخواهند داشت موقف افغانستان نز د شـــــان معلوم است اگر ایران با آرزومنـــدی نیکی که دارد خواسته باشد راه حل شرافتمندانه برای اختلاف ماپیدانماید افغانستان آنرا تقدیر میکند .

سوال – دراین صورت شما آنرابه خوشی استقبال میدارید ؟

جواب – طبعا مساعی واقع بینا نه رانه تنها ازایران بلکه ازهرکشوریکه باشد به خوشی استقبال میداریم .

سوال – دراین مورد جلالتمآب شما حتما بخاطر دارند هنگا میکه مـــن احساسات دوستانه شمارا نسبت بـــه ایران به شاهنشـــاه رسانـــدم آ ن اعلیحضرت احساسات شمارابا پیشنهاد هرگونه همکاری ممکن با افغانستـــان قویا مقابله نمودند .

من چنین تعبیر میکنم که مناسبات بین کابل وتهران ازآنوقت تاکنون به صورت دوستانه روبه توسعه میباشد؟

جواب – اصلا مناسبات ماباایران همیشه خوب بوده و فعلاهم خیلـــی دوستانه میباشد ازکمك های اقتصادی ایران به افغانستان نهایت ممنونیم و همچنان ازعلاقه که برای رفع کشیدگی بین افغانستان و پاکستان میگیرنـــد متشکریم .

سوال – ښاغلی رئیس دولت هفته آینده ازکشور من بازدید خواهند کرد که درآنجا استقبال گرمی انتظـــار شما است ؟

ماهیت واهداف این بازدید چیست ماخصوصا ازاین نظـــر د ر تجسس معلومات هستیم که بعضی منابع مشخص پاکستانی این بازدید راسوء تعبیـــر نموده ویك حرکت خصمانه علیه آنکشور تلقی مینماید ؟

جواب – ازاینکه به کشـــور شمـــا مسافرت میدارم خوس هستم که موقع میسر گردید تابا زمامداران شما دیدن نمایم مسافرت من کاملا یك مسافرت دوستانه میباشد ازاینکه پاکستان آنرا سوء تعبیر نموده به رفقای پاکستانی وآقای بوتو گفته میتوانم کـــه این مسافرت کدام دسیسه وانتریك درباره پاکستان نخواهد بوداگر دو کشـــو ر دوست بین خود مذاکره مینمایند دلیل آن شده نمیتواند که در مقابل کشور دیگر دسیـــ سازی نماید .

سوال – آیادر مذاکرات شما بـــا زمامداران ماموضوع امنیتی مطر ح خواهد شد ؟

جواب – درآجندای مذاکرات ما چنین چیز داخل نیست اصلا مذاکرات مـــادر هند آجندایی ندارد درهمه موضوعات میتوانیم مذاکره ومفاهمه نمائیم .

دراینجا میخواهم تذکردهم ازاینکه دوکشور همسایه ایران وعراق توانستند اختلافات خودهارا ازراه مفاهمه حـــل نمایند سبب خوشی ماگردیده است یقین دارم رفع این مناقشه بین دوکشور همسایه سبب آرامی در آن منطقـــه میباشد .

درخاتمه خواهش میکنم تمنیات نیک من همکارانم ومردم افغانستان را بـــه حکومت ومردم کشورخود برسانید

کرنجیا- ازاینکه موقع ملاقات بمن داده شدیك باردیگر اظهارسپاسگذاری میدارم .

آرشمیدس

-نقطه اتکایی بمن بدهید تابکمك اهرام خود کرهٔ زمین رااز جایشـــس تکان دهـــم .

... وآوانیکه رومی ها کشور آبایی آرشمیدس را تحت فرمانبرداری خویش درآورده بودند ،این دانشمند نابغـــه از دست سر باز گمنامی بقتل رسید. میگویند حینیکه آرشمیدس دریـــك موضوع ریاضی سخت مشغول وسر گرم مطالعه بود سر بازی از اردوی رومیان براو وارد شد ودر مقابل نعره های تهدید آمیز او آر شمیدس،فقط براش گفت :

«دوایر مرا تخریب مـکـن» اولی در مقابل سر بار براو مسلط شدواورابزیر خنجر بیداد خوابانید .



رئیس تحریر : محمد ابراهیم عباس
مدیر مسؤل عبدالکریم رو هینا
معاون : پیغله راحله راسخ
مهتمم: علی محمد عثمان زاده
تیلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تیلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹
تیلفون منزل مدیر مسوول ۲۷۷۳
سوچبورد ۲۶۸۵۱
تیلفون ارتباطی معاون ۱۰
تیلفون منزل معاو ن ۴۰۷۶۰
مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴
آدرس : انصاری واټ
وجه اشترا ك :
درداخل کشور ۵۰۰ افغا نی
در خارج کشور ۲۴ دالر .

دولتی مطبعه

مودوفیشن





بهار میرسد

بدین تقریب دو نمونه ازمود جدید بهاری رابرای مودپسندان ژوندون انتخاب نموده ایم

خوانند گان عزیز ودوستا نژوندون :آرزو مند یم شماره۵۲مجله که آخرین شماره امسال است بامطالب تازه ودلچسپ تقدیم شود انتظار داریم در سال نو دو ستا نومشتر کین ژوند ون بیشترگردد شماره ۵۲رابا تقویم سال نو که ضمیمه آن است فراموش نفرمائید.